

سه شنبه و نامهارا حساب کرده بران این اعداد را اضافه کن  
 ۴۵۸ بنویس بمشک و زعفران و کلاب بشوید و بخورد و یا  
 با خود دارد و فرمان الله تعالی کثاره کردد و می باید که در  
 نوشتن احتیاط کند تا غلط نشود و شک نیاورد و دیگر بر سر  
 اعداد و اسمی این اعداد را اضافه کن ۵۵۵ بنویس پرور  
 آهو در روز ادینه و بر موم گیرد و در کز آب بشوی بعد هفت  
 روز کشاید و کرا بخورد در هم کثاره کردد دیگر نامهارا  
 حساب کرده بر سر اعداد را اضافه کن ۲۵۵۵ در روز  
 ادینه پرورق آهو بنویس و در موم گرفته در آب اندازد  
 دو سه روز بوقت با مدار روی خود را بشوید بعد از سه روز  
 کثاره کردد و بقولی این اعداد را اضافه کن ۱۶۵۵ بر هر  
 سفید بشرط مذکور بنویس فرمان خدا بتعالی کثاره کردد  
 دیگر بستان هر بر سفید نامهارا حساب کرده این اعداد را  
 اضافه کن ۴۲ بعد بنویس در شب پنجشنبه بر کربند  
 کثاره کردد دیگر بستان هر بر سفید و بر اعداد  
 اسمی این اعداد را اضافه کن ۴۲ در شب دو شنبه

۱۲۲ فصل هفتم فتح الرجال

بنویس و برابر و راست بند کشاره کرد و مجرب است دیگر  
بیارد ورق آهونامهارا حساب کرده این اعداد را اضافه کن  
۱۶۵۵ بعد بنویس و برابر و راست به بند کشاره کرد  
نامهارا حساب کرده این اعداد را اضافه کن ۶۵۵۵ در روز  
ادینه بر ورق آهونویس و در موم گرفته در آب اندازد و سه  
روز بوقت با مداد روی بدان آب بشوید بعد از سه روز کشاره  
کرد و بقولی این اعداد را نیز اضافه کن ۱۶۵۵ و بر مجرب  
سفید بنویس و بشرط مذکور نکهتدار بحکم الله کشاره کرد  
دیگر بستان حریر سفید و بر سر اعداد اسامی این اعداد را  
اضافه کن ۱۴۲ در شب دوشنبه بنویس در موم کرده و  
در بازو راست بند کشاره کرد و مجرب است دیگر بستان حریر  
سفید و نامهارا حساب کرده این اعداد را اضافه کن ۱۴۲  
بنویس در شب پنجشنبه بر کمر بند کشاره کرد و دیگر بیارد  
ورق آهونامهارا حساب کرده این اعداد را اضافه کن  
۱۶۵۵ بعد بنویس و برابر و راست به بند بفرمان  
خدا کشاره کرد



# فصل هشتم کتایش کارها ۱۲۳

فصل هشتم در کتایش کارهای بسته اگر خواهی که کارهای  
 بسته را بکشی بر کب و جمعیت و در رزق بر تو کتاده کرد  
 شرط مذکور بجا آرد بنظرها سعد و ساعتها و روزهای نیک  
 بنویسد و فرد در بروج حمل باشد و نیم و آخر تر در بروج جوزا  
 و سرطان نباشد در اسد و سنبله نیم آخر میزان عقرب نیک  
 است و قوس نشاید و جدی و دلو نیک و در حوت بستاند  
 پاره کاغذ بر سر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن ۱۵۰۴  
 در روز یکشنبه سیوم و یا پانزدهم ماه در وقت کتایت عود  
 بخورد کند یا خورد در کتایش در کار او بنیاد شود و رزق او  
 کتاده گردد دیگر بنان پاره هر بر سفید و بر سر اعداد اسامی  
 این اعداد را اضافه کن ۱۵۵۱ در روز پنجشنبه بنویسی و در  
 سوم کبر که باوی مصطکی امیخته باشد و در بازوی راست به  
 بند دهر مهمی که داشته باشد صورت باید بفرمان خدایتعالی  
 دیگر در کتایش کارهای فتح و نصرت و ظفر بردشمنان  
 و برآمدن حاجات و مهمات نظیر ندارد بنویسی بر سر اعداد  
 اسامی این اعداد را اضافه کن ۱۵۵۱ بده در آب اندازد

عدد  
اشفع من  
کل ذو  
القاربع

عدد من  
جعل الشها  
والفر

۱۲۴ فصل نهم در دفع خصم

از آن آب روی خود بشوید و بگذار تا خشک شود مجرب است

فصل نهم در دفع کردن خصمان بنویس مجنون این لوح را

در کلین کرمانه دفن کن و بگوئی که فلان بن فلان انا لله و

انا الیه راجعون دشمن هلاک شود نوع دیگر اگر خواهی

که دشمن را هلاک کنی بر اعداد اسامی این عداد را اضافه

کن ۹۵۵۵ بنویس در روز آدینه یا سه شنبه در پاره کرمانی

که از کفن مرده مانده باشد و در بچید و از موم صورت

ساز و نوشته را در شکم بنهان کند مجرب است

فصل دهم در محبت افکندن میان ازواج و این وقتی کند

که واجب بود اما می باید که مجرام نکند در منظمه نه افتد و شك

نآورد بر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن ۴۵۵ در

روز سه شنبه بنویس اگر بزنی کند اگر بزنی کند در بارزوی

چپ بندد و اگر بر مرد کند در بارزوی راست بندد نوع دیگر

بر اعداد اسامی این عداد را اضافه کن ۵۴۵۶ در روز چهار

شنبه مجرب بر سفید بنویس بشرط مذکور نزد خود نگاهدارد

چنان محبت بشود که بشرح نه اید نوع دیگر در روز پنجشنبه بکاغذ

فصل نهم در دفع کفران

فصل دهم

فکارت الرقاب

بنویس



## فصل در محبت افکندن میان ازواج ۱۲۵

فایض  
المجرد  
۹۴۵

بنویس بر اعداد اسامی این اعداد را اضافه کن ۹۳۵ در  
روغن یا سمین در اندازد تا سه روز بگذرد بعد قدری روغن  
بر روی خود بمالد بمطلوب بماند نوع دیگر اگر میخواهی که یکی  
را سبب و بقرار خود گردانی میباشد که بر اعداد اسامی این اعداد را  
اضافه کن ۱۵۵۹ بعد آن بنویس بر ورق آهوی در روغن نارام  
اندازد و بر روی خود بمالد بمطلوب خود برسد بقرار کردی در  
یک لحظه بی آنکه تو نتواند بود نوع دیگر اگر خواهی که کسی را فریضه  
خود سازد چنانکه بی تو نتواند بود میباشد که بر اعداد اسامی این  
اعداد را اضافه کن ۹۵۶ بر حریر سفید بنویس بعد آن بگیر  
موم ناکار فرسوده و مقل ارزق هر دو را برابر یکوب و در میان  
نوشته در سجید بعد آن بر بازوی بشرط مذکور به بند مقصود  
حاصل شود عجیب است تدریس

اسناد معتبره مهر نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله چنانچه این مهر  
نبوت از پیغمبر ص ۳ فائده بر صحابه کبار رضوان الله علیهم اجمعین  
این مهر را بر نقره خالص و یا بر بلور و یا بر صدف و یا بر زعفران  
و یا بر پولاد خالص و یا بر هفت چوش نقش کند نگاهدار از همه  
بلاها ایمن کرد و دشمنان او مقهور شوند و اگر این مهر

## ۱۲۶ در بیان محبت افکندن بین ازواج

در کور مرده نهد هرگز عذاب کور نباشد و اگر در کوه نهد کوه  
از جای مجبند و اگر براب بخواند اب نشسته شود و اگر در بخوری  
بندد شفاء یابد اگر دیوانه بیند عاقل شود و اگر بر کودک بندد  
از اب دانسی و دیو و پری ایمن باشد برکت این مهر اگر کسی  
این مهر را با خود دارد و پیش سلطان روز عزیز دارد و مرارش  
حاصل گردد اگر کسی این مهر را در شنبه بموی بندد مادام سینه  
و کار سینه گردد و اگر کسی روز چهارشنبه جامه پاک پوشد و این  
مهر بنویسد و با خود دارد هر که او را بیند محبت او زیاده شود حضرت  
امیرالمؤمنین ع فرموده این مهر شخصی که با وی بود و گفت هر که این  
مهر بنویسد و در کلاب اندازد و در چهار گوشه خانه خود  
بفشاند در روز جمعه بنام هر که خواهد در ساعت نیاید و مهر  
و محبت از دل او نرود تا وقت مرگ و هر که این مهر را با خود دارد  
کم روزی و کم حرمت بشود باید که این را پاک بدارد تا فراخ روزی  
گردد و در نظر خلایق عزیز باشد اگر کسی را نشسته باشد این  
مهر بنویسد و در کلاب اندازد و انقلاب را در سر چهار  
راه بفشاند در یک روز کشاره شود اگر کسی این مهر را بنویسد



و موم عروسی که در سه روز بای باران نهد و بعد از آن  
 بزبانت پرزگی رود حاجت طلبین مراد حاصل گردد اگر کسی  
 خواهد که نفس او کبراشود یعنی با کسی سخن گوید او قبول کند  
 این مهر را بنویسد و در کوزه آب اندازد بدان رو بخورد بشوید  
 هر که او را بیند ملالت نشود و دوست دارد و دیگر در نظر خلق  
 عزیز شود اگر کسی را خواهد که مطیع و فرماندا شود و این مهر را  
 در بالین خود نهد با اخلاص با رضایت باشد که یوسف و  
 سایمان و القیس اسناد این مهر بنوت اینست که کردن او  
 شکست هر که در اسناد این مهر بنوت شك آرد کافر گردد اگر  
 کسی را خواهد که از دور بیاید این مهر را لازم نهد که در شب  
 چهارشنبه میان نماز شام و خفتن بنویسد و بسوزاند شخصی  
 بیقرار گردد و بروی حاضر شود اگر صد فرسنگ نایبند اگر خواهی  
 که میان دو کس عداوت افکنی بر موم تعویذ بنویسد و در استان  
 آنکس بنظران کند عداوت افتد اگر کسی را بخت بسته بود لازم که  
 بمشک در غفران با هم امروز و بسوزاند بختش گشاده شود اگر  
 کسی این مهر را بنویسد و در بازو خود بندد و بر او خطا نشود

خواص مهر بنوت ۱۲۱

اگر کسی را حاجتی باشد و خواهد که روا شود روزه دارد  
 و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره الحمد یکبار و انا انزلنا  
 یکبار و چون سر از سجده مار گیرد روی بسوی مهر کند و بگوید  
 ای خدا یا الهی بحق و حرمت مهر و نام بزرگ چنانچه همه پیغمبران  
 آن خود را بمراد رسانیده اند اینجامنده را هم حاجت روا دارد  
 و مراد روا گردد و اگر کسی این را بشک در عفران بر پوست شش  
 بنویسد و با خود دارد و هرگز جادوی بروی کار نکند و از  
 دشمن این باشد شرح بسیار است برای نشنیدن این ضمیرها  
 باید با هم میان این بکشد اما مختصر کردم نقش معظم و مکرم را

۷۵ ۲۱ ۲۵ ۷ ۹ ۲ ۱۹ ۱۱ ط ۱۱ کم ۱۱ ط ۱۱ ۱۳ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۲ ۲ ۴ ۱

۷ ۵ ۴ ۶ ۲ ۲ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ط ۱۱ ام ۱ ط ۱۱ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

۷ ۵ ۲ ۲ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

۱ ۱۱

۱ ۱۱

۱ ۱۱



در بیان دانستن تعویذهای ۱۲۹

۶ ۹ ۳ ۳ و و ۱۱ و ۱۱ ۲ ۲ م م ۱۱ ۱۱ م م

۴ ۳ ۲ ۱ ۳ ۹ ۱۱ ۳ ۱۱ ۳ ۱۱ ۱۱ م ط ط ۱۱ م م

۴ م م ۱۱ م ۹ ۹ ۹ ۹ م م م ۱۱ م

۴ م م ۱۱ م ۱۱ ل ط ۱۱ ۱۱ ۳ م م م م

نوع دیگر در میان دانستن تعویذهای و دشمنی و عداوت هر که بشوید هفتاد ف از اب بر کف منظر یعنی اندازد این بشوید و در میان ایشان اندازد و یاد در خانه ایشان اندازد در ساعت چندی افتد بسیار خاها از مورد است بر سر تعویذ دشمنی باید پوست ابیضه یا صاحب العداوت و البغضای و الحق و الباطل لونها کتب هذا التعویذ ببعض فلان بن فلان بغض عداوت لایحه ابد اهل البغض بن فلان الی یوم الام

ف ف ف ف ف ف ف ف ف
ف ف ف ف ف ف ف ف ف
ف ف ف ف ف ف ف ف ف
ف ف ف ف ف ف ف ف ف
ف ف ف ف ف ف ف ف ف
ف ف ف ف ف ف ف ف ف
ف ف ف ف ف ف ف ف ف
ف ف ف ف ف ف ف ف ف

القيمة صورت دارد اینست





بعد شروع کند طلوع ماه بعد از هفته هفتاد و دو مرتبه بخواند  
 و در روز دوی پای را نوشته در زهر بار نکا هدا در وقت نوشتن  
 خوشبوی بسوزد و چهار قل بخواند برای نوت یعنی روری  
 روز مره بیا بد امر درست دهد که هیچ علاقه نداشته باشد آیت

نضل طریقه چند در مربع و وضع آن  
 نموده میشود مربعی که يك خانه او بنهند  
 و اضلاع و انظارش درست باشد هم  
 بطریقه مظهر و هم بطریقه مضر و طریقه

۳۸

۱۸		۶
۱۲	۲۴	۳۶
۴۲		۳۰

انت که در آن صفحه دست نموده میشود و بر سیموال اینست که  
 نموده شد

ح	۱۲	۴۹	۵۹
۲۰	س	۷	۱۳
۶۱	۵۱	ی	۶
۱۱	۵	۶۲	ن

۱۲۰۶	۱۲۰۲	۱۲۰۲	۱۲۰۶
۱۲۰۳۱	۱۲۰۵۹	۱۲۰۶۴	۱۲۰۱۹
۱۲۰۵۸	۱۳۰۲۱	۱۲۰۲۲	۱۲۰۶۲
۱۲۰۲۱	۱۲۰۶۲	۱۲۰۵۲	۱۳۰۲۹

## ۱۳۲ درو فوق اعداد

ع	ل	ی	
۲	۳	۳۱	۶۹
۳۲	۶۸	۸	۲
۱	۹	۷۱	۲۹

۹	۵۱	۷	۶۱
ح	س	ی	ن
۵۹	۵	۵۳	۱۱
۵۲	۱۲	۵۸	۶

۵۷	۷	۲۱	۱۴
۲۵	۱۲	۵۸	۶
۱۱	۲۹	۹	۵۹
ح	س	ی	ن

	۱۳	۱۰	۷
۱۱	۶	۱	۱۲
۵	۸	۱۵	۲
۱۴	۳	۴	۹

۷۹	۱۸۹۸	۱۲	۹
۱۳	ح	ف	۱۹۷
۷	ی	ظ	۸۱
۱۹۹	۸۲	۶	۱۱

۴۸۶	۴۸	۵۹۳	۱۰۶
۵۹۴	۱۰۵	۴۸۷	۴۷
۱۰۷	انفخنا	لك	۴۸۸
۴۹	فنا	ببنا	۵۹۲

فائده این شکل جهت عزت و حرمت بنکار در بساعت مختار و فوائد

بیار



۱۳۳

در بیان وفق اعداد

بسیار دهد در علوم غریبه او را کثاره شود اینست و عجیب  
 در خود مشاهده کند و ایضا و اگر کسی عدد مربع رمل را  
 روز چهارشنبه وقت طلوع آفتاب که غطارد قوی حال بوده باشد  
 نوشته بیش خود نگاه دارد از عالم ظاهری و با طوف بهره ملک  
 حاصل کرد

۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰

۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰

وفق اعداد ده جمله پونی است هر که در این جمله با بطریقه او را در  
 مشغول شود دولت دنیوی و اخروی او را حاصل کرد و بسیار  
 غریب است وفق اعداد چهل اسم هر که خواهد مجمل اسم مداد  
 کند باید که این مربع را با خود نگاه دارد تا او را تسخیر ارواح  
 حاصل کرد و همه مقصود برسد و اعداد این مربع سیصد  
 سیزده است چون آفتاب یا مرغ در شرف باشد نیکار و بجمت  
 غالب کشتن با اعداد و عاملی این مربع را از دادن خلق بیدار شود

۱۳۴ در بیان خواص الباسط

مربع اینست

ع	ف	قل	عج
فب	عد	عف	عط
ع	ف	فا	عد
فبج	عب	عا	فر

فضل در خواص الباسط الجواد  
در شرف افتاب این شکل را  
بنگارند هر که با خود نگاه دارد  
در رزق و روزی کثاده گردد  
و اگر غمی دارد بفرج مبدل گردد  
و حامل این مربع را با مبطوط و

دفرضاك باشد اینست

ال	س	ال	جواد
۳۵	۱۳	۶۸	۳۲
۷۱	۲۹	۲۶	۱۲
۱۱	۳۷	۳۰	۷۰

۱۰۴۲۲۱	۱۰۴۲۳۴	۱۰۴۲۳۶	۱۰۴۲۳۴
۱۰۴۲۲۴	۱۰۴۲۲۵	۱۰۴۲۳۰	۱۰۴۲۳۵
۱۰۴۲۲۴	۱۰۴۲۲۹	۱۰۴۲۳۲	۱۰۴۲۲۹
۱۰۴۲۲۲	۱۰۴۲۲۱	۱۰۴۲۲۷	۱۰۴۲۲۷

علی

ط	س	ا	ب
ب	ا	س	ط
س	ط	ب	ا
ا	ب	ط	س

س

۱۱۱

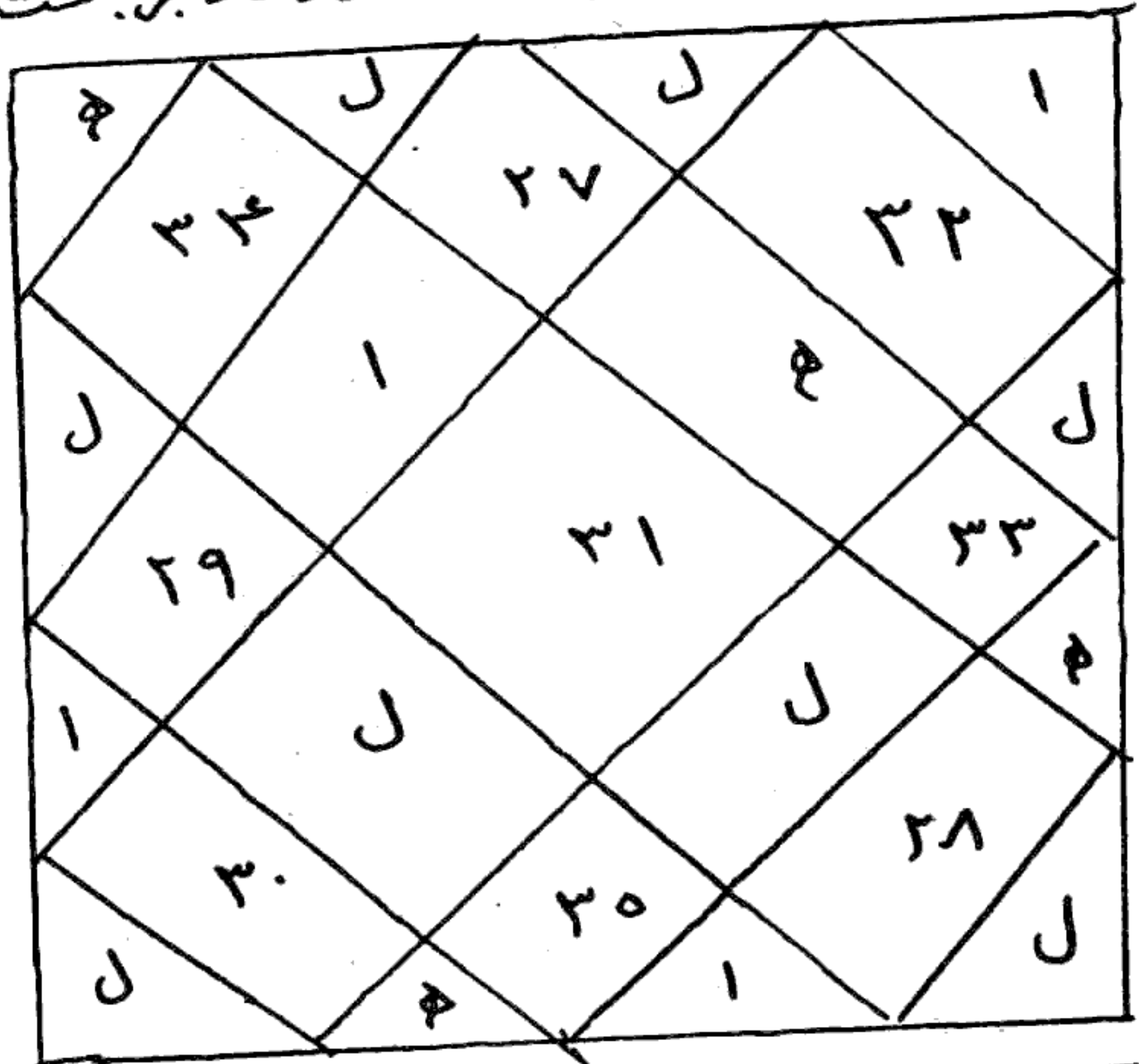
ایضا هر که این مربع را بنگارد در  
شرف افتاب و قمر در شرف باشد  
حامل این چون ملازم با اسم باشد  
او را سحر ارواح و علویه و سفلیه  
حاصل شود هیت در دل خلایق  
از و پدید آید و اگر بر ظالمی دعا



## در بیان شرف زهره

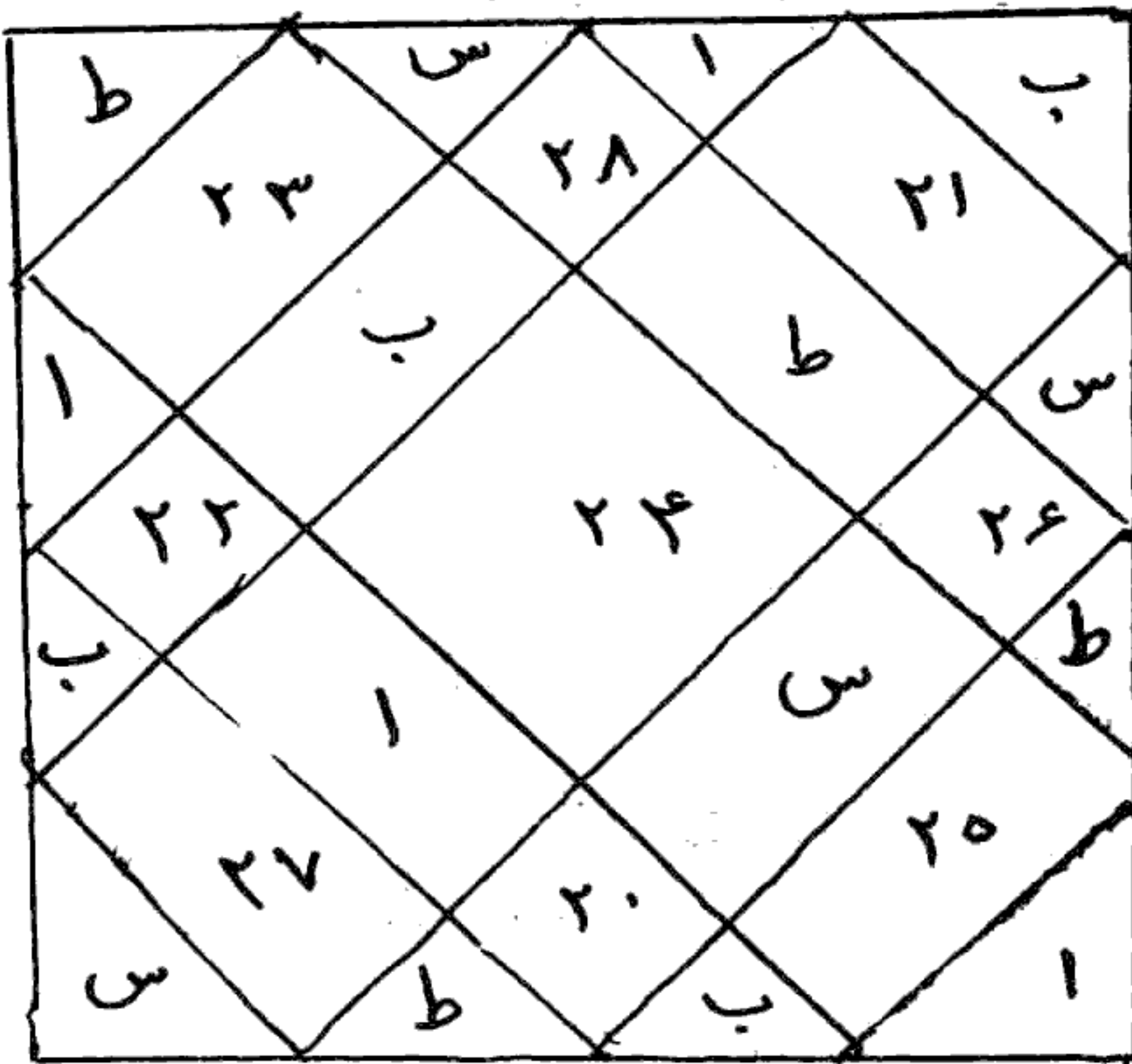
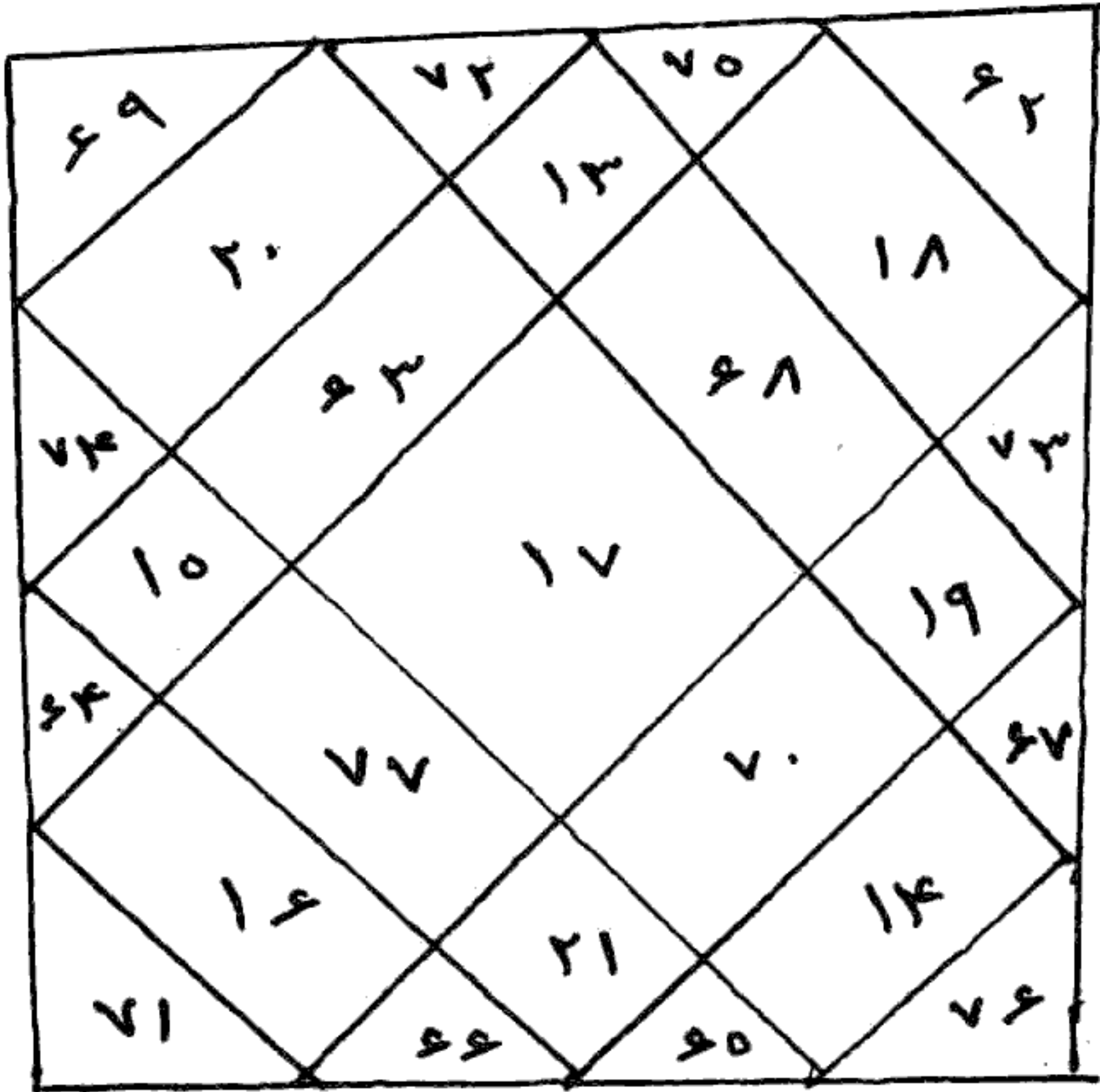
۱۳۵

دعا کند بقرآنظام مقهور و هلاک شود و از مجربانست



ایضا این مربع را در شرف زهره بنکارد هر که این شکل را  
 با خود دارد محبوب خلایق گردد و بسیار خواص در این مربع  
 مندرج است و این ملفوظی اسم الودود است محبوبی دارد  
 بر و بگر کند این مربع با خود نگاه دار و این اسم را ملازم شود  
 مقصودش بر آید عدد ملفوظی الودود و باین وجه است  
 الف لازم و ادرال عدد دو صد و هفتاد و هشت است مثالاً

در بیان شرف زهره ۱۳۶





# در بیان مربع آیه الکرسی ۱۲۷

خواص این مربع آنست که کسی ضعف مزاج داشته باشد

د	م	ح	ا
۱۲	۵	۱۹	۱۷
۱۰	۶	۲۳	۱۴
۲۷	۲	۳	۲۱

چون این مربع را بخورد دارد قوی گردد

ایضا دفع دشمن و سحر هر که این

شکل را در شرف شمس و روز

مسعود بنکارد و آیات و اسماء را

بدین طریق بنویسد هر کسی که بخورد نگاهدارد از سحر ساحران و کید کابیان و مکر مکاران و از شر ظالمان و جباران محفوظ بماند و اگر خوفی داشته باشد این کرد و بسیار در کارها کثاره کرد و جمیع و دولت ابدی باید انشاء الله تعالی و اینست

در میان این مظهر و حضرت آیه الکرسی مندرج است

الشرکات و ما	ولا تؤمواکم بما فی		لا تأخذوا منته		الحق القیوم		الله الا الا هو	
	۳۷۸	۱۵۶	۶۵۸	۱۵۸	۹۲۳	۱۰۹۵	۱۵۴۴	۱۰۴۴
من الذی	۲۲۵		۱۷۷		۲۹۸		۲۲۴	
	۷۱۴	۱۶۱۸	۹۲۵	۱۹۴	۵۸۷	۱۵۷۱	۱۷۱	۲۲۴
یشفق عند	۱۶۸		۲۲۶		۲۲۴۵		۲۹۸	
	۱۲۶	۱۶۱۸	۶۲۵	۱۹۴	۶۷۷	۱۵۷۱	۲۲۲	۲۹۸
الابازنه سلیم	۲۲۴		۲۹۶		۲۲۴۵		۲۹۸	
	۷۶۰	۱۵۷۱	۱۷۱	۱۹۴	۱۵۲۶	۱۰۵۱	۹۲۶	۲۹۸
عنه	۲۲۴		۲۹۶		۲۲۴۵		۲۹۸	
	۷۶۰	۱۵۷۱	۱۷۱	۱۹۴	۱۵۲۶	۱۰۵۱	۹۲۶	۲۹۸
الابازنه سلیم	۲۲۴		۲۹۶		۲۲۴۵		۲۹۸	
	۷۶۰	۱۵۷۱	۱۷۱	۱۹۴	۱۵۲۶	۱۰۵۱	۹۲۶	۲۹۸
عنه	۲۲۴		۲۹۶		۲۲۴۵		۲۹۸	
	۷۶۰	۱۵۷۱	۱۷۱	۱۹۴	۱۵۲۶	۱۰۵۱	۹۲۶	۲۹۸

# در بیان صرع

۱۳۸

۷	۸	۱۱	۱۴	۱۶	۱
۱	۷۵	۱۵	۱۵	۱۵	۵۵
۵	۷۵	۸۲	۸۲	۸۲	۸۲
۳	۱۴	۲	۷	۱۲	۵۵
۷۲	۵۵	۱۴	۷۵	۵۵	۵۵
۲۶	۳	۱۶	۹	۶	۶۲
۲	۱۵	۷۱	۵۵	۵۵	۵۵
۲	۱۰	۵	۲	۱۵	۶۹
۲	۲	۵	۱۹	۲۶	۲۶
۲	۲	۵	۲	۲	۲

فائده برای دفع سریع بیارد مرغ سیاه که خال و خط نداشته باشد  
 ماده ووز برابر است شب بکشیند زیر چار پای مریض بدارد و مریض  
 بخواباند و آنچه در خواب ببیند صبحی بدهد و آن مرغ را ذبح کرده از  
 خون آن این تعویذ نوشته در گلو او بندد و آن اینست

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش  
 ۳۰۰ ۲۰۰ ۱۰۰ ۹۰ ۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ت ث خ ذ ض ظ غ  
 ۴۰۰ ۳۰۰ ۲۰۰ ۱۰۰ ۹۰ ۸۰ ۷۰ ۶۰ ۵۰ ۴۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

فائده نوع دیگر برای دفع صرع این نقش بر پوست آهو بنویسد  
 در گلو صاحب صرع بندد این است در مقابل صفحه نوشته شده





# در بیان صرع

۱۳۹

نوع دیگر برای دفع صرع  
 باید که در شب بکشد دو  
 تختی بسازد یکی از نقره  
 و دیگری از مس بر تختی  
 از مس این مثلت را  
 بکند و در کلو اندازد و

۱۲۱	۱۴۰	۱۰۷	۱۳۰	۱۲۳
۱۲۲	۱۲۰	۱۱۳	۱۱۱	۱۲۹
۱۲۸	۱۲۶	۱۱۹	۱۱۲	۱۱۰
۱۰۹	۱۲۷	۱۲۵	۱۱۸	۱۱۶
۱۱۵	۱۰۸	۱۳۱	۱۲۳	۱۱۷

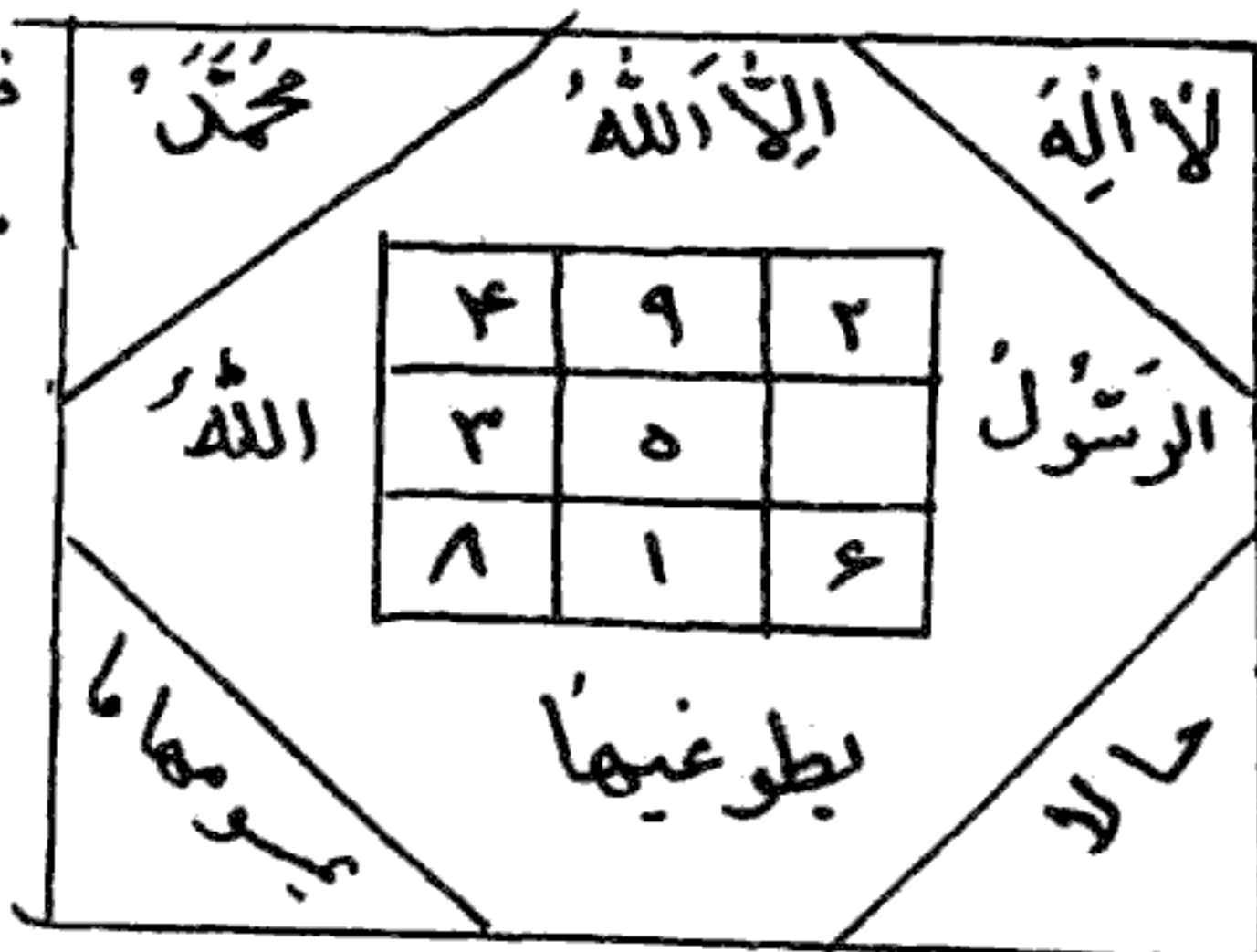
تختی نقره را در راه خدا بدهد لکن تختی سازد و کند کننده

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

هر دو مسلمان باشند این است  
 فائده نوع دیگر دفع صرع این نقش  
 را نوشته در کلو مریض بندد و بکرم  
 الله تعالی دفع شود مجربیت این

عمل همه مجرب اند لکن صاحب عمل باید که مبرست بعمل او نقش  
 مذکور این است از سیاهی بکشد و بنویسد والله العالم

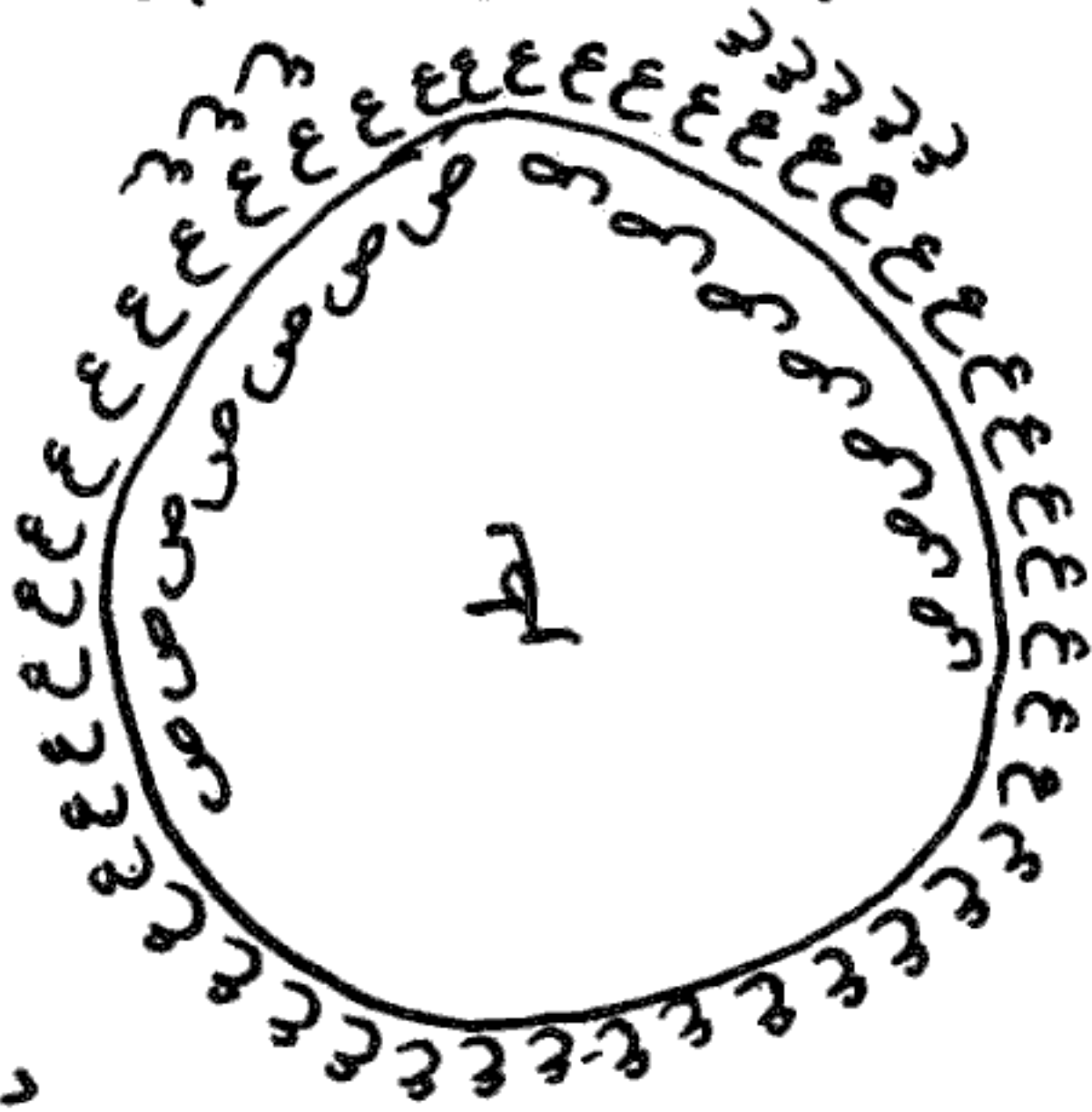
فائده در بیان محبت  
 باوی را بنویسد چهل  
 و پنج عین بیرون دایره  
 و چهارده صادر درون  
 دایره و بر درخت بیاورد  
 چنانکه گذرد دیگر نباشد



# ۱۴۰ در بیان محبت

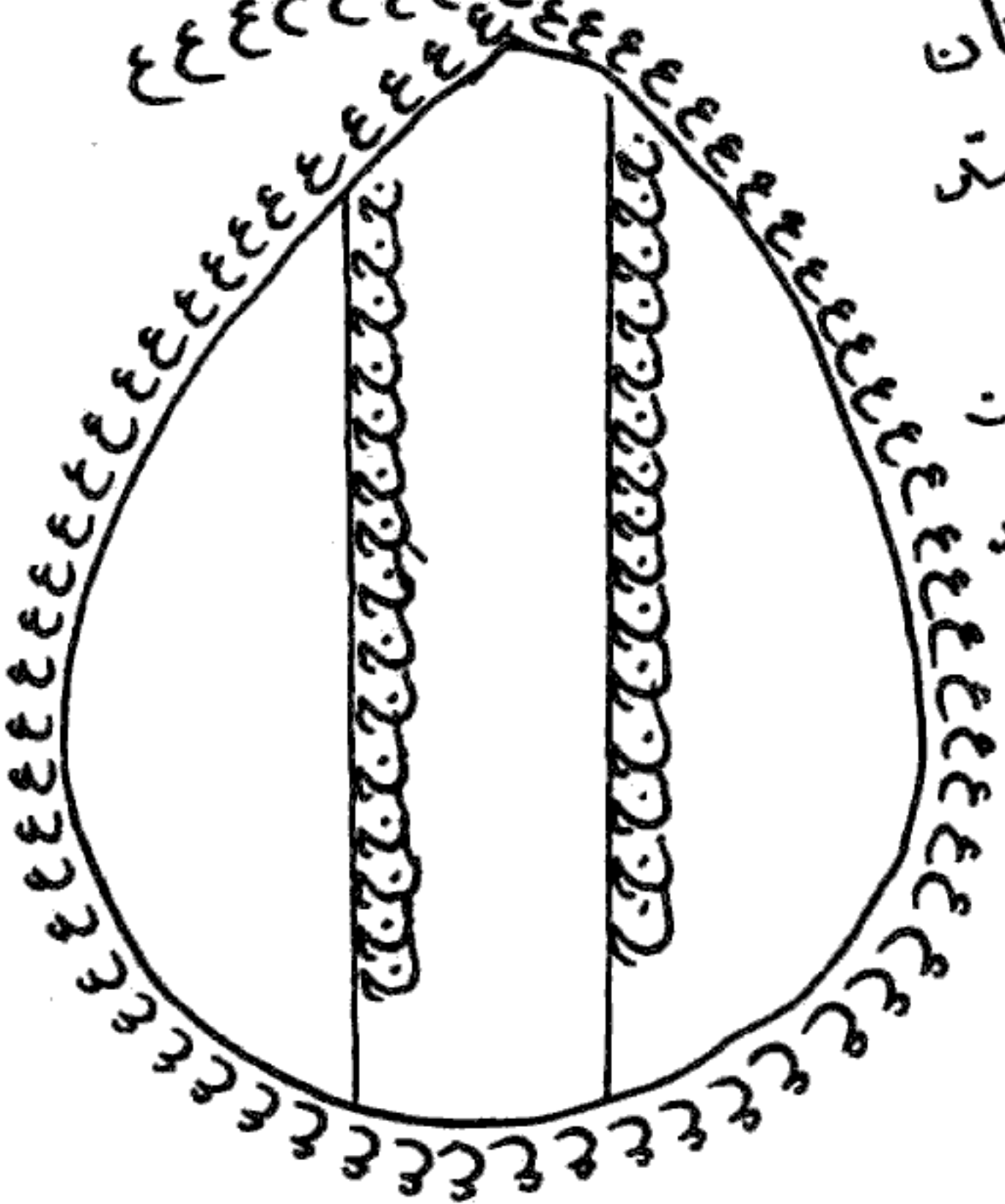
و بخورد دهد به عود و شکر اما مجزوارده او یزد محبت سخت تر شود  
به طرفه العین مجرب است فلان بن فلان اول نام مطلوب المحب  
فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان اینست

فاندة نوع دیگر المحب آتشی  
بزیبد دایره و بیرون دایره  
هفتاد عین بزیبد و ضباط  
در دایره کشد و میان آن  
شیرج بزیبد بعد در طعام  
باید شیر دهد بجز خوردن  
دیوانه و عاشق فو کرد چنانچه



یک لحظه قرار نگیرد افتان  
و خیران زیرا با سونه التمد  
المحب فلان بن فلان

فاندة المحب در ساعت  
مشرقی بر مشانه کوسند  
نوشته در آتش انداز  
قدرت الهی را  
مشاهده کند و اله اعلم





# دربیان امتحان حروف ۱۴۱

ط	ک	۱۱۱	ک	۱۱۱	ط	۱۱۱		
ط	ه	۱۱۱	ح	۱۱۱	ک	۱۱۱		
ط	ع	۱۱۱	ط	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۱		
مر			د			ار		
باسم فلان بن و یا بنت فلان علی حب فلان یا بنت فلان								
العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل								

فائده  
امتحان

فائده اگر کسی امتحان بکند این تعویذ را به سفال آب  
نرسیده این نقش را بنویسد و به سر مریض هفت گره  
بگرداند و در آتش اندازد چون سفال لعل در آتش شود انزوا  
بکشد و به بینه چون حروف سرخ بماند نظر جو کند آن باشد  
و اگر حروف سفید بماند نظر گفتار شود و اگر حروف غایب  
شوند نظر دیرپری باشد و اگر حروف سیاه بماند علت  
وجود نیت نیت

مصالحهم طلعول

لا اطرا ح ۳ سور عم هر ۱۱۲ هر ص

در بیان جمل واسقاط ۱۴۲

ایضا مانند جمل در شکم زن حامله و فرزند شود و این را  
کلمات در کمر بند و جمل فرار ماند و الله اعلم فائده  
ماندن  
فرزند

علی علی علی لهم لهم سر بر دلنا

نوع دیگر اگر عنی باشد این طورینی را بنویسد و عورت را  
خوردن دهد و با شوهر جماع کند عورت را حمل قایم بماند  
و فرزند را بدهد بفرمان الله تعالی محراب و از موره است

نوع دیگر برای فرزند و مانند جمل فائده  
ماندن  
فرزند  
این نقش را نوشته بر شکم بندد جمل  
بر فرار ماند بجرمت محمد رسول الله  
و حمل عورت قایم شود بحکم الله تعالی و  
ولی شوهر فرزند شود ولیکن عمل شرط است اینست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

جمع س	جمع س	جمع س	جمع س	جمع س
س	س	س	س	س
جمع س	جمع س	س	س	س
جمع س	جمع س	س	س	س

اسم فوس فوس فوس حس حاشك يعقود يادرا  
يئل مار سائل ما بكميل بحق يا بدوح حمل قایم شود بحق  
عليها مليفانت نعام نانی قلوبهم فعل الله و فعل محمد رسول

الم



در بیان حل بعد از پاک شدن ۱۴۳

الله و عمل مهر سلیمان بن داود علیهما السلام حل قائم شود  
و قائم باید سلیمان بن داود علیه السلام فلان بنت فلان در  
هفت اندام یا من نکشایم شما هم نکشاید یا جبرئیل  
نوع دیگر برای فرزند بزن حامله را خوردن دهد پسران  
زاید مجرب است

والله محب حسب هارون وبالحق

نوع دیگر این را بعد از پاک شدن از حیض سه روز نوشته  
مجوزاند فرزند بزن تولد شود این نقش بر عصای موسی علیه السلام

کرده بود روز اول مع مع مع روز دوم مع مع مع  
روز سیم مع مع مع

نوع دیگر برای حل خام که می افتد این تقویذ را نوشته در

ح	ف	ی	ظ
۱۱	۸۹۹	۹	۷۹
۸۹۸	۸	۸۲	۱۰
۸۱	۱۱	۸۹۷	۹

کریند و بفضل الله تعالی  
در ایام معهود فرزند تولد شود  
نقش اینست

نوع دیگر برای کشادن حیض  
نوشته در کمر بند بدون الله

تعالی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و در صفحه بید نوشته شده

## ۱۴۴ در بیان بعضی ادعیه متفرقه

فائده برای از مرض در  
 پنج وقت نماز بنویسد و  
 بشوید و مجزوم سه روز  
 تا هفت روز بشک و زعفران  
 بنویسد ان شاء الله صحت  
 یابد مجرب است ان شاء الله

هطه	حما	یا اچک	یا اچک
بچک	یا اچک	حما	هطه
هطه	هطه	یا اچک	یا اچک
ه ب	یا اچک	هطه	حما

فائده نوع دیگر این  
 نقش مربع اعداد جمع  
 قرآن مجید و دعای شمع  
 و دعای فرشته و کنج العرش  
 العرش و کیمیای سعادت  
 و یک اسم پاک باری تعالی

وَنَزَّلَ	مِنَ الْعَرَانَ	مَاهُوَ	وَرَحْمَةً
۴۳۵	۶۵۲	۱۴۴	۴۷۱
۶۵۲	۴۳۲	۴۷۴	۱۴۵
۴۷۳	۱۴۶	۶۵۱	۴۳۳

و غیره جمع کرده عدد

$$\frac{۳۶۴۰۵۴۶}{۳۶۴۰۵۴۶}$$

درین نقش ثبت  
 نموده اینست  
 نقش معظم و مکرم

۹۱۱۳۸۶	۹۱۱۳۸۹	۹۱۱۳۹۲	۹۱۱۳۷۹
۹۱۱۳۹۱	۹۱۱۳۸۰	۹۱۱۳۸۵	۹۱۱۳۹۰
۹۱۱۳۸۱	۹۱۱۳۹۴	۹۱۱۳۸۷	۹۱۱۳۸۴
۹۱۱۳۸۸	۹۱۱۳۸۳	۹۱۱۳۸۲	۹۱۱۳۹۳



در بیان علم تکبیر ۱۴۵

باب پنجم بافتاح در علم تکبیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي عِلْمِ التَّكْبِيرِ بَعْضُ دَرَفَوَاعِدِ بِرَكْرَدَنِ  
 الرَّاحِ ابْنِ بَابِ بَرْنَهْ فَضْلُ اسْتِ فَضْلُ اَوَّلِ دَرَفَاعِدِهْ بِرَكْرَدَنِ  
 مِثْلُ فَضْلِ دَوِّمِ دَرِ طَرَفِ بَعْضِ بَرَكْرَدَنِ مَرَبِعِ اَنْزَاعِ طَرِيقِ  
 وَخَوَاصِ مَرْخَانَهْ وَبِرَكْرَدَنِ اَزْ اَنْهَآ فَضْلُ سَبْعِ دَرِ ضَابِطِهْ بِرَكْرَدَنِ  
 مَخْمَسِ فَضْلِ چَهَارَمِ دَرَفَاعِدِهْ بِرَكْرَدَنِ مَدَسِ فَضْلِ بَنْجَمِ دَرِ  
 ضَابِطِهْ بِرَكْرَدَنِ سَبْعِ فَضْلِ شَشْتَمِ دَرِ طَرِيقِهْ بِرَكْرَدَنِ مِثْمِ  
 فَضْلِ هَفْتَمِ دَرَفَاعِدِهْ بِرَعْمُورَنِ مَنَعِ فَضْلِ هَشْتَمِ دَرِ بَيَانِ سَا  
 عْتَهَا وَرَا نَسْتَنِ سَعْدِ وَنَخْسِ اِنْهَآ فَضْلُ نَهْمِ دَرِ رُزْنَتَنِ سَا  
 عْتَهَا كَرَفْتِ وَكَيْتِ اِنْهَآ وَوَقْتِ اِنْهَآ فَضْلُ اَوَّلِ دَرَفَاعِدِهْ بِرِ  
 كْرَدَنِ مِثْلُ اَكْرَ خَوَاصِ كِهْ اَعْدَادِ اسْمِي وَادْعَانِي رَا دَرِ لَوْحِ سَهْ  
 دَرِ سَهْ بِرِ نَمَائِدِ بَايِدِ كِهْ اَوَّلِ اَعْدَادِ حُرُوفِ اَنْزَا اَجْبَابِ اَبْجَدِ كِهْ  
 اَبْنِ اسْتِ اَب ح د ه و ز ح ط ي ك ل م ن س  
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

جمع کند آنچه جمع شوند دوازده از آن طرح دهد و آنچه باقی  
 ماند سیوم حصه از آن گرفته از خانه دوم یا چهارم یا ششم

## در بیان علم تکبیر ۱۴۶

یا هشتم که این بر چهار خانه شروع است شروع نماید کند و در هر خانه یک عدد تغییر کند و اگر کسر افتد در خانهای کسر دو عدد تغییر کند مثلاً اگر یک عدد کسر افتد در خانه هفتم یک عدد بر عدد معهود افزوده نماید و اگر دو عدد کسر افتد در خانه چهارم که به اغنا را ثابت یک عدد بر عدد معهود تغییر کند طریق دیگر و کردن مثلث از جمله اعداد نسبت و چهار عدد طرح دهد و آنچه باقی ماند سیوم حصه را است گرفته از خانهای مذکور پر کند و این در هر خانه دو عدد را افزایش دهد و اگر کسر افتد بدستور ضابطه که مسطور صد در خانهای مذکور یک عدد بر عدد معهود افزوده نماید مثال طریق اول اینست

اول جمله	طرح	باقی	حصه سوم	کسر	جمله	طرح	باقی	حصه سوم
۲۰	۱۲	۸	۲	۲	۲۰	۲۴	۶	۶
۱۰	۲	۸	۲	۲	۱۲	۱۴	۴	۴
۴	۷	۹	۲	۲	۲	۱۰	۱۸	۱۸
۶	۱۱	۳	۲	۲	۱۶	۶	۸	۸

مثال طریق دوم اینست

اما باید که چون خانه اول پر کند این اسم یکبار بخواند  
 اَجْبُ يَا اَطْطَهَيَالِ در خانه دوم این اسم دو بار بخواند



در بیان دعوت علم تکبیر ۱۴۷

بِالطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ سِتُّومِ اَيْنِ اسْمِ رَاسِهِ بَارِ مَجْرَانِ اجْبِ يَا  
 حَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ چَهَارُمِ اَيْنِ اسْمِ رَاجِهَارِ بَارِ مَجْرَانِ اجْبِ  
 يَا رَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ بَجْمِ اَيْنِ اسْمِ رَا بَجِ بَارِ مَجْرَانِ اجْبِ  
 يَا هَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ شَشْمِ اَيْنِ اسْمِ رَاشَشِ بَارِ مَجْرَانِ اجْبِ  
 يَا وَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ هَفْتَمِ اَيْنِ اسْمِ رَاهَفْتِ بَارِ مَجْرَانِ اجْبِ  
 يَا زَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ هَشْتَمِ اَيْنِ اسْمِ رَاهَشْتِ بَارِ مَجْرَانِ اجْبِ  
 يَا حَطَّطْهِئَالِ وَدَرْخَانَهُ نَهْمِ اَيْنِ اسْمِ رَانَهْمِ بَارِ مَجْرَانِ اجْبِ  
 يَا طَطَّطْهِئَالِ لِحَقِّ الْحَقِّ خَالِقِ الْحَقِّ اَنْتَ تَعْلَمُ كَذَا وَكَذَا  
 فِي الْهَدْيَةِ السَّاعَةِ اَيْنِ رَا كَفْتَهُ حَانَهُ نَهْمِ پُر كَنْدِ پُرِي پُر كَارِي كِه  
 مَثَلِ پُر نَمَايِدِ اِنْشَاءً اللهُ تَعَالَى مَقْصُودِ بَرَايِدِ فَضْلِ دَوِيمِ  
 دَرِ ضَوَابِطِ وُقُوعِ پُر كَرْدَنِ مَرَبِعِ دَرِ بِنِ فَضْلِ اسْتِ شَشِ طَرِيقَةِ  
 مَعِينِ كَفْتَهُ اِنْ دَرِ طَرِيقَةِ اَوَّلِ دَرِ اسْمِي وِدَعَايِ كِه خَوَاهِدِ دَرِ لَوْحِ  
 چَهَلِ دَرِ چَهَارِ پُر نَمَايِدِ بَايِدِ كِه اَوَّلِ اَعْدَادِ اِنْ رَاجِعِ كَنْدِ بَعْدِ اَزِ  
 عَدَدِ شَشِ عَدَدِ طَرِحِ رَهْدِ اِنْجِه بَاقِي مَانِدِ چَهَارُمِ حَصْرِ اَزِ اَنْ كَرْفَتَهُ  
 اَزِ اَوَّلِ حَانَهُ شَرُوعِ نَمَايِدِ دَرِ هَرِ حَانَهُ يَكْ عَدَدِ زِيَادِ كَنْدِ وِ كَرِيكِ  
 كِه اَفْتَدِ يَكْ عَدَدِ دَرِ حَانَهُ سَبْزِدِ هَمِ پُر عَدَدِ مَعْمُودِ بِيغْرَايِدِ وِ كَرِ  
 دُو عَدَدِ كِه اَفْتَدِ دَرِ حَانَهُ نَهْمِ وَا كَرِ شَهْ عَدَدِ كِه اَفْتَدِ دَرِ حَانَهُ

# ۱۴۸ در بیان معرفت علم تکسیر

پنجم بکعد بر عدد معمور افزود نماید طریقه دوم در پر کردن  
 مربع از جمله اعداد شصت عدد طرح دهد آنچه باقی ماند چهارم  
 حصه از آن گرفته از لوح خانه شروع کند در هر خانه دو عدد زیاد  
 کند اگر کسر افتد در خانه های مسطور بکعد بر عدد معمور افزود  
 کند بر چهار طرف درست خواهد آید طریقی سیم چون خواهد  
 که در مربع کسر نماید اول از جمله اعداد بیت و یک عدد طرح دهد  
 بعد در خانه اول از بکعد شروع نماید در هر خانه بکعد در زیاد  
 کند چون بخانه سیزدهم رسد آنچه بعد از طرح بیت بکعد در با  
 فی مانده باشد پر کند بکعد در زیاده نماید یا خانه شانزدهم  
 درست آید طریقی چهارم از جمله اعداد چهار صد و نیت عدد  
 طرح دهد و از باقی چهارم حصه گرفته پر نماید در هر خانه چهار  
 عدد زیاده کند اگر کسر افتد در هر یک خانه بدستور سابق  
 بدهد درست آید طریقه پنجم در پر کردن مربع از جمله اعداد  
 نصف عدد بگیرد و از آن نصف است عدد طرح دهد بعد  
 لر او در خانه بکعد شروع کند با هم خانه هشت عدد پر کند بعد  
 از خانه نهم آن نصف عدد که هشت عدد از او طرح داده است  
 پر کند در هر خانه بکعد زیاده نماید یا خانه شانزدهم ذکر کسر افتد

این  
دوم

طریق  
سیم

طریق  
چهارم

طریق  
پنجم

مانهای



# در بیان علم تکبیر

۱۶۹

خانهای کسر که نموده شد یک عدد بر عدد معهود زیاده کند در هر  
 چهار طرف درست خواهد آمد طریقه ششم از جمله چهارم  
 حصه بگیرد از آن حصه چهارم شتی عدد طرح دهد از باقی عدد  
 شروع نماید در هر خانه چهار عدد زیاده کند اگر کسر افتد موافق  
 دستور گذشته که بیان نموده شد در خانه های مذکوره بر چهار  
 عدد معهود یک عدد افزون نماید در هر چهار طرف درست خواهد آمد

طریقه ششم

مثال طرح شتی با کسر

جدد ۲۷  
 طرح باقی حصه کسر  
 ۷ ۱ ۲

۹	۱۲	۱۵	۱
۱۴	۲	۸	۱۳
۳	۱۴	۱۰	۷
۱۱	۶	۴	۱۶

مثال طرح بت و یک عددی کسر

جدد ۷۶  
 طرح باقی  
 ۵۱ ۲۱

۸	۱۱	۵۲	۱
۵۱	۲	۷	۱۳
۳	۵۳	۹	۶
۱۱	۵	۴	۵۳

مثال طرح شصت با کسر

جدد ۱۳۲  
 طرح باقی حصه کسر  
 ۵ ۸۶ ۲۰ ۲

۲۴	۴۱	۴۷	۲۰
۴۵	۲۲	۲۲	۴۳
۲۳	۵۱	۲۷	۳۰
	۲۸	۲۶	۴۹

مثال طرح چهار صد دست با کسر یک عدد

جدد ۴۴۰  
 طرح باقی حصه کسر  
 ۱ ۱ ۰ ۴۲

۹۹	۱۴۱	۱۸۲	۱
۱۷۰	۱۵	۸۵	۱۵۵
۲۹	۲۱۲	۱۱۳	۷۱
۱۲۷			۱۹۸

# در بیان علم تکیه

مثال طرح مناصبه که کسر ندارد مثال طرح شتی از عصر چهارم است

عدد	طرح	باقی	عدد	طرح	باقی
۶۰	۱	۲۲	۴۰۰	۲۰	باقی از چهارم

۷۰	۱۲۲	۱۱۰	۹۸
۱۱۴	۹۴	۷۲	۱۱۸
۹۰		۱۳۰	۷۸
۱۲۶	۸۲	۸۶	۱۰۶

۱	۲۷	۲۴	۸
۲۵	۷	۲	۲۶
	۲۲	۲۹	۳
۲۸	۴	۵	۲۳

آنگون مثالهای هر یک طریقه مذکوره نموده میشود علاوه باید که هر اسمی را که خواهد بدستور یکی الواح بالاسطوراند پر کنند الحال طریق پر کردن شانزده خانه و موکل هر خانه و خواص هر خانه جدا جدا در تمثیل نموده می آید هر شانزده شکل مع خواص و موکل این

است در خانه اول برای صحت و تندرستی اسم یا غفور پر کنند

عدد اسم ۱۲۸۶ موکل خانه اول ا ط ط ه ی ا ل عدد موکل ۵۶

برای آوردن مطلوب در خانه دوم اسم یا ودود پر کنند عدد

اسم ۲۰ موکل خانه دوم ب ط ط ه ی ا ل عدد موکل ۶۶ برای

دولت و حصول مرادات در خانه سیم اسم یا رحیم پر کنند

عدد اسم ۲۵۸ موکل خانه سیم ح ط ط ه ی ا ل عدد ۶۷

برای امن از خوف دشمن و خلاصی دروزه در خانه چهارم اسم

اسم یا نزل



## در بیان قواعد برگردن اعداد ۱۵۱

اسم یا مِذِلْ برگردن عدد ۷۷ موکل خانه چهارم دَ طَطَهَيَالِ  
 عدد ۸۶ برای رفع دشمن و امان از غرق شده در آب  
 در خانه پنجم اسم یا قَوِي برگردن عدد ۱۱۱ موکل خانه پنجم  
یا هَطَطَهَيَالِ عدد ۹۶ برای دفع شدن زحمت و سستی  
 در خانه ششم اسم یا مَبْدِي برگردن عدد ۵۰ موکل خانه  
 ششم و طَطَهَيَالِ عدد ۷۰ برای زیادتى مال و برکت  
 در خانه هفتم اسم یا عَلَامُ الغُيُوبِ برگردن عدد ۱۱۹۰  
 موکل خانه هفتم زَطَطَهَيَالِ عدد ۷۱ برای جدائی در  
 میان دو کس در خانه هشتم یا خَافِضِ برگردن عدد ۱۴۸۱  
 موکل خانه هشتم حَطَطَهَيَالِ عدد ۷۲ برای فتح جنگ  
 و بیماریها در خانه نهم اسم یا عَمُودَ فَلَابِغِ برگردن عدد  
 ۱۶۴۱ موکل خانه نهم طَطَطَهَيَالِ عدد ۷۳ برای ز  
 زیادتى فهم و علم در خانه دهم اسم یا قَرِيبِ یا حَفِیظِ برگردن  
 کند عدد ۹۹۱ موکل خانه دهم بَطَطَهَيَالِ عدد ۷۴  
 برای فتح بایب و ملاقات روحانیان در خانه یازدهم اسم  
یا هَنَانَ برگردن عدد ۱۰۹ موکل خانه یازدهم یا ابَطَطَهَيَالِ  
 عدد ۷۵ برای صلاحیت زنان و برادران و خویشان در

## ۱۵۲ در بیان قواعد تکبیر

خانه دوازدهم يا حَيِّدُ الْفَعَالِ پر کند عدد ۲۷۴ موکل  
 خانه دوازدهم بِطَطَهَيَالِ عدد ۷۶ برای دفع کرمها از  
 کشت کار در خانه سیزدهم يا جَلِيلُ پر کند عدد ۷۳ موکل  
 خانه سیزدهم يا جَطَطَهَيَالِ عدد موکل ۷۷ برای افزونی  
 زراعت و باغ و باران در خانه چهاردهم يا كَرِيمُ پر کند عدد  
 ۲۷۰ موکل خانه چهاردهم دَبَطَطَهَيَالِ عدد ۷۸ برای عشق  
 و محبت و بدست آوردن مطلوب در خانه پانزدهم اسم يا بَدِيعُ  
 عدد ۲۰ موکل خانه پانزدهم هَيْطَطَهَيَالِ عدد ۷۹ برای مشیت  
 پادشاهان در خانه شانزدهم سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ پر  
 کند عدد ۹۲ موکل خانه شانزدهم يا وَبَطَطَهَيَالِ عدد  
 ۸۰ بدانکه اول بهر کاری که شروع کند ساعت بدانند از سعد  
 و نحس بعده عمل نمایند که این عمل را ساعت ضرور است و برای  
 هر مقصود به تفصیل که مذکور شد و طریق رفتار و پر کردن  
 هر یک مربع بیشتر ذکر خواهد شد الحال باید دانست برای  
 هر مطلبی که خواهد مربع پر کند اول اعداد موکل آنخانه و  
 اعداد اسم الله تعالی که موافق حاجت است ان نویسد  
 و اعداد طالب و مطلوب معه مادر هر دو و اعداد مقصود <sup>یکه</sup>



داشته باشد در شمار گیری و اگر مطلب ضبط مطلوب نباشد  
 چنانچه صحت و تدریسی و غیره از مقصد های دیگر پس اعداد  
 همین را در شمار هر کدام جمع ساخته شی عدد طرح داده بطریقی که  
 نموده شد مربع پر کند بعده ملاحظه ساعت سعد و نحس کرده  
 چهار نقش برای هر مطلبی پر کند یکی را بر درخت میوه دار  
 که در بهار خود بار میداره باشد به بند و یک را در آب روان  
 اندازد و یک را در آتش سوزد و یک را در زمین فرو برد بگرم الله  
 تعالی مقصود حاصل شود باید که در وقت هر عمل از محبت و  
 بغض حصار کند و برای حصار اگر چهل و یک اسم یاد داشته  
 باشد بگرنه خوانده برخورد مد والافاتحه بانسمیه بت و بگرنه  
 خوانده برخورد بدمد و از آلت این کرد بگرد خوار دایره کشد تا  
 ایمن از رجعت باشد اگر دعای بیشخ یا چهل و یک اسم هر روز  
 بطریق و وظیفه مداومت کند بهتر است در روز یکشنبه کافور  
 بسوزد و در روز دوشنبه کشیز و زیره بسوزد و در روز سه شنبه  
 سرف و رای بر بسوزد و در روز چهارشنبه عود و عنبر شکر بسوزد  
 و در روز پنجشنبه اسبند و صندل بسوزد و در روز جمعه مشک  
 و در چینی بسوزد و در روز شنبه نمک سیاه بسوزد و بعده برای

# ۱۵۴ در بیان علم تکبیر

کار سعد شیرینی در دهن کند و بمشک و زعفران و کلاب بنوید  
 و برای دشمنی و کدورت و غیره از نیل و پون بنوید و در د  
 دهن نژی یا چیزی شور نگاه دارد و پر کند باید که خانه کج  
 و کور نکند و اگر برای محبت نوید تبارخ ششم هر ماه قلم تراشد  
 و برای بغض بسخ هر ماه قلم تراشد بهتر باشد الحال طریق  
 رفتار هر شانزده نموده می آید و مثال طریق ضبط مطلب

## طریق رفتار

رفتار خانه دوم

۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	
۵	۱۰	۱۵	۴

رفتار خانه اول

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۲	۲	۷	
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

رفتار خانه چهارم

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	
۶	۹	۱۳	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

رفتار خانه سوم

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	
۴	۱۵	۱۰	۵



در بیان علم تکی ۱۵۵

زفتار پنجم

۴	۵	۱۱	۱۴
۱۵	۱۰	۸	۱
۶	۳	۱۳	۱۲
۹		۲	۷

زفتار خانه هفتم

۱۱	۱۴	۴	۵
۸	۱	۱۵	۱۰
۱۳	۱۲	۶	
۲	۷	۹	۱۴

زفتار خانه نهم

۹	۱۴	۲	۷
۶	۳	۱۳	۱۲
۱۵	۱۰	۸	
۴	۵	۱۱	۱۴

زفتار خانه یازدهم

زفتار خانه ششم

۵	۴	۱۴	۱۱
۱۰	۱۵	۱	۸
	۶	۱۳	۱۲
۱۴	۹	۷	۲

زفتار خانه هشتم

۱۴	۱۱	۵	۴
	۸	۱۰	۱۵
۱۲	۱۳	۳	۶
۷	۲	۱۴	۹

زفتار خانه دهم

۱۴	۹	۷	۲
۴	۶	۱۲	۱۳
	۱۵	۱	۸
۵	۴	۱۴	۱۱

زفتار خانه دوازدهم

در بیان علم تکیه

۱۵۶

	۶	۲	۱۶	۹
۱۲		۱۳	۳	۴
	۱	۸	۱۰	۱۵
	۱۴	۱۱	۵	۴

رقنارخانه چهاردهم

	۲	۷	۹	۱۶
	۱۳	۱۲	۴	۳
	۸	۱	۱۵	
	۱۱	۱۴	۴	۵

رقنارخانه سیزدهم

	۳	۶	۱۲	۱۳
۱۶		۹	۷	۲
	۵	۴	۱۴	۱۱
	۱۰	۱۵	۱	۸

رقنارخانه شانزدهم

	۱۰	۵	۴	۱۵
	۳	۱۶	۹	۶
	۱۳	۲	۷	
	۸	۱۱	۱۴	۱

رقنارخانه پانزدهم

	۱۵	۴	۵	۱۰
۶		۹	۱۶	۳
	۱۲	۷	۲	۱۳
	۱	۱۴	۱۱	۸

	۱۲	۱۲	۸	۳
	۲	۷	۹	۱۶
	۱۱	۱۴	۴	
	۸	۱	۱۵	۱۰

مثال طریق ضبط مطلوب این است هبط طهیه ال بحق ییدوخ  
محبت و عشق فلان بن فلان فی قلب فلان بن فلان ثابت گردان

اعداد



## در بیان تکسیر اعداد ۱۵۷

اعداد این جمله عبارت گرفته پر نماید و موافق تخریر صدر بعمل  
 ارد و علی هذا القیاس هر مطلبیکه داشته باشد اعداد و آن  
 عدد اسم باری تعالی و عدد اسم موکل آن خانه بر آورده پر کند  
 انشاء الله تعالی مقصود بر این فضل سیوم در طریق  
 پر کردن محسن هر اسمی در دعای که خواهد در لوح پنج در پنج  
 پر کنند باید که اول اعداد آن بحساب اجماع کرده از جمله آن  
 اعداد است عدد هر طرح دهد آنچه باقی ماند پنج حصه گرفته  
 از اول خانه با از خانه وسط وسط اول شروع نماید در خانه  
 یک عدد زیاده کند و کربک کسرافتد در خانه بست یکم یک عدد  
 بر عدد معهوده بیفزاید در دو عدد کسرافتد در خانه شانزدهم  
 و کرسه عدد کسرافتد در خانه یازدهم در چهار عدد کسرافتد  
 در خانه ششم یک عدد بر عدد معهوده افزود کند الحال طریق  
 رفتار از هر دو خانه و پر کردن نموده می آید رفتار دوم خانه وسط  
 رفتار اول خانه

۹	۲۰	۱	۱۲	۲۳
۱۵	۲۱	۷	۱۸	۴
۱۶	۲	۱۳	۲۴	۱۰
۲۲	۸	۱۹	۵	۱۱
۳	۱۴	۲۵	۶	۱۷

۲۲۱۵

۱۸	۱۰	۲۷۲	۱۴	۱
۱۲	۴	۱۶	۸	۲۲۷۵
۶	۲۷۳	۱۵	۲	۱۹
۵	۱۷	۹	۲۷۱	۱۳
۲۷۴	۱۱	۳	۲۰	۷

جمله ۵۰    طرح ۶۰    باقی ۵۰    حصه پنجم ۱

و فن اعداد

فصل چهارم در طریقه پر کردن مسدس اگر خواهد که اسمی  
 و دعای در لوج شش در شش پر کند باید که اول اعداد آن  
 اسم و یا دعای جمع کند اعداد یکصد و پنج عدد از آن طرح دهد  
 آنچه باقی ماند ششم حصه از آن گرفته از اول خانه شروع کند  
 اگر یک عدد کسر افتد در خانه شش و یکم و کرد و عدد کسر افتد  
 در خانه بیست و پنجم و کسر عدد کسر آید در خانه نوزدهم و کسر  
 چهار عدد کسر ماند در خانه سیزدهم و کسر پنج عدد کسر آید در  
 خانه هفتم یک عدد بر عدد محمود افزود نماید و کسر خواهد که همه  
 کسرها در یکخانه بدهد و بر چهار طرف درست آید پس در  
 خانه شش و یکم هر قدر عدد کسر ماند همان قدر عدد زیاده  
 کند مثلاً اگر یک عدد آید یک عدد دو اگر دو عدد آید یا پنج عدد بر  
 عدد محمود افزود نماید هر چهار طرف درست آید رفتار شش

				طرح ۱۰	باقی	معم ششم ۱	در شش
۱۸	۱۲	۲۲	۲۳	۳۵	۱		
۳	۲۹	۱۰	۵	۳۰			۲۴
۱۳	۴	۳۱	۲۸	۱۱	۲۴		
۲۱	۳۲	۶	۸	۲۷	۱۷		
۲۰	۹	۲۶	۳۳	۷	۱۶		
۲۶	۲۵	۱۵	۱۴	۲	۱۹		



در بیان وفق اعداد ۱۵۹

فضل پنجم در ضابطه برگردن مسبع چون خواهد که اسمی  
 بارغای را در لوح هفت در هفت پر کند از جمله اعدادان  
 یکصد و شصت و هشت عدد طرح دهد بعد هفتم صده  
 ازان گرفته در خانه اول پر کند و در هر خانه یکصد زیاده نماید  
 و اگر یکصد کسر افتد در خانه چهل و سیوم و اگر عدد کسر این در خانه  
 سی و هشتم و اگر سه عدد کسر ماند در خانه نوزدهم و اگر چهار عدد  
 کسر مانده در خانه پانزدهم و اگر شش عدد کسر ماند در خانه هشتم  
 یکصد بر عدد معهود زیاده نماید و اگر خواهد که هر کسر در یک خانه  
 بدهد پس در خانه چهل و سیوم موافق عدد کسر عدد هزار زیاده  
 نماید بر چهار طرف درست خواهد آمد و طریق رفتار نموده آمد

مثال رفتار اول جمله ۱۷۵ طرح ۱۶۸ باقی ۷ صده هفتم

۹	۱۷	۲۵	۳۳	۴۱	۴۹	۱
۲۶	۳۴	۴۲	۴۳	۲	۱۰	۱۸
۳۶	۴۶	۳	۱۱	۱۹	۲۷	۳۵
۴	۱۲	۲۰	۲۸	۲۹	۳۷	۴۵
۲۱	۲۲	۳۰	۳۸	۴۶	۵	۱۳
۳۱	۳۹	۴۷	۶	۱۴	۱۵	۲۳
	۷	۸	۱۶	۲۴	۳۲	۴

۴۸

## ۱۶۰ در بیان وفق اعداد

مثال رفتار دویم						
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
عصر هفتم	باقی	ط	۱۶۸	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵
۲۸	۱۹	۱۰	۱	۴۸	۲۹	۳۰
۲۹	۲۷	۱۸	۹	۷	۴۷	۳۸
۲۷	۳۵	۲۶	۱۷	۸	۶	۴۶
۴۵	۲۶	۳۴	۲۵	۱۶	۱۴	۵
۴	۴۴	۴۲	۲۳	۲۴	۱۵	۱۳
۱۲	۳	۴۳	۴۱	۲۲	۲۳	۲۱
۲۰	۱۱	۲	۴۹	۴۰	۳۱	۲۲

فصل هشتم در ضابطه پر کردن مثنی چون خواهد که عدد اسمی و یاد های در لوح هشت در هشت پر نماید اعداد را تراجم کرده دو صد و پنجاه دو عدد طرح دهد آنچه باقی ماند هشتم حصه از آن گرفته پر نماید و یک عدد کسر ماند در خانه پنجاه و هفتم و کرد و عدد کسر ماند در خانه چهل و نهم و کسر سه عدد کسر ماند در خانه چهل و یکم و اگر چهار عدد کسر افتد در خانه سی و سیوم و کسر پنج عدد کسر آید در خانه بیست و پنجم و کسر شش عدد کسر آید در خانه هفدهم و کسر هفت عدد کسر آید در خانه نهم یک عدد بر عدد معهود افزود نماید و خواهد که همه کسرها در یکخانه بدهد پس در خانه پنجاه و هفتم موافق عدد کسر اعداد

ایاده



# در بیان قواعد تکبیر

۱۶۱

زیاده کند هر چهار طرف درست خواهد آمد

مثال جمله  $۲۰۲۳۰۱$  باقی  $۰۶$  عصر هشتم  $۷$

طریق رفتار این بدستور مربع است غصه هشتم

۷	۶۸	۶۵	۱۴	۱۵	۶۰	۵۷	۱
۶۹	۱۳	۸	۶۷	۵۸	۲۱	۱۶	۵۹
۱۲	۶۲	۷۰	۹	۲۰	۵۵	۶۲	۱۷
۶۹	۱۰	۱۱	۶۴	۶۱	۱۸	۱۹	۵۶
۲۳	۵۲	۴۹	۳۰	۳۱	۴۴	۴۱	۳۸
۵۰	۲۹	۲۴	۵۱	۴۲	۲۷	۲۲	۴۳
۲۸	۴۷	۵۴	۲۵	۲۶	۲۹	۴۶	۴۴
۵۳	۲۶	۲۷	۴۸	۴۵	۲۴	۲۵	۴۰

فصل هشتم

فصل هشتم پر کردن مربع چون خواهد که عددی در آن قرار گیرد و یادگار در لوح نه در نه بر نماید عدد آنرا جمع کرده ستیصد و شصت از آنجمله عدد طرح دهد آنچه باقی ماند غم حصه از آن گرفته از اول خانه شروع نماید در هر خانه یک عدد زیاده کند و یک عدد کسر افتد در خانه هفتاد و سیوم و کرد و کسر اید در خانه شصت و چهارم و اگر سه عدد کسر اید در خانه پنجاه و پنجم

در بیان علم تکبیر

۱۶۲

وگر چهار عدد کسرایید در خانه چهل و هشتم و گریخ عدد  
 کسرایید در خانه سی و هفتم و اگر شش عدد کسرایید در  
 خانه بیست و هشتم و گریخت عدد کسرایید در خانه نوزدهم  
 و گریخت عدد کسرایید در خانه دهم یک عدد بر عدد معهود  
 افزودناید و گری خواهد که هر کسرها در یکخانه بدهد پس  
 در خانه هفتاد و سیوم مطابق اعداد کسرها که افتاده باشد  
 عدد هزار نیاره کند تا هر طرف عدد درست

مثال رفتار اول جله ۲۶۹ طرح ۲۶۰ باقی ۹ عصر ۱

۴۰	۲۴	۲۳	۱۲	۱	۸۰	۶۹	۵۸	۴۷
۴۶	۲۴	۲۳	۲۲	۱۱	۹	۷۹	۶۸	۵۷
۵۶	۵۴	۴۳	۳۲	۲۱	۱۰	۸	۷۸	۶۷
۶۶	۵۵	۵۴	۴۲	۳۱	۲۰	۱۸	۷	۷۷
۷۶	۶۵	۶۴	۵۲	۴۱	۳۰	۱۹	۱۷	۶
۵	۷۵	۶۴	۶۲	۵۱	۴۰	۲۹	۲۷	۱۶
۱۵	۶	۷۴	۷۲	۶۱	۵۰	۳۹	۲۸	۲۶
۲۵	۱۴	۴	۷۳	۷۲	۶۰	۴۹	۳۸	۳۶
۳۵	۲۴	۱۳	۲	۸۱	۷۰	۵۹	۴۸	۳۷

مثال



در بیان قواعد تکبیر  
مثال رفتار دویم

۲۸	۳۸	۴۷	۵۶	۶۲	۱۷	۲۶	۵۴	۱۱
۲۹	۵۷	۶۶	۲۷	۲۰	۲۶	۳۵	۲۱	۶۸
۶۷	۷۶	۱۸	۱۳	۵۸	۲۲	۳۱	۴۰	۲۴
۵	۱۳	۲۲	۳۵	۵۳	۴۱	۵۰	۷۸	۷۳
۴۲	۵۲	۲۸	۷	۱	۷۹	۷	۵۹	۲۰
۱۰	۱۹	۴۲	۵۱	۷۷	۶۰	۶۹	۱۴	۲۵
۶۲	۲۳	۶۱	۸	۲۴	۶۵	۵۵	۲	۲۹
۳۳	۷۱	۸۰	۳۷	۲۹	۳	۷۴	۲۵	۶
۸۱	۹	۴	۷۵	۱۵	۴۶	۱۲	۶۴	۶۳

مثال رفتار سیوم بطریقه مثلث و رفتار ان اینست

۵۱	۴۶	۵۲	۶	۱	۸	۶۹	۶۴	۷۱
۵۲	۵۰	۴۸	۷	۵	۳	۷۰	۶۸	۶۶
۴۷	۵۴	۴۹	۲	۹	۴	۶۵	۷۲	۶۷
۶۰	۵۵	۶۲	۴۲	۳۷	۲۴	۲۴	۱۹	۲۶
۶۱	۵۹	۵۷	۴۳	۴۱	۲۹	۲۵	۲۳	۲۱
۵۶	۶۲	۵۸	۳۸	۴۵	۴۰	۲۰	۲۷	۲۲
۱۵	۱۰	۱۷	۷۸	۷۳	۸۰	۳۳	۲۸	۳۵
۱۶	۱۴	۱۲	۲۹	۲۷	۷۵	۲۴	۳۲	۳۰
۱۱	۱۸	۱۳	۷۴	۸۱	۵۶	۲۹	۳۶	۳۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ رَبِّ سَبْرٍ وَ تَمَمٍ بِالْحَجْرِ

باب چهارم در خواص دودر دو و مخفی نماید که شکل دودر دورا  
استان و حکیمان مهندس معتبر رسیداند و بعضی دیگر اعجاز  
نکرده اند جهت آنکه اقطار و اضلاعش با هم راست نیست چون  
این رساله جامع است در فوائد قواعد این فن فرود گذشت نشده  
اما وقتی که این شکل دودر دو کشید شد باید که قریب یکف الحصب  
متصل باشد و مسکنه نهری این شکل را فتح الباب خوانده است و اگر  
برنکین خاتمی نهد هر کس که این خاتم بدست او باشد دست بر هر در  
بسته و قفل بسته که نهد کشاده شود و اگر دست بر دیوار نهد از پیش  
برود و اگر بر پوست کرکدن بنکارند هیچ کاربرد و شمشیر پرو کار بکشد  
و صنعت پیدا کردن الماس است که الماس در معدن یافت می باشد  
چون خواهد که او را زحمتی حاصل کند وقتی که خفاش بچه بر آورده باشد  
جام ابکینه بر سر بچه او وصل کند در حال مادر ایشان برود و الماس  
بیاورد چون بران ابکینه نهد در حال پاره پاره شود پس آن الماس  
در خانه خفاش افتد و شاها ن خدا الماس را بدین طریق پیدا  
می کنند و سنک عقاب عین دارد و خاصیت اول آن است  
که هر چند او را بشکند او از نلکه لروی بدیداید از بند لکرون  
او انچنانست که مرغ سلیمان که او را هد دهد خوانند چون بچه نهد



## در بیان قواعد اعداد

۱۶۵

عادت او آن است که در سوداها بچه نقد پس در آن سوراخ را محکم بگیرد که الله تعالی معرفت این سنگ بدان مرغ داده در حال رود و سنگ عقاب بیاید و آنجا پر کبریا شکل دو در دو پرو نکار در هر کسی که با خود دارد بند و زنجیر پرو کار نکنند و بسنه نه شود سنگ در پیش همین خواص دارد و سنگی بوده سیاه و نرم همچو گوهر سرب دان در اسباب اله موجود بود و عادت لله چنان بود که هر سال که رفت بچه نهادن او بر بود و این سنگ بیاید و در راستا نه خورد نگاه دارد الله تعالی این هر فن یاد داده و خاصیت این سنگ آن است که پنج جانور قصد بچه او بکنند و بسلامت بماند و چون مشکل اول و یا مشکل دویم و در دو در دو رنگین ازین نقش کند هر کسی که این خاتم را با خود دارد همه خلائق دوست فرمایند بر او و اگر کسی دست در دست نقد چون بید ببرد در داری در آید و سنگ برقان خفاش پیدا میکند چون بچه نقد زعفران و یازده چوب بیاید و بچه او را زرد کند تا ببرد چوبه کمان برده که بچه او را برقان رده خفاش برود و سنگ برقان بیاید و هر کسی را که برقان باشد آن سنگ را با خود نگاه دارد آن علت برقان پاک شود در بدن جامد را این خواص است و طبور را این معرفت است که خواص اشیاء میداند انسانی بدین سر یعنی که جمیع صفات الله موصوف است بطریق اولی بیت سنگ معنا طیبی بین که اهل مجوز چون می کند

در بیان قواعد اعداد

۱۶۶

بکم زسنگ نیستی که اهل برفقار اوار و اگر اغفا و نمای و اگر سکر  
شوی که اشیا خود را بفعل اوار و الله اعلم و شکل دو در دو این است

۲ در ۳

۷	۱
۳	۴
۲	۶

دو در دو

۲	۱
۴	۳

ناب پنجم در خواص و قف

باب پنجم

سه در سه و حکما گفته اند که این عدد از میان خوانند اما بدانند که  
اعداد ناب شمار آن نرسد مستعد قبول اعتدال دفع شود بدانکه  
هر عددی را کمالی است و عدد کمال چهل و پنج همچنانکه از یکی تا نه  
چون بشمار آورد ۴۵ می شود که مناسب است بعد از آن که چهل و پنج  
است و منقول است امیر المؤمنین علیه السلام در خواص سه در سه

را و زب ا ه ط ج د حروف و فوق عدد ؛ رفعت نافعته بعینه  
الولد ؛ و يرجع الابق من ساعتی فی بلد ؛ و لام محمد عرانی می فرماید  
در وضع سه در سه بیت وضعی نهاده اند حکیمان روزگار ؛ که  
اعداد آن بر مزجوا هم نوشت ؛ چن عرب بال در واختران  
چرخ ؛ نقش مبین کعب نکه ای بنکوسرشت ؛ میعاد وضع عمل  
نماز و خدای عرش ؛ بران مصطفی و طلاق در بهشت فضل  
و از خواجه نصیر الدین طوسی منقولست حروف نه گانه که مرتبه

فضل

اعداد اهرام



احادیث به عصای موسی علیه السلام موسوم بود و در بطلان سحر  
 مجرب است اما جهت وضع حمل این شکل را بر سفال آب نارسیده  
 کشند بر سه وصله و یکی بر زانوی پای راست بندد و یکی در پای چپ  
 و یکی در پشت در ساعت از ریخ زادن خلاص شود و چون روز <sup>شنبه</sup>  
 ساعت فمرا این شکل بنکارند و به محبوس دهند مادر سب پای خود  
 دفن کند از بند و زندان خلاص شود و اگر این شکل چون بنام کریمه  
 بنویسد و نام او در برابر عدد پنج بنویسد و در محل خوابگاه او  
 دفن کند و سنگ کران بر بالای او نهاد متحیر شود و باز گردد و اگر چهار  
 وصله کاغذ کشند و هر یکی در کوزه نواب نارسیده بگذارد و چهار  
 گوشه کشت را از فوق کشد ملخ در آن موضع نایافت شود و جهت  
 باطل سحر این شکل را نگاه دارند و آیت الکرسی بحروف مقطع در حوالی  
 او بنویسد و به آب حل کند و به آن آب خود را بشوید سحر باطل  
 شود و اگر کسی را بسته باشند بر شون همین صورت بعمل آورند که موثر است  
 و چون قمر در شرف باشد و در تحت الشعاع و بگوایب سعد بنظر  
 مسعود بود بر پوست آهو بنویسد حاملان قادر گردند بر حرکت و از  
 راه رفتن ملول نشوند و چون قمر بر طان باشد و ناظر بسعود در  
 نقره خالص بنکارند حاملان معین باشد بر جمله حرکات و غالب  
 گردد بر دشمن و چون نیز در هفتاد ساعت زهره به نکارند حاملش

## در بیان قواعد اعداد

۱۶۸

بهر که سخن گوید مطیع او گردد و اگر روز قمر وساعت او بنکارند و در نقره با خود دارد که جمع مکاره در خوف امین باشد و چون اجتماع نین در منزل نسله باشد بنویسند بهر حاجت که متوجه شوند ان حاجت روا شود اگر فرناظر بشمس باشد به تدیس تا ثلث برنگارند حاملش را جاه و حشمت بیفزاید و اگر به طلوع رسد بنویسند و از آن قیلها سازند باسم مطلوب و بخوریشک و زعفران کند با شرفی نهایت دهد و اگر قمر به تربع یا مقابله مربع بود باسم شخصین که بنویسد در میان ایشان تفریق واقع شود و حکما گفته اند که این شکل را بسیار با خود نگاه نمی باید داشت که پریشانی می آورد سه در سه عداوت انگیزد دو چهار در چهار با هم او یزد چون قمر ناظر زهره و یا مشتری باشد بنظر سعد جهت محبت برنگارند که اثر عظیم دارد و جهت فتوحات هم به این نظرات بنویسند و بشرط نوشتن بجا آورند و بخور بسوزانند و عزیمت بخوانند که مقصودات کله حاصل شوند و مثال شکل سه در سه این است والله اعلم

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

۴	۳	۸
۹	۵	۱
۲	۷	۶



## در بیان معرفت قواعد حروف ۱۶۹

فضل بدانکه ابتدای این شکل از چهار خانه توان کرد بصورت  
نظم طبیعی جهت فتوحات ابتدای کردیم خانه و جهت محبت ابتداء  
که چهارم خانه کند و جهت خروج ابتدا که خانه ششم و جهت تفریق  
ابتدا که خانه هشتم کنند در یک شکل را که برین موکلی هست و درین  
شکل بسیار غرایب است که تعبیر و تسلیط و تعلیل و تخریب و قلع

و ترمیز و تفریق و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

بیت شیخ دلان با کف رنگی است بد که این علم ناکس را بدست

امام محی قرالی رحمه الله علیه رساله تصنیف فرموده در نصح سه درسه  
موسوم بوجوب الحامد هر امریکه ما بخواج مردم است که خیر و شر در  
خواص این حروف تعبیه گانه که ان مفردات و مرزجات است نوشته  
و بعضی حکما فرموده اند که جهت اعمال خیر حروف مرزجات بویسند  
و جهت اعمال شر حروف مفردات و با هر دو عمل خواهم نمود طریقه  
همه حکما را در فضلی چند بار نمایم تا بر طالبان صادق اسان شود  
انشاء الله فضل بدانکه طریقه حکماء یونان انچنان است که هر  
گاه خواهند که از جهت حب و بغض و ترمیض و فتوحات و هر عملی  
که کنند طریقه ایشان است که پنج اسم ازین وفق استخراج میکنند  
و تخریب میزنند و مقصود حاصل میکنند بدین طریق اول و پنجم  
گیرند و ۳۹ عدد بر او اضافه کنند بحروف برند و گویند

# در بیان قواعد حروف ۱۷۰

شیدا یک و دریم نهایت عدد که آن تمهید است اضافه بر ۳۹۰  
 و گوید سچانک سیوم عدد عدل که آن ۱۰ اضافه بر ۳۶ و گویند  
 شیطانان چهارم عدد صلح که آن ۱۱ است اضافه بر ۳۵۰  
 کند و نطق دهند و گویند شنایین بعد از آن بگویند عَرَمَتْ عَلَیْكُمْ

بِحَقِّ رَبِّنَا وَرَبِّكُمْ بِأَشِدَائِبِلِ وَشِجَائِبِلِ وَبِأَشِطَائِبِلِ وَشِکَائِبِلِ  
 و یا شنداییل اقلو کذا و کذا الشاعه الشاعه و مبالغه در اعمال

تکسر واجب داند و بعضی دیگر از حکماء بر آن درین حروف نه  
 کانه عمل میکنند فصل در دانستن طریقه حکماء و فرین وان

فصل

چنانست به اصطلاح این قوم که سه در سه یا مضرب است یا منظر  
 مصر آنست که اسم طالب بگیرند و اسم مطلوب دایره محبت در

دفع به نکارند مثال طالب محمد ۹۲ و مطلوب محمود ۹۷

و اسم دور ۲۰ این جمله ۲۱۰ باشد ۱۲ طرح کریم الباقی

۱۹۱ سه قسمت کریم هر قسمتی ۶۶ باشد دو قسمت طرح

کریم و یکی بخش دیگر در سه در آوریم بصورت نظم طبیعی

تمام کریم بدین مثال و اگر کسیری واقع شود یکی و یاد دور

این شکل راست نیاید و آنچه کسر است  
 ایدا مثلث هندی است و بجای خود  
 گفته شود و خواص چند دیگر درین

۶۷	۷۲	۷۱
۷۴	۷۰	۶۶
۶۹		۷۳

۶۸

لا



# در بیان معرفت وفق اعداد ۱۷۱

شکل نموده میشود اول کسی مبتلای دل باشد و خواهد که دلش  
 سرد شود اعداد سوره والعصر بگیرد و اعداد اسم شخص بگیرد  
 و در مثلث ثبت کند برین طریق که نموده شد و در کوزه بوی که آب  
 از آن نخورده باشند بنهد و آب در وی پر کند از روی آن بخورد  
 باشد که الله تعالی دل او را از آن شخص سرد کند و اگر خواهد که  
 میان دو حرام تفریق اندازد ایتة وَالْقِنَابِ بِئِهِمُ الْعِدَاوَةِ وَالْبَغْضَاءِ  
 اَبَدًا عدد این بگیرد و از اسم آن هر دو شخص عدد بگیرد بدین طریق  
 که نموده شد در وفق مثلثه ثبت کند و این شکل را در بیچد و در خانه  
 آنکس دفن کند تفریق واقع شود و اگر خواهد که کسی را از مقام  
 اواره کند بگیرد عدد سوره الم ترکیف و عدد اسم آن شخص و در  
 وفق مثلث ثبت کند و در گذار آنکس دفن کند و یاد در مقام می  
 نشیند که اواره شود اگر خواهد که کسی را از مرتبه او بپندارد بگیرد  
 عدد اینه وَمَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى و عدد اسم آن  
 شخص مودی و ظالم در وفق ثبت کند و نیز این ایت بعد اسم  
 آن شخص مودی بخواند و در کورستان دفن کند از آن مرتبه که  
 هست تزل کند و اگر خواهد که ظالمی را در بخور گرداند عدد ایت  
 فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ كَمَا قُتِلَ هُمْ اللَّهُ مَرْضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ  
 بگیرد و عدد اسم آن ظالم بگیرد و در وفق ثبت کند و بعد

کتاب و اسم  
۲۴۲

۱۸۵

۶۴۲

۱۸۶

# ۱۷۲ در بیان قواعد حروف

این جمله بخواند و در کنار او دفن کند و یاد کورستان انکس تا توبه نکند به نشود مربع الم ترکیف و اگر خواهد که کسی را از عشق خود

دل سرده کنی بگیرد عدد این است

۱۴۴۰	۱۴۴۲	۱۴۰۸	۱۴۴۸
۱۴۰۱	۱۴۰۶	۱۴۴۴	۱۴۰۶
۱۴۰۸	۱۴۰۸	۱۴۰۸	۱۴۴۲
۱۴۴۲	۱۴۰۸	۱۴۴۱	۱۴۰۸

یا نارا کونی بردد و سلا ماعلی

ابراهیم و عدد اسم آن شخص

و در وفق ثبت کند و بر کناره

آب روان دفن کند دلش تسکین

شود و سوره تبت یدای لیب همین خاصیت دارد و اگر خواهد

که کسی را مطیع خود گرداند عدد این است لو انفقت با عزیز حکیم بگیرد

و اسم آن شخص و اسم خود و این جمله در مثلث ثبت کند و از یاد

بیا و یزدانکس مطیع شود و اگر خواهد که کسی را زبان بر بندد عدد

این است صم بکم و غمی فتم لا یفعلون بگیرد و عدد اسم آن شخص و

این جمله در وفق ثبت کند و در شیب سنک کران بنهد زبان

انکس بسته شود و اگر خواهی که کسی را از شیوه حرام به بندد بگیرد

عدد مذال و مینت و شهوت فلان بن فلان و این جمله در وفق

ثبت کند و در جای نم ناک دفن کند و سنکی کران در بالای آن

نهد که بسته شود شهوة ان هر یک ازین عمل که کند بنظر کواکب

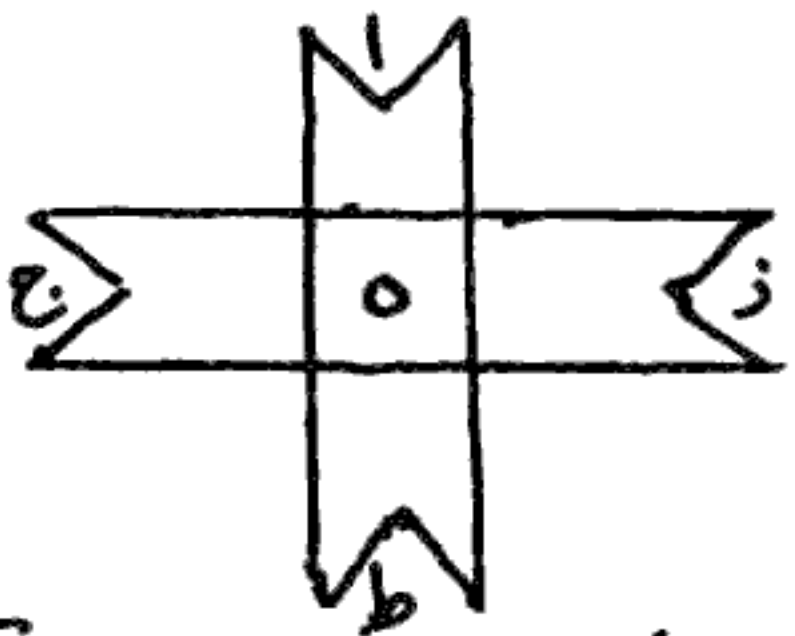
کند و بخور بسوزاند و عزیمت بخواند که مجرب است و الله اعلم

رضی



فصل در طریقه حکماء مغرب و بحث ایشان در مفردات و مزد  
 جات این حرف است و در مزدجات خواص بسیار می فرمایند  
 مثل کثایش و رزق و عزت و تسخیرات و در مفردات فهم و تسلط  
 و حی و بغض و اوارگی و فیض و بسط و هر چیزیکه خواهد و در هر عملی  
 که کند از قرآن از مفران مجید آیتی که مناسب آن باشد در حوال  
 و حواشی آن وفق بنویسد برین مثال اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا  
وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُخْبِتُ  
أَخْبَارَهَا يَا أَعْيُنَ النَّاسِ مِمَّا رَأَيْتُمْ تُخْبِتُونَ أَلْأَنْفُسَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
أَلَمْ يَكْفُرُوا بِاللَّهِ وَرَزَقَهُم مِّنَّا بَعَثْنَا فِي هَذِهِ قُرْآنًا مِّنذُرًا  
وَأَنذَرْتَهُمْ يَوْمَئِذٍ نَارَهُمْ وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ  
 علی بغض فلان بن فلان الساعه الساعه و وفق باین مثال است  
 و آیات را مسطح باید نوشت و مجور بسوزاند و کارش تا به هلاکت  
 رسد برین عمل اعمال و بدفع هر چیز مشغول نشود تا مضرت  
 باید وفق برین مثال است و زینهار و اعانت که تا شخصی واجب

برین علم نباشد مشغول بر و نشود و  
 جماعتی دیگر از حکمای اهل مغرب برین  
 نه خانه نه اسم استخراج کرده اند و عمل  
 بران کنند برین مثال ۱ اَطَّهَيَا ۲ بَطَّهَيَا ۳ عَطَّهَيَا



در بیان وفق اعداد ۱۷۴

۴ و ططهیا ۵ فططهیا ۶ و طططهیا ۷ زططهیا  
 ۸ حططهیا ۹ طططهیا بدین صورت رقم میدهند  
 بدین طریق اقسمت علیکم یا اظطهیا تا فرم جح الحق و  
 بحق خالق الخلق بان تفعلو کذا و کذا ای عزیز قدر این بدان  
 که سالها اگر سعی کنی و به این عمل برسی و از لفظ استاد این نوع  
 عمل باین فغیر رسیده و در هیچ نسخه نیست و ادب نگاه داری و  
 حرمت مجا آوری تا کارت بجان نرسد مشغول به این امر شوی  
 که گرفتاری رو نماید فضل در طریقه وفق مظهر و ذالکتابه  
 نیز میگویند و ان چنانست که از مجموع عدد ثلث بیرون آوردن و  
 در قطب خانه بنهد و باقی عدد در طول و عرض قسمت کند برین

مثال جمع این عدد ۲۷۹ است  
 ثلثش بیرون کردیم ۹۳ باشد  
 در وسط بقاریم و باقی عدد را

۴		۲		۸	۱	۶
۳	۵	۷		۲	۵	۷
۸	۱	۶		۴		۲

قسمت کردیم برین مثال الله لطیف بعباره

الله	لطیف	بعباره
۱۱	۶۸	۷۵
۱۸	۵۶	۱۸

فضل طریقه چند دیگر بطریق  
 مظهر نموده میشود برین مثال  
 که گفته میشود اینست در مقابل  
 صفحه مقابل



در بیان قواعد قواعد

۱۷۵

۱۴

۴۲	۲	
۸۵	۴۲	۱
۸۶	۸۳	۴۴

لا اله الا الله	الله	
ورد هادی جواد	دایم	مبیدی
یا واحد جواد	حکیم	جلی

کفیف	طسم	مستق
واحد رحیم	عالم موجد	عالی
لا اله الا هو	طیب نورا	احد سمیع

۲	۱۵۱	۵۳
۱۵۳	۵۲	۱
۵۱	۳	۱۵۲

فصل در طریقه نمودار حکماء بایلی ایشان فرموده اند که چهار  
 ملك ملازم این شکل اند اول مالسوماه چون وفق اول کشند  
 که از روم ابتداء کنند ۹ نوبت این اسم بخوانند و در پهلوی این  
 اسم بنویسد اسم بنویسد اسم دوم یا مستفیهار چون خانه دوم  
 بنکارند و در پهلوی خانه چهارم بنویسد و ۹ نوبت اسم  
 سوم بخوانند یا کفیف سوماه چون شکل سوم بنکارند این اسم در  
 پهلوی خانه هشتم بنویسد و ۹ نوبت بخواند اسم چهارم  
 مطیسلیفواه چون شکل چهارم بنکارند این اسم در پهلوی خانه  
 هشتم بنکارند و ۹ نوبت بگویند و بمجوزات بسوزند و اسماء بخواند  
 که البته مقصودات حاصل شود فصل باصطلاح اهل  
 یونان و بایلی و مغرب ایشان میفرمایند که چون خواهند که

در بیان قواعد حروف

این شکل بنکارند ابتدا بعد دیک کند نوبت بگوید آه آه چون  
 عدد خانه دویم بنهند دو نوبت بگویند بَطْرَبَالٍ و چون عدد  
 خانه سیوم بنوسند سه نوبت بگوید جَلِیشِ و چون چهارم  
 خانه بنویسند چهار نوبت بگوید دَمِیَالٍ و چون خانه پنجم بنویسند  
 پنج نوبت گوید هَطَطِیشِ و چون خانه ششم بنویسند شش  
 نوبت بگوید و کوهیم و چون خانه هفتم بنویسند هفت نوبت  
 گوید زلفظاً و چون خانه هشتم بنویسد هشت نوبت بخواند هَدَا  
 و چون خانه نهم بنویسد نه نوبت بخواند طیبیالی و تمام علی  
 این است وفق الاینه این شرطها و اسمها و این عزیمت را عزیز  
 دارد که بسی غرایب اعمال در اوست در جمیع اعمال مثلث

این عزیمت می باید خوانند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِرَهْبِیَةِ  
 بِرَهْبِیَةِ کَرِیْمٍ کَرِیْمٍ تَقْلِیَةِ طَوْرَانِ مَزْحَلِ مَزْحَلِ بِرَهْبِیَةِ رَقَبِ  
 تَرْهَشِیِ غَلَشِیِ خَوَاطِرِیِ قَهْرِیِ دَاوِیِشَانِ کَطَهْرِیِ مَرْمَشِیِ بِرَهْبِیَةِ  
 لَانَشِیْلِیِ کَرِیْمِیِ مَزْنَعَلِیِ لَبَطِیِ قَبْرَاتِیِ عَجَطِیِ غَبَاها کَبِدِیِ هَوَلَا  
 شَمَخَا هَبِیِ سَمَا خَبِیِ شَمَا هَبِیِ بِحَقِّ الْعَمَدِیِ الْمَاخُوذِ عَلَیْکُمْ الْاِ  
 نْفِیَارِیِ نِیَا اَمْرُکُمْ بِهٖ وَبَعَزَتْ اللّٰهُ الْعَزِیْزِیِ فِی عَزَّةِ عَزَّتِ وَ  
 بَطَشَةِ شَدَّةِ فَهْرَتْ وَاوْزَا بَعْدِ اللّٰهِ اِذَا عَاهَدْتُمْ وَاوْزَا

تقصوا



## در بیان خواص مرزحات

۱۷۷

وَلَا تَنْفَضُوا الْإِيمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمْ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا  
 بِأَخْذِهَا هَذِهِ الْأَسْمَاءَ أَنْ تَحْضُرُوا وَتَفْعَلُوا كَذَا وَكَذَا بِحَقِّ الَّذِي  
 لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَيَحِقُّ بَدْوَعٌ وَأَجْهَرُطٌ  
 بَطْرَجٌ وَأَحْمٌ وَيَحِقُّ قَسَمٌ أَوَّلُهُ وَأَخِرُهُ أَلْ دُو الْجَلَالِ وَالْأَلَا  
 كِرَامِ وَيَحِقُّ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ أَفْعَلُوا مَا تَوْفِرُونَ  
 بَارِكْ اللَّهُ فِيكُمْ وَعَلَيْكُمْ بعد از آن سه نوبت قل هو الله احد  
 بخواند و بگوید انضر فوا من حيث جئتم ببارك فيكم وعلينكم  
 اريتم ما وصفت عليكم انصرفوا بحق من جئتم من اجله بلا  
 ضرر والاضرار ببارك الله فيكم وعلينكم و بعد از آن قل هو الله  
 احد و آية الكرسي و معوذتين بخواند و بر خورد مد تا از ضرر  
 محفوظ باشد بعد از آن چهار نقش پر کرده در زیر پای یاد دوز  
 زانو یا در زیر سنک نهاد لیکن در وقت تحریر سوره نصر بخواند  
 باید که در هر خانه نوشتن هفت مرتبه سوره مذکور بخواند  
 تا چهل روز باید نوشت هر روز و بعد از حصول مقصود  
 همان نقش در دهن انداخته محو سازد یا در جای پاک اندازد بجای  
 نضل در خواص مرزحات مصروفات و این حروفات را  
 بسیاری خواص نوشته اند و فواید بسیار دارد و بفعل می آید

## در بیان قواعد بدوح

جهت محبت بنویسند و در نسخه بر ورق و خون میاوشان  
 بعد از روز جمع مجوز کنند بمورد و لبان به بچند در حریر مسخ و از  
 درخت انار بیاویزند و نام طالب و مطلوب در حواشی مربع

ب	د	و	ح
و	ح	ب	د
ح	و	د	ب
د	ب	ح	و

بنویسد که مقصود حاصل شود  
 نوع دیگر بتاند استخوان  
 مرده و آب دهن خود در آن  
 اندازد و سه بار گوید بدوح  
 و به بچید در کاغذ در شب سر

به نهد و صورت محبوب تمثیل کند که انکس مطیع شود  
 و بی آرام و بی خواب گردد ولیکن شرط اینست که آن استخوان را

دس کند باریک و در دس کردن این عربیت بدوح بخواند بعد

آن بر کاغذ با سیاهی تراسم محبت و محبوب بنویسد و بر آن حرف

تراستخوان سائیده مذکور را پراکنده کند و بچند و زیر سر

خود به نهد نوع دیگر بنویسد بمشک و زعفران و کلاب بر

کتاب نو ۲ یاود عم دال دء واود ۲ حاء و بعد از آن پاره

پاره میوزاند و مخصوص هر یک از حروف بخواند بعد از

آن خاکستر بیکه حاصل شود با صغ عربی خیر کند بکلاب و مشک

غلوله نموده در سایه خشک کند چون خشک شود سوراخ کند



## در بیان قواعد بدوح و فوائد آن ۱۷۹

همچون مهره و در ابریشم زرد یا سبز دوره کند و در کردن او بیزد  
مقصود حاصل شود و در وقت نوشتن ده بار این لفظ بخوانند  
با بدوح و در وقت سوزانیدن از برای حرفی آنچه مناسب  
اوست از عدد یا رسم آن که مخصوص است بد آن حرف بخواند  
در و بار بدوح بدوح الباعث الیرید البصر الباصر البدیع بدیع  
السموات و الارض الباطن الباقی الباری الباسط چون حرف  
دال بنویسد چهار بار بگوید یا دالیم یا دهر یا د بهار یا د مجبور  
و از برای وادشش بار بگوید الوهاب الوارث الراحِد الوا  
جِد الودود الواسع الوالی و از برای هاد هشت بار  
بگوید الحق الحیب الحمید الحفیظ الحقن الحکیم الحکیم الخنان  
الحق القیوم و اگر این مربع را بر کتان پاره خواهد سوزانیدن  
بنویسد عملش قوی تر باشد و چون از عمل فارغ شود مربع را  
بنویسد و با مهرها در کردن او بیزد تا برش زیاد باشد و این را  
در عمل اثری عظیم است دیگر جهت کشایش بنویسد چهار  
مربع با عدد صغیر اسم طالب بنویسد و در اینکه چشم او زوی  
تقبله اید بظرفی آن مربع ها را حل کند و سر وقت بنویسد روز  
چهارشنبه و یکشنبه و چهارشنبه چنانکه سه نوبت شود کشایش

۱۸۰ در خواص اسم اعظم بدوع

در کار انکس پیدا شود و اگر محبوس باشد همین عمل کنند از  
عبس خلاص شود جهت محبت بنویسد این مربع اعد دانه قلقل  
و قدری دوشاب و روغن و این مربع در میان قاروره نهد و  
سر بگردود در سبب انش پنهان کند چون گرم شود انکس بیقرار  
گردد و برین طریقه بنویسد اجب یا الطههیا یا پید و لاش

واجب یا د ططهیا یا بحق دهبوش واجب یا د ططهیا یا بحق  
دیغار عیش واجب یا حططهیا یا بحق حیدادش همچو قلب فلان

علی محبت فلان و عزیزینکه اول او برتند کر بر تغلیط در ورق  
سیوم که گذاشته تمام بنویسد و اینهای محبت یا نبی انھا ان

لک متعال حبه من خردی فکن فی صحرة اوفی السموات او  
فی الارض یا نبی بها الله قال عفریت من الحق انا انیک بر قبل  
ان تقوم من مقامک قال الذی عند علم من الکتاب العجل  
الساعة الوحا و اگر کسی کر محبت با باشد یا چیزی در دیده باشد

ب	ر	و	ح
۲	۴	۶	۸
ا	ح	ب	د
۶	۸	۲	۴
ح	د	ر	ا
۸	۶	۴	۲
د	ب	ح	و
۴	۲	۸	۶

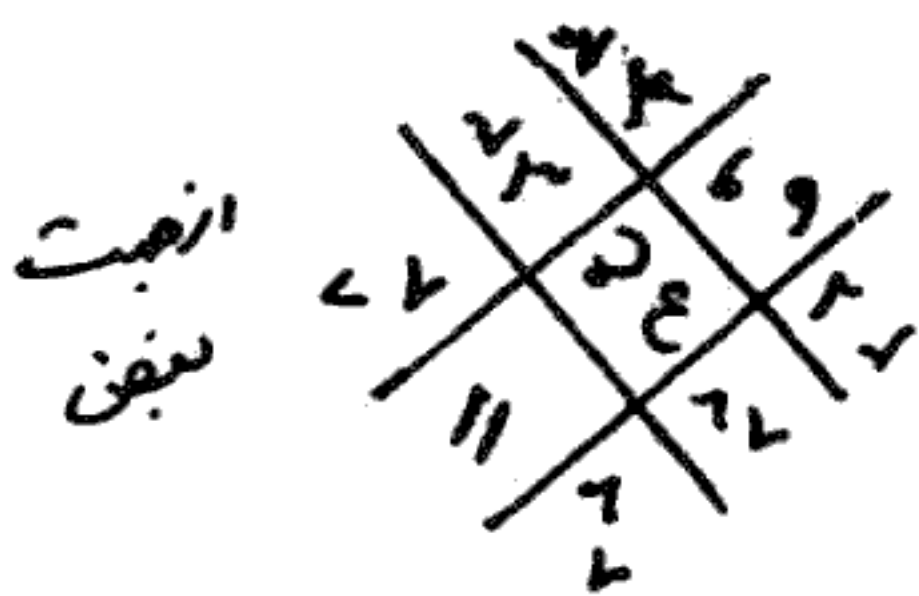
این شکل را بنویسد یعنی شکل بدوع  
حرف بر ظهر مضمون در وسط او  
یکدینار فقره نهند و در بچد و در اند  
رون تاربات دان پنهان کند و سته  
کران بر سران به نهد و در د برده

در الهم



# در بیان قواعد حروف

۱۸۱



وگر بخت در دسته باز آید بدین مثال  
 و از جهت بعض بنویسد از ابر  
 خنجر فولاد که پنهانی آن چهار انگشت

باشد بنام هر که خواهد و اسم مادرش و در ایش اندازد  
 و بعد مدت شصت روز و بخورد بختیله کند که انگس هلاک  
 شود و این حروف بنویسد اجهرط و این حروف جنبه  
 بعض و هلاک دشمن مجربست و بدو جهت محبت و کثابتی  
 و جلب و هر چه خواهند والله العالم و اگر خاتمی سازند از  
 سه درهم نقره و نیکین این خاتم از روی یعنی سرب باشد دو  
 روی یکی از طلا و یکی روی از نقره و در روی طلا مربع بدو  
 بنکارند و یک روی نقره اجهرط بنکارند چون فرستد درجه  
 از بروج نور باشد در رواید النور بود و نیکین این خاتم میباشد  
 که کرد آن باشد هر کس که این خاتم بدست کند بر دشمن مظفر  
 باشد که بنزد سلاطین محترم و صاحب جاه و عزت کرد و هر  
 که با او دشمنی کند مقهور شود و در هر کار که شروع کند باسانی  
 بر آید و هر گاه یک دردی و غمی را بر وی انجامد بیرون کند غم  
 از او زایل شود و چون سادی بود روی نقره شروع کند سادی

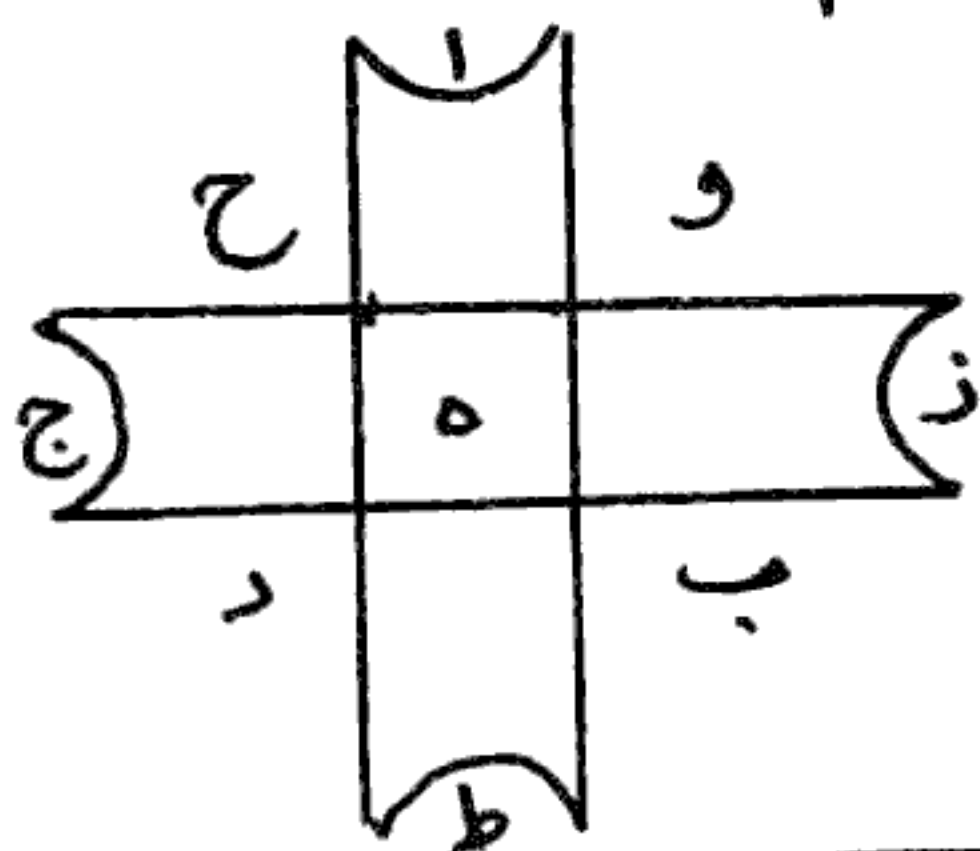
# در بیان قواعد حروف ۱۸۲

بفرایند و چون خواهد که از چشم دشمن پنهان شود روی نقره  
 در شب کنند و انکشت بگیرد شود اگر در میان هزار آدمی باشد  
 او را کسی نه بیند پنهان نماید و این خاتم می باید که نکلین او گردان شد  
 و این فقیر دید است و از مغرب آورده بودند و حروف مفید خانه مهره  
 گاه که در مشرف بنویسد و بر رنجور بندد مشفاء باید

ایضا خاتم اجهرط که دست کند

خاتم اجهرط اینست

ط	ز	ه	ج	ا
ه	ج	ا	ط	ز
ا	ط	ز	ه	ج
ز	ه	ج	ا	ط
ج	ا	ط	ز	ه



و اگر تابش صداع و دامامل و

هر دردی که باشد بندد شفا یابد بحربیت و جهت باطل السحر  
 بنویسد و آیه الکرسی بحروف مقطع در حوالی بنویسند و در آب  
 روان حل کنند و سر دهن بشوید از سحر خلاص شوند این است

و	ا	ع
ز	ه	ج
ب	ط	د

باب ششم در خواص مربع چهار در  
 چهار و این عدد از شمائل خوانند و این  
 شکل را هر که با خورد نکاهدارند رفت

و عزت آفراید و جهت تحصیل مرادات مناسب است و چون

تقاریر



## در بیان معرفت قواعد بدوح

اقبال در شرف باشد بنویسد و یا خود نکا هدارد مقبول نظرها  
 گردد و محبوب سلاطین و اگر ماه در کف الخصب باشد و ناظر  
 بیشتری و یا زهره بنظر دوستی این شکل بنکارند محبت و مودت  
 رانیک باشد و چون ماه بنظر سعد باشد برگشته حامل این  
 مظفر گردد بدشمن و چون اینها در شرف باشد و قمر در نور  
 بدوستی یا قمر در میزان این شکل را بر خاتمی بنکارند یا هر چه  
 خواهند نکارند حامل آن محبوب خلاقی گردد و اگر این شکل  
 بنکار با خود نگاه دارند از رنجها ایمن گردد و قریح برود چون  
 قمر یا در برج باشد بدوستی این شکل برگشته حامل از راه رفتن مانده  
 نشود و بدشمن مظفر گردد و از اعدا بلا امت مانند از مکاره دختران  
 ایمن باشد و اگر بقران زهره و یا عطارد بنویسند رفیع العذر گردد  
 و اگر بر لوحی از سرب نقش کنند گاهی که زحل در شرف باشد و  
 قمر در جد زحل حاملش معروف و مشهور گردد و صیت و اوازه  
 او در عالم منتشر گردد و نافذ العقل شود و نزد سلاطین منصور  
 و محفوظ باشد از کید اشرار و اگر بر خشت بخت نکارند و در صبح  
 کارند تعبیه نمایند اب افزون شود و چون قمر بتلیث اقبال بود  
 حاملش نزد ملوک با حرمت بود و چون قمر به بتلیث عطارد  
 نزد وزرا و اهل قلم با حرمت باشد و اگر قمر به بتلیث زحل

بود به نکار در فیروز کرد و پروا احتیام و قلاع با حرمت باشد و اگر  
 در ساعتی نیک و قمر خوش حال بود بیکارند و به اب حل کنند  
 و بیاشامد مجموع علتها را دفع کند و اگر بسوزد در شب مصرع  
 که بیهوش باشد بنهد بیهوش آید و اگر و با یا ابده یا علتی شده  
 باشد حامل این شکل بصحت کلی باشد و محفوظ گردد و در پشت  
 کتان بیکارند و در خانه نگارند امتحان از دزد این باشد  
 و از برای تالیف قلوب و صلح بین الزوجین موافق بود گفته اند  
 که در گشتی نوع علی بنی اعلیٰ السلام این شکل نکاشته بود از  
 جهت این که عرق امین گشت و از خواص مشهور این است که  
 در هر چه بیکارند آن چیز را نگاهدارد و از خواند اتفاق غیر طبیعی  
 در مربع گفته اند که اگر نقش زوج الزوج باشد گاه اجتماع قمر  
 در شرف یاد در خانه بر صحیفه یا خاتمی که ضریف باشد بیکارند  
 حاملش بلائمت باشد بفرغ خاطر و در وقتیکه فردا الفرد بود  
 و قمر متصل بود بر محل یا قمر در مال بود هر زن که با خود دارد  
 حامله شود دان عظیم نماید اما استند که مبنی بر طریقه احزاب  
 و جدّه است نار نمایم و معنی احزاب و جدّه است که اح  
 در سطری شد و زب در سطری و و ج در سطری و ده  
 در سطری خواه در طول و خواه بعرض برای این انواع که



# در بیان قواعد حروف

۱۸۵

نمی شود رباعی که زنگ نزوی ردالمی است : اعراب و جبهه یقین  
 مترادگار است : در خانه فای هر یکی بنفده سار : نقصان کنی  
 از آن که غمراغیا است وضع کاتب

۱۱	۱۴	۱	۸		۸	۱۲	۱۳	۱		۸	۱۱	۱۴	۱
۲	۷	۱۲	۱۳		۱۱	۷	۱۴	۲		۱۳	۲	۷	۱۲
۱۶	۹	۶	۳		۵	۹	۴	۱۶		۳	۱۶	۹	۶
۵	۴	۱۵	۱۰		۱۰	۶	۳	۱۵		۱۰	۵	۴	۱۵
۴	۹	۶	۱۵		۱	۱۲	۱۲	۸		۸	۱۲	۱	۱۳
۱۶	۷	۱۲	۱		۲	۱۴	۷	۱۱		۱۱	۷	۲	۱۶
۱۱	۲	۱۳	۸		۱۶	۴	۹	۵		۶	۱۰	۱۵	۳
۵	۱۶	۲	۱۰		۱۵	۳	۶	۱۰		۹	۵	۱۶	۴
۱۲	۷	۶	۹		۱	۱۵	۱۴	۴		۱۴	۷	۱۲	۱
۱۲	۲	۳	۱۶		۱۲	۶	۷	۹		۴	۹	۶	۱۵
۱	۱۴	۱۵	۴		۸	۳	۵	۵		۵	۱۶	۳	۱۰
۸	۱۱	۱۰	۵		۱۳	۲	۲	۱۶		۱۱	۲	۱۳	۸

# در بیان قواعد حروف

۱۴	۱۵	۱۶	۱	۱۴	۱۴	۱۵	۱	۱۴	۵	۴	۱۱
۵	۱۰	۱۱	۸	۹	۷	۶	۱۵	۳	۱۵	۱۳	۶
۹	۶	۷	۱۳	۵	۱۱	۱۰	۸	۹	۲	۷	۱۶
۱۶	۳	۲	۱۳	۱۶	۲	۳	۱۳	۸	۱۰	۱۰	۱
۱	۱۳	۵	۱۳	۱۳	۸	۱۲	۱	۱۶	۲	۲	۱۳
۱۵	۶	۱۰	۴	۳	۱۰	۶	۱۵	۵	۱۱	۱۰	۸
۱۳	۷	۱۱	۲	۲	۱۱	۷	۱۳	۹	۷	۶	۱۲
۴	۹	۵	۱۶	۱۶	۵	۹	۳	۳	۱۳	۱۵	۱
۸	۱۳	۱۲	۱	۳	۹	۵	۱۵	۱۳	۸	۱۲	۱
۱۱	۷	۱۴	۲	۱۳	۷	۱۱	۲	۳	۱۰	۶	۱۵
۶	۱۰	۳	۱۵	۱۵	۶	۱۰	۳	۲	۱۱	۷	۱۳
۹	۳	۵	۱۶	۱	۱۲	۸	۱۳	۱۶	۵	۹	۳
۱	۱۳	۱۲	۸	۱۰	۱	۶	۷	۸	۱۳	۱	۱۳
۲	۱۳	۷	۱۱	۱۵	۸	۹	۲	۱۱	۷	۲	۱۳
۱۵	۳	۱۰	۶	۳	۱۲	۵	۱۳	۶	۱۰	۱۵	۳
۱۶	۳	۵	۹	۱۶	۱۳	۳	۱۱	۹	۵	۱۶	۱۳



۱۸۷

در بیان قواعد حروف

۱۰	۱	۶	۷		۴	۹	۶	۱۵		۱۵	۴	۵	۱۰
۱۵	۸	۹	۲		۱۴	۷	۱۲	۱		۶	۹	۱۶	۳
۲	۱۲	۵	۱۴		۱۱	۲	۱۳	۸		۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۱۴	۱۵	۱۱		۵	۱۶	۳	۱۰		۱	۱۴	۱۱	۸

۹	۵	۴	۱۵		۷	۱۵	۱	۱۰		۱۴	۷	۱۳	۱
۶	۱۰	۲	۱۵		۲	۹	۸	۱۵		۴	۹	۶	۱۵
۱۱	۷	۱۴	۲		۱۴	۵	۱۲	۳		۵	۱۶	۴	۱۰
۸	۱۲	۱۳	۱		۱۱	۴	۱۴	۶		۱۱	۲	۱۳	۸

۱	۱۴	۱۱	۸		۱۴	۷	۱۲	۱		۱۶	۷	۱۰	۱
۱۲	۷	۲	۱۴		۴	۹	۶	۱۵		۹	۲	۱۵	۸
۵	۹	۱۶	۳		۵	۱۶	۳	۱۰		۴	۱۲	۵	۱۴
۱۵	۴	۵	۱۰		۱۱	۲	۱۳	۸		۶	۱۴	۴	۱۱

۶	۱۱	۴	۱۳		۱۰	۵	۴	۱۵		۱	۱۰	۷	۱۵
۱۶	۱	۱۰	۷		۴	۱۶	۹	۶		۸	۱۵	۲	۹
۹	۸	۱۵	۲		۱۴	۲	۷	۱۲		۱۴	۵	۱۲	۴
۴	۱۴	۵	۱۲		۸	۱۱	۱۴	۱		۱۱	۴	۱۳	۶

# در بیان قواعد حروف

۱۴	۱	۸	۱۱		۱۰	۴	۵	۱۰		۱۴	۷	۱۲	۱
۷	۱۲	۱۳	۲		۶	۹	۱۶	۳		۱۱	۲	۱۳	۸
۹	۶	۳	۱۶		۱۲	۷	۲	۱۳		۵	۱۶	۳	۱۰
۴	۱۵	۱۰	۵		۱	۱۴	۱۱	۸		۴	۹	۶	۱۵

۴	۱۴	۱۰	۷		۵	۱۰	۱۵	۴		۱۱	۸	۱	۱۴
۱۱	۶	۱	۱۶		۱۶	۳	۶	۹		۲	۱۳	۱۲	۷
۵	۱۲	۱۵	۲		۲	۱۴	۱۲	۷		۱۶	۲	۶	۹
۱۴	۳	۸	۹		۱۱	۸	۱	۱۴		۵	۱۰	۱۵	۴

۲۷۳	۵۲۲	۲۲۷	۲۲۲		۸	۱۱	۱۲	۱		۱۵	۱۲	۶	۱
۲۲۶	البصر	المرآة	۵۲۳		۱۲	۲	۷	۱۴		۲	۷	۹	۱۶
۲۴۴	الزوجة	الفتاح	۲۷۱		۳	۱۶	۹	۶		۳	۱۰	۸	۱۴
۵۲۱	۲۷۰	۲۳۵	۲۳۸		۱۰	۵	۴	۱۵		۱۴	۵	۴	۴

۶۳	۳۱۱	۳۱۷	۳۱۲		۱	ر	م	ز		ر	ر	س	ع
۳۱۶	باب	باب	۱۱۲		۵۳	۳	۱۰۲	۵۵		۶	۱۲	۱۰۲	۱۰۳
۲۱۳	باب	باب	۱۰۶		۵۹	۴	۱۰۴	۴۶		۱۱	۱۰۸	۱	۱۰۵
۱۱۰	۶۰	۲۱۵	۳۱۸		۱۰۰	۶	۲	۱۰۵		۵	۹۸	۱۱۰	۹



# در بیان قواعد اعداد

۱۸۹

و شایع رساله ابو یوسف ریجانی فرموده است که چهار عدد نوع  
 مربع چهار در چهار نداشتند غیر مکرر و در این رساله سی و دو  
 طریق بصورت نظم طبیعی نموده شده و چند صورت کرد باز تمام  
 فضل بدانکه در اصلاح و فغان مربع یا منظر است یا مضرب  
 چند نوع است نصفی است در بی و سدسی است یعنی بر عدد یک  
 خواهد بطریق سدسی وضع کند باید که یاد آورده خانه از نیک شروع  
 نمودن بر نظم طبیعی تمام کند بعد از آن عدد مطلوب به بیت دیک طرح  
 کند آنچه می ماند در خانه سیزدهم بنهد و نظم طبیعی تمام کند درست  
 خواهد آمد که اگر یکی به دو از دم خانه بصورت نظم طبیعی تمام  
 کند بعد از آن اگر ضلع ۲۱ طرح کند و بر عدد که خواهند باید  
 در خانه سیزدهم بنهد و تمام کند که فطر و ضلعش راست باشد

بر این مثال مثال این است  
 غنی هزار و شصت از یکی تا دو از دم  
 بصورت نظم طبیعی آمدیم و از  
 یک ضلع بیت دیک طرح کردیم  
 باقی هزار و سی و تهیه عدد را

۸	۱۱	۱۰۴۰	۱
۱۰۴۹	۲	۷	۱۲
۳	۱۰۴۲	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۰۴۱

باز در وضع عدد و مطلوبیت زیر اگر  
 در هر ضلع عدد و مطلوبیت بر صورتی باشد

در خانه سیزدهم نداشتیم و تمام کردیم برین طریق که نموده شد و الله  
 اعلم فضل در طریق نصفی و این چنانست عدد اسمیکه میخواهد

۱۴۰ در بیان قواعد اعداد

بگیرد و از آن عدد نصف طرح کند و باقی که نماید در مربع اگر یکی یا خانه هشت طبیعی ثبت کند بعد از آن هر چه ماند باشد در خانه نهم ثبت کند بطریق نظم طبیعی که وقت و اقطار و اضلاعش راست باشد و می باید که در عدد اصلی کسر نباشد برین مثال مسم دویست عدد است نصفش صد عدد طرح کردیم الباقی صد عدد باشد از یکی ناهشت بنظم طبیعی آمدیم هشت که از صد پرورد بود و در عدد ماند در خانه نهم ثبت کردیم برین مثال است

۸	۹۴	۹۷	۱
۹۶	۲	۷	۹۵
۲	۹۹	۹۲	۶
۹۳	۵	۴	۹۸

و اگر عدد کسری باشد در خانه سیزدهم بفرایند که راست آید برین طریق لطیف ۱۲۹ نصفش شصت و چهار طرح کردیم و از یکی تا خانه هشم بصورت طبیعی آمدیم و هشت اگر شصت و چهار که پرورد الباقی بنجاه و شش در خانه نهم بنهاریم و تا بنجاه دوازدهم آمدیم و در خانه سیزدهم باک عدد افزودیم و تمام کردیم برین مثال

۸	۵۸	۶۲	۱
۶۱	۲	۷	۵۹
۳	۶۴	۵۶	۶
۵۷	۵	۴	۶۳

فضل در طریق ربی و انجنانست از عدد مطلوب سی طرح کند و باقی بچهار قسمت کند و یکی بخش دیگر در خانه اول بنهد و بصورت نظم طبیعی تمام کند که وفق راست



## در بیان قواعد اعداد

۱۹۱

ابد علی صد و ده عدد است سی طرح کردیم باقی هشتاد مانند چهار قسمت کردیم هر قسمتی یک عدد است یک بخش در خانه اول نهادیم و بصورت نظم طبیعی تمام کردیم بدین طریق که نموده میشود و این طریق مربع راسته کسر واقع میشود چون

۲۷	۳۰	۳۳	۲۰
۲۲	۲۱	۲۶	۳۱
۲۲	۲۶	۲۸	۲۵
۲۹	۲۴	۲۳	۲۴

درستی سه کسر باشد یک عدد در خانه پنجم افزایش که وفق درست باشد و اگر دو کسر باشد در خانه نهم یکی

افزاید که وفق راست شد و اگر کسری باشد در خانه سیزدهم یک افزایش که وفق درست باشد و هر یک را امثال بار نمایم کافی صد یازده یک عدد کسراوشد و باسط هفتاد و دو عدد راست دو کسر دارد مثال صد و چهل و یک عدد است و سه کسرا باشد و بر یکی را مربعی بار نمایم اگر چه نمودار نموده شد است برین مثال است مثال بر سه شکل است

۳۵	۲۸	۴۱	۲۷	۱۷	۲۱	۲۴	۱۰	۲۷	۳۰	۳۴	۲۰
۴۰	۲۸	۳۴	۲۹	۲۲	۱۱	۱۶	۲۵	۲۳	۲۱	۲۶	۳۱
۲۹	۴۲	۲۶	۲۳	۱۲	۲۶	۱۹	۱۵	۲۲	۲۶	۲۸	۲۵
۲۷	۲۲	۳۰	۴۲	۲۰	۱۴	۱۳	۲۵	۲۹	۲۴	۲۳	۲۵

# ۱۹۲ در بیان مظهر و ذوالکتاب

فصل در طریق مظهر و ذوالکتابه و وضع اثناسی درین طریقه است  
 که اسمی چند در سطر اول از سطور مربع بعرض ثبت کند در خانه  
 راسته خانه و اگر خدا و باشد چنانچه چار در جبار شانه باشد چون  
 بنکارید و فوق راست این چنانچه یک دو و سه و چهار این حد  
 خانه اول باشد دیگر اینها از پنجم و ششم و هفتم و هشتم خانه  
 خدا دین دیگر ابتدا از نهم خانه کند نهم و دهم و یازدهم و  
 دوازدهم دیگر ابتدا از خانه سیزدهم کند سیزدهم و چهاردهم  
 و پانزدهم و شانزدهم تمام کند برین مثال

۱۰	۲۰	۱۰۰	۱۰۰۰
ی	ل	غ	م
۹۹۹	۴۱	۹	۵۱
۴۲	۱۰۰۲	۴۸	۸
۴۹	۷	۴۳	۱۰۰۱

و مثال این نوع را به انواع نگاشته اند  
 و شیخ ابوالعباس احمد بونی المغربی  
 رحمت الله علیه که درین علم از مشاهیر  
 است رساله نوشته موسوم بالواج

الذهب و دران الواح از آیات و اسماء در مربعات نگاشته  
 و تدبیر نموده و خواص بربک مربع نوشته اما درین کتاب  
 طریقه چند مظهر ثبت می کرد هر چند که درین قابل باشد تصرف  
 فردی تواند کرد فصل در خواص عدد زوج الزوج و فرد  
 الفرد بدانکه اینجا زوج الزوج و فرد الفرد یک مانند پس  
 معلوم میشود که مراد از زوج الزوج و فرد الفرد و جنب و طاق

مظهر



## در بیان خواص حروف ۱۹۳

فصد کرد است یا آنکه بگویم که هر دو میزان یا قص را درین هر دو قسم لاحق گفته باشند و الله عالم علام چند در این اصطلاح از وجهان که معلوم حوله شد اما عدد زوج الزوج اگر کسی خواهد که کسی را مطیع و فرمان بردار از خود کند چون قرناظر بعدین باشد این شکل پر کنند و عدد طالب مطلوب در آن ثبت کند چون طالب این مربع را با خوردن کا هد در مطلوبش حاصل شود بدین مثال اما خواص فردا فرد است که چون قرناقص النور باشد و ناظر به دخل بایند این

۱۶	۲۲	۲۸	۲
۲۶	۴	۱۴	۲۴
۶	۳۲	۱۸	۱۲
۲۰	۱۰	۸	۳۰

مربع پر کند و هر زن که با خود نکا هد در اوستن شود و عقیم نماید و اگر بیاعت نفس نوید و اسم شخصین در صحیفه دیگر

در مربع ثبت کنند تفریق در میان دو شخص افتد اما

۱۵	۲۱	۲۷	۱
۲۵	۳	۱۳	۲۳
۵	۳۱	۱۷	۱۱
۱۹	۹	۷	۲۹

باید که در گویستان یاد در مقام انسان دفن کند این است

۱۹۴ در بیان معرفت مجوم و ستارگان

فصل در بیان معرفت مجوم و ستارگان و معرفت سعدیه  
 بدان ای عزیز که حکمای یونان و بابل و هندوستان و مغربیان  
 منازل قمر را اعتبار تمام کرده اند و گویند از مصنفات هرمی  
 است که او را ادرسی بنی علیه السلام گویند و آورده است  
 که در کتاب اسطواطیس و کتاب طبایع و کلمات مخزون که  
 هر چارنابی که در این عالم ظاهری از خواص حرکات ستارگان  
 رکان است و جوهر ایشان که بعضی را با بعضی دوستی است  
 و روحانیان ایشان مستفیض میشوند از عالم اکبر هر مقدار  
 جوهریت ایشان و از انجا طبایع عالم و حیوان بتحرک مایه این  
 جمله مونس میشوند از فوت جوهریت ایشان را از خواص  
 افلاک یکی آن است که هر چه در زمین موجود است از چهار  
 و حیوان و نبات و انسان صورت آن در آسمان هست و هر  
 فیض که از حضرت فیاض حقیقی بر ستارگان فایض میشود  
 آن جمله فیض نعمه میرسد و از قلم بدان عالم همه اشیا بقدرت  
 قابلیت فایض میشود بحکمت عظیم الحکیم پس فرما با اصطلاح  
 حکما عقل فعال میگویند و هر به نیت و هفت روز در سم تمام  
 بروج روارده گانه سبر میکنند و در هر برخی او را د و منزل  
 است و زمین چنانکه نسبت و هشت منزل باشد و که بقا  
 و الم



در بیان معرفت نجوم ۱۹۵

وَالْقَمَرَ مَدَرْنَا هُنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ قَوْلَهُ  
 تَعَالَىٰ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حَسْبَانَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ  
 قَوْلَهُ تَعَالَىٰ كُلٌّ لِي فَلَكَ بِبُحُورِنَا قَوْلَهُ تَعَالَىٰ كُلُّ شَيْءٍ فَضْلَانَا  
 تفصیلاً پس بدین مقدمه هر مس‌علیه السلام فرموده که  
 بهتر از دانستن علم قمر و آسمان هر دو با فایده هر دو در دنیا <sup>ست</sup>  
 آینده تر نیست زیرا که فلك قمری نزدیک ترست هر گاه که قمر  
 در منزل باشد از این منازل بیت هشت گانه عمل کن از خیر  
 دشر و هر چه خواهی خواندن دعوات و اذعیثه که با حاجات قرین  
 بر حسب گویند دوزر مهیا شود طوا نسیه کندی بود او را  
 هیچ در بنور بطیموس حکیم ان کنبد را بکند یا بوی یافت در میان  
 ان کنبد از طلا در میان نابوی مصحفی دید و رقبای ان از  
 طبق طلا و بران نوشته بخط قدیم و کنده بخواندن را بهمان  
 زبان پیشینان بعد از ان نقل کرده اند بزبان یونانی بعد از  
 مدتی نقل کردند بزبان عبرانی و اکنون در تاریخ سنه اربع  
 و سبعین<sup>۱۶۴</sup> و مائة بفارسی کرده اند با هر فایده رسد و بعضی  
 گویند که مصحف قمر در کتاب ذخیره سکندی مسطور بود  
 و ذخیره اعمال طلسمات که حکمای پیشین ضبط کرده اند  
 و چون سکندر خروج کرده و سیر عالم میکرد بشهر بابل رسید

## ۱۹۶ در بیان معرفت منازل قمر

بدی روی رسیدند و در اینجا با پری بود انرا بشکافند مصحفی  
 دیدند که او راق از طلا بود و بخط قدیم نقش کرده بعد از آن  
 ارسطو حکیم آن خط را بخواند در او اعمال طلسمات و خواص  
 در جات و خواص منازل قمر بود و سکندر انرا عزیز میداشت  
 و منسوب شدید خیره سکندری و این است بیت هشت  
 منزل و خواص او در هر منزل الشرطین و چون ماه بدین  
 منزل رسد وجه مرغی است در ان ساعت عمل دشمنی باید  
 کرد و چون بمنزل بطین رسد سعادت است و اسفند و  
 وجه شمس است در روی عمل مهربانی و جمعیت و دوستی باید  
 کرد ثریا چون در این منزل رسد در روی عمل جدائی و هلاکت  
 باید کرد دبران و چون قمر درین منزل باشد برای بد  
 حال کرد از آنکه بالای این منزل غنی است هفقه این  
 ستاره سرخ است و وجه ماه است اندر این عمل شراب باید  
 کرد هفقه ستاره سفید است و وجه زحل دارد چون ماه  
 بدین منزل رسد بکنی هر چه تو خواهی از نیکی و بدی در دوستی  
 زراع این ستاره سعادت است با سرخی و وجه مشتری است  
 چون ماه بدین منزل رسد دشمنی عمل درندگان یعنی بگرفتن  
 ایشان نیک بود نثره این ستاره سعادت است بر یک

هنرم  
 ارورا



## در بیان منازل قمر

۱۹۷

سرخ است و وجه مریخ است چون بدین منزل رسد بارزگانی  
 و اب کار نیز نیک برد طرفه این ستاره سفید است  
 و وجه آفتاب است صید مرغان و کبکان و کبوتران دروی  
 نیک است چهار این ستاره سعادت و سفید است  
 و وجه زهره است چون ماه بدین منزل رسد گرفتن سیب  
 و موشان و رو باهان و جانوران سوراخی نیک باشد زهره  
 بارزبره  
 این ستاره نحس است بر وجه عطار است چون ماه اندر این  
 منزل رسد کردن طلسمات و دوستی را نیک بود و الار شمتی را  
 و بستن خواب مردی و هلاک و باری کردن صرفه این ستاره  
 سعادت چون قمر بدین منزل رسد عمل دوستی و هر چه خواهی  
 از خیر صلاح عوا این ستاره سعادت و سفید چون قمر  
 بدین منزل رسد و وجه زحل است عمل دوستی و هر چه صلاح  
 باشد هر شاید کردن سماک این ستاره سعادت و مستور  
 و سرخ است و وجه مشتری است چون ماه دروی بود بکن طلسم  
 دوستی و همربانی که نیک بود غفران این ستاره سرخ و وجه  
 مریخ است چون ماه دروی بکن طلسم بلازند و کزند کسی را که  
 خانه زبانا این ستاره وجه شمس است بکن طلسم جدای  
 و عقد و هلاک اکلیل این ستاره نحس است و وجه زهره است

## ۱۹۸ در بیان معرفت منازل ستارگان

عمل سردی را که از وی هر پیری است و شایسته است قلب  
 این ستاره سعد است و سفید است و وجه عطارد است  
 و ماه در این منزل شایسته است عمل و راعت را بیک است  
 شعله اوست همزوج بالسی و سعد شایسته است و صلت  
 و طلسم محبت را و دادن زهره فامل را نغایم سعد است و  
 سفید و وجه زحل است بکن در وی طلسمات دوستی و بر  
 انگیز عشق بلده سعد است ماه در وی بود طلسم محبت را  
 شاید سعد زامج این ستاره محس است و مریخ است  
 چون ماه در این منزل بود طلسم عقد را سعد بلع این ستاره  
 سعد است و وجه اقیاب است چون ماه اندرین بود بکن طلسمات  
 محبت و بیوستن بحر خوبی سعد السعور این ستاره بوجه عطارد  
 است چون ماه اندرین بود بکن طلسمات الفت و محبت و در هر  
 کارها نیکو بود اخبیه این ستاره وجه زهره است و ماه اندر  
 این شایسته باشد و طلسمات زمان بندی و هر عقد مکر باشد  
 مقدم این ستاره سعد است و وجه ماه است و ماه اندر وی  
 شایسته است طلسمات دوستی و بیوستگی را مؤخر این ستاره  
 سرخ است و وجه زحل است چون ماه در وی بود بکن طلسم  
 نیکو و عمل خیر و هر چه بخواید از وید دوستی هم در وی منفعت



## در بیان معرفت ستارگان ۱۹۹

هست و چون در مشا <sup>اید این ستاره سعد است بقضاء</sup>  
 الحاجه بکنی گردانیدن آنها و دوستی و کثارتن و الله اعلم  
 بتبیر چون خواص درجات و خطوط و کراکب و منازل قمر  
 نموده شد در خواص ساعات سختی صله گفت میشود بدان  
 ایغریز که در دکلمات بطلیسمی و بنیاس و صد بطاس واقع  
 است که هر کاریکه قمر منصرف شود از سعدین متصل  
 شود بعدی دیگر در این میان هر چه خواهند بکنند از  
 اعمال خیر و هر گاه که منصرف شود بخش دیگر بکشد از اعمال  
 شر هر چه خواهد حکماً این اخبارات کرده اند که هر چه  
 خواهند برین ساعات عمل کنند چنانچه اگر خواهند که عمل  
 عشق و محبت کنند بساعت زهره کنند و اگر بجمعه ن کنند  
 که همه خلق او را دوست دارد و قبول گردانند اندر روز  
 زهره بساعت عطارد کنند و اگر تعظیم و اجلال خواهند  
 میان خلق باید که اندر روزان کنند بساعت زهره  
 و ساعت قمر با جنان شود که نباید و اگر بجهت حاجب  
 سلطان کنند که از او بپرسند و میخواهد که از خوف وی  
 امین شود در روز شمس کند که ماه مسعود باشد و  
 بساعت مشتری بود اگر خواهد که او را بزرگت خلق

از مردمان اورا هیتی و خوبی باشد در روز مریخ کند و اگر از  
 مهران کند تازن و مرد اورا دوست دارند و هر چه از ایشان  
 خواهد بدهد اورا زهره کند ساعت مریخ و اگر دل کسی  
 از عشق خود بسوزند باید که اندر روز مریخ کند و ساعت  
 زهره و اگر خواهد که کسی را نیکو هداند روز قمر کند و  
 ساعت مریخ و اگر مهبه ان کند که با در خصومت غلب  
 اید اندر روز مریخ کند در ساعت زحل و اگر خواهد از  
 جهت کرمختن از دشمن اندر روز زحل و ساعت عطارد  
 و اگر از جهت نقل کردن از جای اندر روز زحل کند ساعت  
 عطارد و اگر از جهت دشمنی سخت خواهد اندر روز مریخ  
 کند ساعت مریخ و اگر جهت نقل کردن خواهد از خانه بخانه  
 و کرباع و حالی نزدیک اندر روز مشتری کند در ساعت زحل  
 اگر خواهد که کز کشاره نکرده اندر روز عطارد باید کرد در  
 ساعت زحل و اگر بجهت حاضر کردن جن و ارواح خواهد  
 بروز عطارد باید کرد در ساعت عطارد و اگر جهت رزق  
 و معاش کند در روز زهره و یا مشتری کند اگر طلب بنده  
 کرمید و غیره طلسم کرد نامه در روز قمر باید ساخت و ساعت  
 زحل از هر راندن و کرم بر آیدن کسی که هر کرد در جای خود





در بیان مطالب مهمه

از برای تسخیر

از برای تسخیر مطلوب بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَا جَامِعَ  
النَّاسِ لِیَوْمٍ لَا رَیْبَ فِیْهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُخْلِیْفُ الْمِیْعَادَ اِجْمَعُ  
بِیْنِیْ وَبَیْنِیْ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ اِنْ آیةِ مَعْظَمٍ رَادِرْ صَدِّ وَهَفْتَادِ  
در در مرتبه به نیت تسخیر مطلوب بخواند اول و آخر صلوات  
بفرستد با حضور قلب و تعیین وقت مجرب است و تعویذ

را بویید نزد خود باید راست فقط

ایضاً خاصیت سوره الم ترکیف از خواجہ معاد الدین نقل  
است اگر کسی راضی بیسی آید باید که روز شنبه بوقت نماز  
ظهر بکشد و پنجاه مرتبه بخواند البته مقصود حاصل شود  
اگر کسی که خواهد رزق او از غیب پیدا شود هر روز بیست  
مرتبه بخواند تا هفت روز رزق او از غیب پیدا شود  
جهت محبت بر طعام پنجاه مرتبه بخواند بخوراند بکسی  
انکس عاشق و مبتلا کرد و بی فرار شود و هر که هر روز  
پنجاه مرتبه بعد از نماز فجر بخواند البته که رزق او روز

فراوان  
سوره  
الم ترکیف

بروز زیار شود انشاء الله تعالی اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْمَ تَرْکِیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ یَا جَبْرِئِلُ  
یَا اَصْحَابَ الْفِیْلِ یَا حَنَانُ یَا تَکْفِیْلُ الْمَ جَعَلَ کَیْدَهُمْ  
فِی تَضْلِیْلِ یَا خَالِقُ یَا مَهْکَا یِیْلُ وَا رَسَلْ عَلَیْهِمْ طَیْرًا  
اَبَابِیْلَ یَا شَهِیْدَ یَا هَوَیْیْلُ تَرْمِیْمِ مِجَارَةً مِنْ بَیْیْلِی

فهم



## رُزْبِيَانِ شَنَاخْتِ بَرُوجِ ۲۰۳

شناخت  
بروج

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ بَاعْظِمُ بِالْوَمَاثِيلِ نَت  
 اِبْضًا حَلَّ نُورِ جُوزَا سِرْطَانَ اسَدَ سِنْبَلَه مِيزَانَ  
 عَقْرَبَ قُوتِ جَدَى دَلُو حُوتِ وَرَعَايَتِ قَمَرِ كَهْ دَد  
 عَقْرَبِ وَتَحْتِ الشُّعَاعِ نَبَاشِدِ نَبَزِ ضَرُورِ اسْتِ كَهْ دَرِ بِنِ  
 رُوزْمَا هِجِ كَارِ نَكْنِي وَقَمَرِ دَرِ عَقْرَبِ اِنْتِ كَهْ مَاهِ دَرِ بَرُوجِ  
 عَقْرَبِ بَاشِدِ طَرِيقَه اِنْتِ كَهْ مَاهِ دَرِ اِخْرِ مَاهِ دَرِ بَرُوجِ  
 مِيزَانَ بَاشِدِ وَ مَاهِ دَرِ هَرِ بَرُوجِ بَاشِدِ وَ بِنِمْ رُودِي بَاشِدِ وَ رُوزِ  
 اِخْرِ مِيزَانَ كَهْ مَتَّصِلِ عَقْرَبِ اسْتِ اِنْزَا طَرِيقَه مَبْكَو بِنِدِ  
 وَ تَحْتِ الشُّعَاعِ اِخْرِ مَاهِ رَا كُوبِنِدِ وَ حَسَابِ قَمَرِ دَرِ عَقْرَبِ  
 وَ طَرِيقَه اِز اَيْنِ بَيْتِ مَعْلُومِ مَبْشُورِ وَ اَكْرَسِيرِ اِقْتَابِ خَبْرِ  
 دَارِي بَيْتِ اِنْتِ

اِنْجَه اِز مَاهِ شَمِضَاعِ فِ كُنِ : بِنِجِ دِيكِرِ فَرَايِ بَرِ سِرْآنِ  
 هَرِ بَرُوجِي كَهْ اِقْتَابِ دَرِ رُوسْتِ : بَكِنِ اِعْزَازِ بِنِجِ بَرِ آنِ  
 بَرِ كِبَا مَنْتِي شُونَدِ عَدْرِ مَاهِ : اِنْجَا بُورِ بَقِيْنِ مَبْدَآنِ  
 اِبْضًا مَشَاهِدَه كَرْدَمِ نَسْخَه مَجِيْبِ بُونَشْتَه بُوْدِ مَجْرِبِ اسْتِ  
 اَرِ بِنْدِكِي مِيَانِ شَيْخِ اَحَدِ طَالِبِ بَتَارِيخِ نَمِ هَرِ مَاهِ كَهْ بَاشِدِ  
 دَرِ سَاعَتِ نَمِ بِشَاكِ وَ زِعْفَرَانِ وَ كَلَّابِ اَيْنِ نَقْشِ مَعْظَمِ

## در بیان رزق و روزی

۲۰۴

را پو کرده در هر جا که نگاه دارد و برکت و نعمت و روزی  
 بر او افزون تا باشد روزکوات و نصاب و غیره تا چهار روز  
 چهار ساعت معین کرده هر چه میتواند بخواند برای فراخی  
 رزق و روزی بسیار از نموده است اینست

الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۱۱	۱۸	۱۳	۷۴	۸۱	۷۶	۲۹	۳۶	۳۱
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۱۶	۱۴	۱۲	۷۹	۷۷	۷۵	۳۴	۲۲	۲۰
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۱۵	۱۰	۱۷	۷۸	۷۳	۸۰	۳۳	۲۸	۲۵
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۵۶	۶۳	۵۸	۳۸	۴۵	۴۰	۲۰	۲۷	۲۲
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۶۱	۶۹	۵۷	۴۳	۴۱	۳۹	۲۵	۲۳	۲۱
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۶۰	۶۹	۵۵	۴۲	۳۷	۴۴	۲۴	۱۹	۲۶
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۴۷	۵۴	۴۹	۲	۹	۴	۶۵	۷۲	۶۷
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۵۲	۵۵	۴۸	۷۰	۵	۳	۷	۶۲	۶۶
الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط	الباط
۵۱	۴۶	۵۳	۶	۱	۸	۶۹	۶۴	۷۱



# رد بیان کثایش کارها و رزق ۲۰۵

برای  
فروع

نوع دیگر جهت فروع و کثایش کارها و رزق با خود

۴۹	۵۹۲	۸۰۲	۴۹۷
۵۹۳	۵۲	۴۸۷	۲۱
۴۴	۱۰۰	۵۹۴	۵۱

وارد روزی او فراوان باشد  
نوع دیگر فوجات در سرف  
شمس این طلسم را بنویسد  
و در باره راست خود نگاه  
دارد اینست

برای  
وسعت  
رزق

نوع دیگر روی من النبي  
صلى الله عليه واله قال من  
اراد ان يوسع عليه الرزق  
ويبد عنه باب الفقر يكتب  
هذا الدعاء ويعلقه عليه  
او يكتبه في منزله او يقره

۵۳۲	۵۳۵	۵۳۸	۵۲۵
۵۲۷	۵۲۶	۵۲۱	۵۲۶
۵۲۷	۵۴۰	۵۳۳	۵۲۰
۵۳۴	۵۲۹	۵۲۸	۵۳۹

في كل يوم و ليلة ثلاث مرآة وهو هذا الدعاء  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ  
يَا رَبِّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اسْمُكَ  
بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ أَنْ يَرْزُقَنِي رِزْقًا خَلَالًا لَا طَبِيًّا  
وَإِسْعًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِفَضْلِهِ  
يُمِيتُ الْحَاجَاتِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ  
النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ





در بیان ارز یاد جاه و منصب ۲۰۷

۲۱۲۵۱	۲۱۲۵۵	۲۱۲۵۸	۲۱۲۴۴
۲۱۲۵۷	۲۱۲۴۵	۲۱۲۵۰	۲۱۲۵۶
۲۱۲۴۶	۲۱۲۶۰	۲۱۲۵۳	۲۱۲۴۹
۲۱۲۵۴	۲۱۲۴۸	۲۱۲۴۷	۲۱۲۵۹

اَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي حَلِيْبَ الْأَمْوَالِ وَحُصُوْلَ الْأَمْوَالِ نَيْتِ

بجست  
از یاد  
جاه  
و منصب

نوع دیگر از جهت ارز یاد جاه و منصب و دولت و ترقی  
عظیم در امور دنیا و آخرت از خط احدی بونی مغربی صاحب  
شمس المعارف کبیر باید که از روز یکشنبه که قمر زاید النور  
باشد تا چهل روز متوالی قبل از طلوع افتاب غسل نموده  
در برابر افتاب بایستد بهمین که افتاب طلوع کرد در صلوة  
بر محمد فرستاده شود و سه مرتبه سوره و الشمس را  
در برابر افتاب استاده بخواند بعد از آن پنجره این اسم  
بخواند خطاب با افتاب کند و حاجت خود را بخواهد و قدرت

الهی را مشاهده نماید اسماء اینست

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْأَعْظَمُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ  
أَنْتَ رَوْحٌ أَنْتَ فَاعِلُ النَّهَارِ وَرَيْسُ السَّمَاءِ سُبْحَانَ

برای  
بر آمدن  
حاجت

مَنْ صَوَّرَكَ وَتَوَكَّرَكَ فِي زِكْرِ جَلَالِي بِأَيْكَ دَوَّرَكَ  
نوع دیگر برای حاجت در وقت طلوع افتاب نقش یا باسط

### در بیان برآمدن حاجات

۲۰۸

یا باسط را نوشته در زیر آن نور است نگاه دارد و این  
 تسبیح را اجب یا جبرائیل بحق یا باسط ۲۱۶ بار بخواند  
 و آن از زانو کشیده بر سر نهد یا تقطیم تمام اول بر هر دو  
 چشم نهد و بعد بر سر نهد بعد از آن نقش یا باسط  
 هفتاد و مرتبه بکند و وقت برگردن از آجا تمام آنچه  
 میتواند بخواند و در آب پاک بشوید و آن آب را در آب  
 جاری که تو میروی در آن انداز تا هفتاد و دو روز این عمل  
 کند بعد هر روز یک مرتبه نقش یا باسط بکند و در خانه  
 خالی پنج مرتبه بنویسد از غیب باو برسد نقش یا باسط

نوع دیگر برای کثایش رزق این چهار  
 اسم از نوره نام کشیده بر کاغذ بنویسد  
 بیش خود نگاه دارد و بخواند البته  
 رزق او وسیع شود ولیکن روز قمر

انیت ۴۱

۱۸		۶
۱۲	۲۴	۳۶
۴۲		۳۰

برای  
کثایش  
رزق

فَتَّاحَ	رِزَاقَ	غَنِي	كَافِي
۱۰۶۱	۱۱۰	۴۹۰	۳۰۷
۱۰۹	۱۰۵۸	۴۰	۴۹۱
۳۰۹	۴۹۲	۱۰۸	۱۰۵۹

بر ساعت قمر بنویسد  
 مجرب است و از موده است  
 والله عالم بالخفيات



## شرح سوره زبور داود ۴

۲۰۹

شرح سوره زبور این سوره آیت از زبور که بدو در علیها سلام  
آمده بزبان سریانی نقلت از این عباس رضی الله عنیه این سوره  
بزبان عربی نظم کرده و گفت من این سوره را خواندم تو ملکر  
شدم ترسان بودم ایمن شدم فقیر بودم مالک شدم در دنیا  
اینچه خواستم خدا تعالی عطا کرد و این سوره فاضلتی در همه سوره ها  
زبور هر که این سوره را بخواند هر چه را دوست دارد مالک شود  
و درجه او در درجات همه خلافت بلند کرد و خدا تعالی او را از ان  
بندگان گرداند که در دنیا و آخرت از ایشان راضی باشد اگر بنده  
خواند از اد کرد و اگر فقیر خواند غنی گردد و اگر زندانی خواند خلاصی  
یابد و اگر از اهل وطن دور افتاده باشد بوطن خود باز گردد  
و اندوه کین خواند فرج یابد و اگر کنه کار خواند خدا او را بخشد  
و اگر بیمار خواند شفا یابد و اگر از سلطان ترسد ایمن شود و اگر  
دشمنی افتاد باشد خدا او را خلاصی دهد و اگر این سوره را  
بی طهارت بناید خواند در هر گاه حضرت داود این سوره را  
خواندی گریستی و کوهها بادی بگریستندی و درختان سجده  
کردندی و مرغان از پریدن باز ماندی و ماهیان از دریا  
بگنار افتادندی و کوش باز داشتند و هر گاه داود را غمی

۲۱۰ شرح رُبُورِ دَاوُدِ ۴

بیش آمدی این سوره را بخواند پس مسجدی کرده گزیدی هنوز سر  
از مسجد بر نداشتی که محم او کفایت شود و الله اعلم  
چنین گفتند ما را اهل استاد : بروح پاک ایشان نور حق یاد  
که بود اندرز نوحی سبحان : مبارک سوره مانند رحمان  
بیا برگز خدا باد آوردش : ز نور قدسیان بگرنده بودش  
که فاروشن شود بر هر کسین روز : درین فیض کرد بر همه باز  
پس این نظم کرده ابن عباس : که او در علم بود افضل الناس  
روایت دیده ام دیگر از استاد : پس رحمت بروح رارویان یاد  
که با نظم این دعا از آسمانست : عرب را نیز این صورت عیانست  
بصبر رود صغیر پاک هویدا : نوشته بود این بر سنگ پید ا  
نه این از آدمی منقول گشته : نه از جن دملک منقول گشته  
پدید آمد نفوس از کلک تقبیر : بغیر از رحمتی تقبیر و تفسیر  
خدای کو چنین کند بر ارد : تواند نقش بر سنگی نگارد  
هر آن سومن که این منظوم خواند : ز نهر بیچ حاجت در نماند  
بروز حرب که خواند سپهدار : شود خلیف فخر و نصرتش بار  
چنان بگریزدان خصم از بری او : که نماید بار دیگر در بری او  
اگر بنزدیت بندی وی کشاید : چو بیماریست بروی صحت آید



## در بیان شرح سوره زبور داودی

۲۱۱

- شفا یابد اگر بخور خواند : بیاید و صل کر مہجور خواند  
 اگر افتادہ خواند بر سری راہ : سلامت بگذرد زانجا بصحرا  
 و کرد در دشت ہامون سم ناک است : چو این خواند زافتہا چہ پاک است  
 اگر کمراہ خواند راہ یابد : و کر نشنہ بخواند چاہ یابد  
 و کر مغلس بود کرد تو انکر : میان مردمان ما بشد مغز  
 اگر بر دیو خواند آدمی زار : گرنیزد زین دعا آن دیو چون باد  
 و اگر از پادشاہ خوف دارد : خدا اندر دلش مہری گمارد  
 و کر کشتی بریا مانده باشد : روان گردد چو کس این خواند باشد  
 و کر از آسمان باران بنارد : بسوی آسمان دستی برآرد  
 بخواند این دعا بری براید : کہ از دی ہر طرف اہی فراید  
 و سر باران ز باریدن نماند : بخواند این دعا تا باران ماند  
 و کر خواند کسی این را چہل روز : سوز از بخت عوز در دہر فرود  
 کسی کرد ایم این سورد بخواند : ہمیشہ در آمان از حق بماند  
 بہر نیت کہ خواند این دعا را : روا کرد ہمیشہ حاجت اورا  
 دعایش رد نکرد تر و باری : بہت آرد امور شہر باری  
 ہمیشہ مقبل و منصور باشد : جفا از دات پاکش دور باشد  
 اگر اسناد این را باز خواند : نکر در منصرم حیران بماند

۲۱۲ شرح صوره ر بورد اود ۴

با فزاين دعا خوانده گان بار : درودی مصطفی کوهست مختار  
بخوان سگين يقين اکنون دعا را : بدان معنی باين منظومها را  
بسم الله الرحمن الرحيم

أَنَا الْمَطْلُوبُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي : فَإِنْ تَطَلَّبْتُ سِوَايَ لَمْ تَجِدْنِي  
هر که هر روز چهل و یک بار بخواند صاحب نصیب گردد

منم موجودای طالب کجائی : چو در حضرت مادر بنیائی  
بجوی غیر ما راهی گاهی : اگر شایسته درگاه مائی  
راهی که خواهی یافتن تو : کنی با غیر من کس اشنائی

از برای طلب حاجات از پادشاهان سبده شصت بار بخواند

أَنَا الْمَقْصُودُ لَا تَقْصُدْ سِوَايَ : كَثِيرُ الْخَيْرِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

چون مقصود باشم هر دو عالم : بجوی غیر مای بنده هر دم  
خلایق را منم خلاق بیشک : ز من موجود شه هوا و آرم

اگر جویی مرا فی الحال یابی : من این در را ایمان بر تو کشم  
أَنَا الرَّبُّ الَّذِي يَجْزِي عَذَابِي : جَمِيعُ الْخَلْقِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

من پروردگاری جمله موجود : ترا جز من نباشد هیچ مقصود  
بزنسند از عذاب من خلایق : خلایق را بجز من نیست معبود

اگر جویی مرا فی الحال یابی : که طالب نیست زین درگاه مردود

از برای



شرح سوره زبور داود ۲۱۳

از برای بزرگی و رفعت دو هزار بار بخواند

مَجِدُّنِي رَاحِمًا بَرًّا رَوْفًا : بِكُلِّ الْخَلْقِ فَأَطْلُبُنِي مَجِدُّنِي  
رود و راحم و بر و برکس : منم موصوف این او صاف راس  
اگر جوئی مرا فی الحال یابی : کسی مانع نخواهد بد ترا کس

از برای هشتم ظالمان هزار بار بخواند

مَجِدُّنِي وَاسِعًا لِلْخَلْقِ عَبْدِي : اَنَا الْمَذْكُورُ فَأَطْلُبُنِي مَجِدُّنِي  
فراخی در جهان از من بیاید : امور ستها از من کشاید  
من مذکور ذکر من هم کوئی : که کار تو ز غیری کی براید

اگر خشکین هستی باشد سجد بار بخواند

مَجِدُّنِي وَاحِدًا صَدًّا عَظِيمًا : كَثِيرًا لِرَبِّ فَأَطْلُبُنِي مَجِدُّنِي  
کثیر الخلق دیگر کار سازم : عظیم الملك دیگر بی نیازم  
اگر جوئی مرا فی الحال یابی : که من ستارم و بنده نزارم

از برای ظالمان هزار بار بخواند

مَجِدُّنِي مُسْتَعَانًا ثَابِتًا مَعِينًا : اَنَا الْقَهَّارُ فَأَطْلُبُنِي مَجِدُّنِي  
منم یار درس در مانده گانزا : منم قهار و قاهر در جهان را  
اگر جوئی مرا فی الحال یابی : منم رحمان هر غاصی و زانی

اگر دفع عینی چهار بار بخواند دفع شود

اِذَا اَنَا الْمُضْطَّرُّ قَالَ الْاَتْرَابِي : نَظَرْتُ اِلَيْهِ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

اگر بیچارہ میکویہ کہ یارب : بسوئی من بہ بین از لطف منت

بہ بینم در زمان سوش باعنا : کتم بر تو ہیبتہ عز و منصب

اگر جوئی مرا فی الحال یابی : ایا مطلب تجز من نیست مطلب

اگر گناہ کبیرہ کردہ باشد بسیار بخواند عفو کرد

اِذَا اللّٰهَفَانُ نَادَانِي كَظِيمًا : اَقْلُ لَبِيْكَ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

کراند وہی رسد مارا بخوانی : کتم لبیک کر چه توہ ندانی

اگر جوئی مرا فی الحال یابی : منم رحمان ہر عاصی و زانی

از برای امرزش نضرع در زاری صد بار بخواند

اِذَا عَبْدِي عَصَانِي لَمْ تَجِدْنِي : سَرِيْعَ الْاِخْتِارِ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

کہند کاری اگر ارد گناہی : نیارد توبہ تا رسالی و ماہی

نکیرم در زمان او را بعضیان : دہم او را حکم خود پناہی

برای فرزند شدن بسیار بخواند از برای نور روز جمع ہزار بار بخواند

فَاِنْ هُوَ تَابَ تَبْتُ عَلَيْهِ عَبْدِي : اَنَا التَّوَابُ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي

پس انکہ گو کند توبہ گناہی : کتم بر دی بہ بخشایش نکاہی

چنان ملکی دہم او را بخت : کہ نبود انچنان ملکی و شاہی

از برای حاجات بعد از نماز جمع ہزار بار بخواند بیشک ردا شود

وَمِنْ مِثْلِيْ وَ اَيْنَ يَكُوْنُ مِثْلِيْ : وَ لَيْسَ يَكُوْنُ فَاَطْلَبْنِي تَجِدْنِي



شرح سوره رنور داد هم ۲۱۵

کبو مسلم کجا باشد نباشد : بجز من کس خدا باشد نباشد  
اگر خواهی مرا فی الحال یابی : بجز من اینچنان باشد نباشد

برای دولت و برای ظالم هزار بار بخواند

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْآفَاقِ سَوَاءٌ : أَنَا الْمُنَانُ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي

بیایستاب سوی من بزاری : که جز من خالق دیگر نداری

مجوی غیر من در پیکارهای : بخاطر ناامیدی را نیاری

از برای آتش روزخ سیصد بار بخواند

أَتَذَكَّرُ لَيْلَةً نَّأَدَيْتَ مِيرًا : أَلَمْ أَسْمَعْكَ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي

اگر یادم کنی در شب نهادم : ترا از لطف حوز هر دم بخوانم

اگرجوی مرا فی الحال یابی : که من نزد یکم هستم از رک و جان

در شب صد مرتبه بخواند هر حاجتی بطلبد بیاید

وَلَيْسَ يَجْلِيكَ الْغُرُوسُ عَيْرِي : أَنَا الرِّزَانِي فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي

ترا در جنت الغرورس سکن : که می بخشد بگوای بنده جز من

اگرجوی مرا فی الحال یابی : ترا جز حضرت مانیت با من

برای ایمن شدن خوف خلافت هزار بار بخواند

أَهْلَ فِي الْخَلْقِ مَنْ يُعْطَىٰ جَرِيًّا : سَوَاءٌ لَيْسَ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي

بجز من کس عطائی را نه بخشد : جهان مرا کدائی را نه بخشد

اگرجوی مرا فی الحال یابی : که جز من کس شغائی را نه بخشد

۲۱۴ شرح سوره زبور داود ع

بجهت توانگر شدن بیت هرگز بار بخواند

اتَعْرِفُ غَافِرًا لِلذَّنْبِ عِبْرِي ۖ اَنَا الْفَقَارُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

بخیز من ساری هرگز نباشد ۖ بجز من غافری هرگز نباشد

اگر جوئی مرا فی الحال یابی ۖ بجز من قادر هرگز نباشد

رای عم دنیا و اخرت بسیار بخواند

سَأَغْفِرَ لِلْعِبَادِي وَلَا ابَالِي ۖ عَذَابُ الْحَشْرِ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

بیا موزم بفرمای قیامت ۖ تمامی مومنان را از کرامت

تو باشی خورم و خندان در اینجا ۖ بدست میده هم ملک تمامت

اگر چه مهم خوف باشد بگذر بار بخواند

وَ الْكِرَامُ مَنْ ارَادُوا بِالْاِحْسَابِ ۖ اَنَا الْوَهَّابُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

کنم برتر هر کس را که خواهیم ۖ که من مجموع خلقی را پانم

اگر جوئی مرا فی الحال یابی ۖ بدین ای بنده من نیکو الیهیم

هر که پیوسته بخواند مرتبه او بلند شود

تَعَزَّزْتُ فَلَمْ تَرْفَعْ مِثْلِي ۖ وَلَسْتُ تَرَاهُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

عزیزم من ترا عز است رایم ۖ هدایت من بود هر خلق قائم

اگر جوئی مرا فی الحال یابی ۖ بجز ای بنده کردی چون بنایم

اگر بوقت با عداد صد بار بخواند نعمت بی پایان بیاید

وَ الْكِرَامُ مَنْ يَتَوَبُّ اِلَى خَوْفًا ۖ لِي الْاَكْرَامُ فَاطْلُبْنِي تَجِدْنِي

زیم من اگر کردی بشمان ۖ نردد فاطمه هرگز پریشان

اگر جوئی



شرح سوره ذبور داود ع ۲۱۷

اگر چوئی مرا فی الحال یابی : که هر دو سوار من گردانم با سان  
برای درد شکم صد بار بخواند برای طلب دنیا بعد از با بداد هزار بار بخواند

لِي الْآلَاءِ وَالنِّعَمَاءِ عِبْدِي : لِي الْخَيْرَاتِ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي  
مرا ای بنده نعمتها تمام است : کنم و اصل بنو هر صبح و شام است  
ز من خیرات جاری هر زمانست : نگر انعام من بنده که عام است

از برای غایب صد بار بخواند  
لِي الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا جَمِيعًا : لِي الْمَلَكُوتِ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي  
مرا ملکیت این دنیا و ملکوت : مطیع من بود تا سوة و جبروت  
اگر چوئی مرا فی الحال یابی : کسی در ذکر من شوگاه لاهوت

از برای کرامت شدن صد بار بخواند  
اعْرِفْ مَنْ لَهُ اسْمٌ كَأَسْمِي : أَنَا الرَّحْمَنُ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي  
چو نامی من کسی را نام نبود : بجز من هیچکس علام نبود  
منم آن مهربان که رحمت من : جوان و پیرو بی انعام نبود

اگر بفقرو فاقه مبتلا شود بسیار بخواند  
أَنَا اللَّهُ الَّذِي لَا شَيْءٌ مِثْلِي : أَنَا الدَّيَّانُ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي  
جاندم من کسی باشد نباشد : بجز من کو کسی باشد نباشد  
اگر چوئی مرا فی الحال یابی : چو من دانا کسی باشد نباشد

در جهت بزرگی و رفعت پانصد بار بخواند  
أَنَا الْمَلِكُ الْمَوْلُوكَ وَكُلِّ مَلِكٍ : لِي الْمِيرَاثِ فَأَطْلُبُنِي مُجِدِّي

## ۲۱۸ شرح سوره زبور داود

منم شاهي همه شاهان دروران ؛ مرا ميراث باشد جمله زایشان  
اگر جوتي مرا في الحال باي ؛ چو مبرانم چه سان کردند پریشان  
از برای دفع قرض سبده بار بخواند

أَنَا أَفْتَى الدُّهُورَ وَقَبْلَ قَبْلٍ ؛ وَبَعْدَ الْعَبْدِ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي  
بقا نبود کسی را جز که مارا ؛ کنم پیرا بعالم چون فنا را  
اگر جوتي مرا في الحال باي ؛ برای رحمت دیگر عطارا

از برای خلاص شدن محبوس سبده بار بخواند  
أَنَا الْوَهَّابُ يَا عَبْدِي سَرِيًّا ؛ وَفِي الْعَهْدِ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي  
کنم دایم همه ندبیرهارا ؛ کنم من عفو هر تقصیرهارا  
من بر عرش مستوفی همیشه ؛ حکمت کرده ام ندبیرهارا

از برای محبت مردودن هزار بار بخواند  
أَنَا الْغَزْدُ الْمُدْبِرُ فِي عَرْشِي ؛ بَلَاءُ التَّكْلِيفِ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي  
مگر عهد من هرگز شکسته ؛ به مومن عهد من پیوسته بسته  
کسی کورایم این سورد بخواند ؛ همیشه در آمان حق جانند

وَأَرْحَمُ مِنْ عِبَادِي عَنْ عَصَانِي ؛ جَعَلَ مِنْهُ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي  
هر که بسیار خواند این را همه کس بروی سران در رحیم شوی  
أَعْرِفَ مِنْ لَهْ أَسْمِ كَاتِبِي ؛ إِنَّا الرَّحْمَنُ فَأَطْلُبُنِي مَجْدِي  
بر که را رنجی رسد مبت و بلیبار بخواند در دست خود رسد



اعْرِفْ مَنْقِدًا غَيْرِي سَرِيعًا : مِنَ الْهَلَكَاتِ فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

هر که در هلاکت افتد بخواه بار بخواند عدا من شود

اعْرِفْ مِنْ يُعَلُّ لِلشَّيْءِ غَيْرِي تَكُنْ فَيَكُونُ فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

هر که هزار بار بخواند هر حاجت که خواهد در کن فیکون روا شود

اعْرِفْ سَائِرًا لِلْغَيْبِ غَيْرِي اَنَا السَّتَارُ فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

هر که را غایب باشد چهل و یکسوت بخواند غایب را در خواب ببیند

اَنَا الرَّبُّ الَّذِي لَا ظُلْمَ عِنْدِي : وَلَسْتَ اجْرُؤًا فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

تَلَا يَجِيئُكَ يَا عَبْدِي سِوَايَ : مِنَ النِّيرَانِ فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

هر که در وقت سحر این را بسیار بخواند از دوزخ نجات یابد

تَجِدُنِي فِي سَجُودِكَ حِينَ تَدْعُوهُ : وَحِينَ تَقُومُ فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

هر که در سجود سیصد بار بخواند مرادی که داشته باشد روا شود

تَجِدُنِي فِي سِوَاكِ اللَّيْلِ عَبْدِي : قَرِيبًا مِنْكَ فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

هر که در بیابان تنها مانده باشد چهار صد بار بخواند امن شود

اِنَّا لِلْعَبْدِ اِرْحَمُ مِنَ الْخَيْرِ : وَمَنْ اَبْوَيْهِ فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

هر که از پادشاه یا ظالمی ترسد با نصد بار در مقابل او بخواند

اِنَّا الْمَلِكُ الْمُحْسِنُ جَلَّ قَدْرِي عَظِيمَ الْقَدْرِ فَاطْلُبْنِي بِحَدِيثِي

هر که ده هزار بار بخواند در میان خلافت عزیز و کرم شود

در بیان فالنامه در علم رمل

أَنَا الْمَعْبُودُ لَا تَقْبُدُ سِوَايَ : إِيَّا الْجِبَارَ فَأَطْلُبُنِي تَجِدُنِي  
هرگز آبنده اگر بخینه باشد هزار بار بخواند بر کرد

کسی که در ایم این سوره بخواند : همیشه در امان عن بانه  
اگر خواند کسی این را چهل روز : شود از بخت خور در هر فرود  
دعایش رونگرد نر ز باری : بدست از و امور شهر باری  
همیشه مقبل و منصور باشد : بلا از ذات پاکش دور باشد

تمت

فالنامه رمل بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باید که چهار سطر نقطه کشد و دو طرح کند اگر یک ماند  
فرد و اگر دو ماند زوج گیرد یک شکل پیدا شود بران حکم کند  
..... لعیان مشتری است و شکل اول ایائل

برای سفر رفتن خوب است فایده یابی و از مردم کلان نفع  
است و از جای چیزی رسد که باعث خوشی و قتی و راحت  
و مرادها باشد و غایب تو بطرف مغرب است و کریمه رود  
آید و خواب که دیده تعبیرش نیکوست و بیمار را نظر پویان است  
برنج و شکر صدقه دهد صحت شود بز فتنه الداخل


در علم رمل

لعیان

فتنه الداخل

منس است و شکل دوم ایائل بشارت بار اندیشه  
دل تو نیکوست بمراد خودرسی و سعادت یابی در طالع  
انقر



فراغت است و بر محبوب زنی یا غایبی که دل تو با او نگران است  
 سعادت های بسیار دست دهد و طلب مال نیک است بر روزی  
 حاصل شود اگر آرا ده که خدائی داری نیکو است مراد تو بر آید  
 جهت سفر مبارک است از جمیع نیکی رسد اگر حیوان خواهی بکیر فائده  
 دهد و بر روز یکشنبه از احوال ضمیر واقف کردی و بعد از نذر روز عید  
 رسی و فسادی نباشد محبوس و حامله خوف دارد و بیمار را نظر  
 دیوان و پریان شده است حبت و نقره صدقه دهد صحت شود  
 رتبه قبض الخارج ذنب است و مشکلی سیوم اینان دلایل این  
 است که از نظامان جو رو ستم دیده باشی تلف مال شود بعد از  
 چند روز کار بالا شود و دشمنان مغمور شوند و دوستان شتا  
 کردند چندی صبر کنی شتابی مکن بعد هفته کا تو نظام گیرد و از  
 غم خلاص یابی از رنج بسیار غم مخور که کارهای تو نیکو شود  
 جهت غایب که دل تو نگران است روزه برسد عزم سفر مکن  
 خوب نیت کم شده و کرم نخته را مشکل بود که بدست آید بی شمار  
 را نظر دیوان و پریان است حبت و نقره و برنج صدقه دهد البته  
 صحت شود جهت علم مرو کم حاصل شود اگر سؤال زن کردن  
 است صبر کن محبوس خلاص شود چون ترا کسی رنجاند  
 صبر کن تا نصرت یابی آخر الام  جماعت عطار دست

قبض الخارج

جماعت 

## ۲۲۲ در بیان علم رمل

و شکل چهارم ایسائل اکنون دل شاد کردی و مشورت بادوستان  
 و اختلاط با مردم می بینم اگر غم رسیده باشد حالا خلاصی یابی  
 از بهرام ملاک و میراث جمعیت می نماید زراعت نیکو است کا  
 رهای تو درست کرد اگر سوال از سفر است نیکو می نماید  
 غایب تو بزودی برسد بیمار اسبب کاهل یافته در چهار راهی  
 قدم برد فینه چیزی سبز و پنبه و نیشکر صدقه دهد صحت  
 باید کسی میخواهد که با تو دوستی کرده ترا باری دهد حدیث کن  
 روز چهارشنبه احوال ضمیر معلوم خواهد شد و بعد بیت روز  
 بدعا خواهد رسید عروسی و تحصیل علم را نیکو است جمعیت دست  
 دهد محبوس و حامله در بخور و رابد است و اغلب که حامله دختر  
 زاید فرج زهره است و شکل پنجم ایسائل بشارت باد  
 که از عمها دسی و مقصد حاصل شود چهار روز صبر کن از غم  
 بیم کردی و هر چه طلب داری بیای حق سبحانه و تعالی در بسته بر  
 تو بکشاید و دلیل مراد یافتن است روز دیند احوال ضمیر معلوم  
 شود طلب فرزند نیکو است حاصل شود فرحت دست ابد  
 سفر کردن خوب نیست توقف کن و از تجارت مال حاصل کن  
 و کم شده و کریمخیز بازاید دشمنان مقهور شوند و ترا فتح دست  
 دهد بیمار نظر بر بیان شده بار چه سفید برابر قدر حتی و طعام  
 و طعام

فرج زهره



## در بیان علم رمل

۲۲۳

و طعام نظر پر بیان دهد رنجور و امید و حامله و غایب را نیکو است  
 وزن کردن عشق بازی است  $\equiv$  عقله زحل است و شکل ششم  
 ایسانل دشمنان تو بسیار اند میزاهند بر توافقی رسانند و نمی توانند  
 اشفتگی و سرگردانی بسیار بر تو رسیده است صبر باید کرد و کجند  
 سیاه و غله سیاه صدقه بده تا از بلاها خلاص شوی و غم مخور  
 کارهای تو نیک خواهد شد عزم سفر مکن و غایب تو رسد و نکاح  
 و شرکت کردن را نیکو است بیمار را نظر کهرتربال است کاومیش  
 و روغن سیاه و آهن و ساو و ماش صدقه دهد صحت یابی از  
 هر جماعتی که ریغ کشیده باید که از شخصی رزد کونه حذر کنی و  
 از شخصی کتدم کون که میگوید قبول کن که نیکو خواه است تا براد  
 رسی و خرید و نکاح و معاملات را نیک است و بنده را بدست  
 اند و رنجور و حامله سخت زاید  $\equiv$  انگیس زحل است و  
 شکل هفتم ایسانل کار تو بسته و ریغ بسیار کشیده میگوی که  
 کار من چگونه شود چند روز صبر کن اما دل خوش دار بعد اراده  
 روز کار نیک کرد و برادر رسی و بیغم کردی از سفر ناامل کن  
 و غایب تو رسد و از بهر نکاح و شرکت کردن نیک است اگر  
 سوال مال بطور مشکل بدست آید از دوستی دوستان حذر کن  
 و از دشمنان نیز و رنجور در خطر نظر سنک است غله سیاه و

۷  
 انگیس  
 $\equiv$

و ماش و روغن کنجد سیاه و قلوب سیاه صدقه دهد صحت  
 یابد روز شنبه از احوال ضمیر واقف کردی و دقت خرد را بسلامت یابی  
 بیمار و حامله را مشکل است اما نیکو خواهد شد جهت خریدن ملک  
 و چهار پایه وزن گرفتن بعد از ده روز نیکوست عمره مرغ  
 است و مشکل هشتم ای سائل مراد دیر حاصل شود دلیل بر چنگ و  
 خصومت واقف دقت انگیزی است باید که ازین اندیشه دور  
 باشی صبر کن زیرا که ظالم توبه است بعد از یک ماه نیکو  
 کرد قومی که با تو مقاومت دارند فساد بر پا کنند بی تقوی نباشند  
 بود که دشمنان بر تو ظفر نیابد و از غم بیرون آئی و سفر را بدست  
 مرد کار بسته دال و مخور و در چوب و پارچه بیمار صدقه دهد  
 صحت یابد طریق قمر است و مشکل شانزدهم ای سائل اگر نیت  
 سفر داری مال داری آید غایب رود برسد در خریدن  
 و فروختن منعفت یابی زن خواستن و عشق باری کردن بسیار  
 نیک است نوزده روز صبر کن بعد از چهارمادی که داری بر آید  
 در بخور و محبوس و حامله در بیکر امید را بعضی بهتر و بعضی خدا  
 وند هم بیمار را دخل اسبب درد کم بود طعام شربین پخته صدقه  
 دهد صحت یابد والله اعلم بالصواب خب

عمره  
==

عمره  
.....



فصل در حاضر کردن پادشاهان و غیره چون خواهد که هفت  
 پادشاهان جن را حاضر کنی و هر چه گوی بعلی آرند در ملک هر  
 که رعیت هر که باشد آن را حاضر کرده بسوزند پس باید که  
 این فلیه را نوشته در چراغ نواب نارسید از پنبه نوبچیده  
 باروغن تلخ بوزن و آثار درخاته خالی و پاک و طرف جنوب  
 از کلی پاک کنه در کر در رسید و یک سبوحه اب نارسیده  
 و از کون کرده در آن لیده نگاه دارد و بالای آن سکوره  
 اب نارسیده بنهد و روی فلیه طرف شمال کرده در آن  
 سکوره مدارد و قدری کل خوشبوی بیش فلیه اندازد و  
 بخورات دیگر بسوزد و مریض را مستقبل فلیه نشاند که  
 از گوشه چشم سوی فلیه معید معید یدیده باشد بعد روغن  
 مذکور انداخته فلیه روشن کند و خود نشسته بعد از یکدو  
 ساعت قدری روغن خوشبوی بر شعله فلیه انداخته و  
 دعوای بر خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دعای  
 حضرت سلیمان بن داود علیه السلام و بزکان دیگر بدهد  
 و بگوید که هر اسبی و بلای که در وجود فلان بن فلان از  
 او میدهد درین فلیه حاضر کرده بسوزانید پادشاهان حاضر  
 شده هر چه خواهد بود خواهد سوخت و سوال و جواب خواهند

۲۲۴ در بیان دفع صرع

کرد این است یا طیور یا طیور یا دیوسا یا دیوسا فرعون  
ها مان نمرود شدار الایجفی دریدح اسدا اصل حلوم ۴۴  
 ولا طور دملها سارکة بحق و اطوان العین و اهرب یا طیطوا  
 یا طیطوا و سلمها یا طیوسا فیو یا طیور یا طیور یا دیوسا یا دیو  
 سا فرعون ها مان نمرود شدار الایجفی دریدح اسدا اصلی  
 حلوم ۴۴ ولا طور دملها سارکة بحق و اطوان العین و  
 اهرب یا طیطوا یا طیطوا و سلمها یا طیوسا فیو یا طیور یا طیور  
 یا دیوسا یا دیوسا فرعون ها مان نمرود شدار الایجفی در  
 یدح اسدا اصلی حلوم ۴۴ ولا طور دملها سارکة بحق  
 اطوان العین و اهرب یا طیطوا یا طیطوا و سلمها یا صیوسا فیو  
 سو ختم ریران و پریان و جنان و جنیان و چوکیان و خبیسان  
 و مخیشان و عفر بیان و مفرعون نوشته دینر و سحر و سواس و  
 کرده و تلبیس و ارواح خبیث و جمع شیاطین که در وجود فلان  
 بن فلان عادت و مستولی شده باشد درین فلیتها در اید و  
 بسوزد این فلیته را نوشته بدستور سابق در روغن کچند  
 و روی فلیته طرف جنوب کرده و پشت طرف بر دیوار و مریض  
 رو بروی فلیته بشیند و بسوزاند و دیگر شرایط بطور فلیته سابق  
 است پادشاه اید حاضر شود و هر چه بن بسوزاند در مریض

در بیان  
و جوان



# در بیان دفع صرع

۲۲۷

سؤال وجواب نماید د الله اعلم

در بیان دفع صرع در بیان و در بیان و در بیان

در بیان و در بیان و در بیان



مقدمه		ما کیوت	
الوان		لوردون	
۱	۱۱	۱۹	۳
۱۰	۱۲	۹	۱۴
۱۸	۴	۱۱	۸
۵	۲۱	۶	۲۰
۱۲	۷		

بجای بنویسید کتبی و کتبی

فلکوفها هم  
والوردون  
ابلیس انب  
و جنود  
مولان حاضر  
ابد و رنج در وجه فلان  
بن فلان رحمت و عدت درین  
قلب و چراغ حاضر گزیند بوردن الجبل الجبل الجبل  
التاقه الساعة الساعة الراها الراها حاضرانید و بوردن

این فلتیه را نوشته در چراغ نوکلی کرپینه نو بچید ه با  
روغن تلخ و روی فلتیه طرف مشرق و در بعض مستقبل  
قبله بنشیند دیگر شرایط بدستور مسطور صدر است  
بوزاند و شاه اید حاضر خواهد شد هر چه جواب شود

بجای بنویسید کتبی و کتبی

۲۲۸ در بیان دفع صرع

حواب خواند سوخت اگر در اول فلیته کار تمام نه شود مگر هفت  
فلیته بعل ارد ما بین نقش این عبا را نوید این است

مجن جبرئیل

۸	۱۱	۷۳	۱
۷۱	۲	۷	۱۲
۳	۲۴	۹	۶
۱۰	۵	۴	۲۲

مجن رما نیل

بر آسیمی که از جن و جنیان و دیو و پری و چور باب و سحر و جادو  
در وجود فلان بن فلان و حال نموده با انواع ازار میرساند نو که برفت  
تمام درین فلیته در آورده بنه دل جیبی نموده بسوزانند که عسرت  
بر دیگران گردد و مریض بچاره راحت عجل و شفای کامل آید  
الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ مَجْنُوهً شَرَاهِيًا

این فلیته نوشته در چراغ نو باروغن تلخ پاندها در مخلوط بچیده تمام  
با شرایط بالا رو به قبله بسوزانند و مریض رو بر فلیته نشیند و  
به بیدار هر چه شد حاضر شده بسوزد این است طسم در صغیر مناجات  
بدستور مذکور بر دختر نابالغ و یا طفل نابالغ بکنند این نقش  
را نوشته در خانه خالی سیاهی پر کند چنانچه رو در آن نماید  
و خود این آیت کریمه خواند بر دست او دمیده باشد پادشاه  
جن حاضر مولد شد ایات ایت دَسَلِيمَانِ الرَّيْحِ عَدُوَّهَا  
شهر



# در بیان دفع صرع ۲۲۹

شهر و رواحها شهر و اسناله عین القطر وعن الجین من یعمل

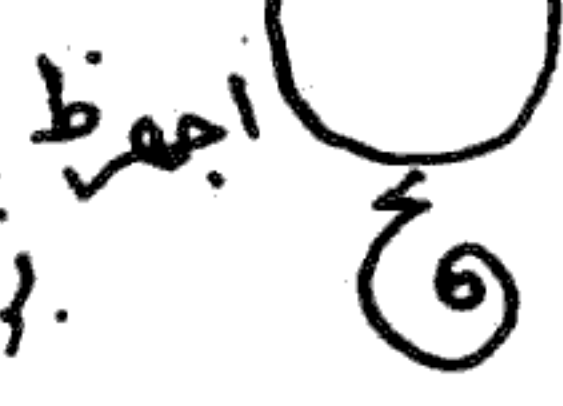
افست علیکم  
باید در این  
در وجود فلان  
فلان باشد  
در وقت

مجن اجهرط

۱۴	۱۹	۱۲
۱۳	۱۵	۱۷
۱۸	۱۱	۱۶

باید در وقت  
در وقت  
در وقت

افست علیکم  
باید در این  
در وجود فلان  
فلان باشد  
در وقت



باید در وقت  
در وقت  
در وقت

بین ید هیه به اذن و من یزغ منهم عهد امرنا ندقه من عذاب  
السیر احضروا احضروا محق سلیمان بن داود علیها السلام  
العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه الروح الروح  
نقش اینست

نوع دیگر حاضران دیگر باید که  
روز یکشنبه اول ساعت شروع کند  
و عود و لبان در وقت خواندن مجور  
نماید و هر روز بیت و سر مرتبه  
مخواند وقت معین نگاه دارد بعد

۱۴	۲۰	۳۶	
۳۴	۲	۱۲	۲۲
۴	۴۰	۱۶	۱۰
۱۸	۸	۶	۳۸

از فراغ فاتحه بر خوانده بکار دیند و سوره سبأ را دوسرا

## ۲۳۱ در بیان دفع صرع

مشغول شود تا بیت دسه روز بعدا هر کامیکه یکنقش مثلث  
 نوشته در خانه پنجم سیاهی پر کرده دختر نابالغ طفل بدستور  
 طریقی مذکور صدر نماید پادشاه حاضر خواهد شد هر خبر  
 خواهد پرسد و هر کار که بگویند بکنند و جواب با صواب دهد  
 لکن در هر روز بود مذکوره که بیت دسه باشند بعد ناظر  
 بگذارند عزیمت اینست عَزَمْتَ عَلَیْكُمْ یا هو زوه شاه یا قر  
قَلْبًا قَدِمْ یا تَنْصُرُ و اعلی غیب لر علی بیثا و اراد الله  
 بِإِذْنِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ أَحْضَرُوا مِنْ جَانِبِ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحْضَرُوا  
 مِنْ جَانِبِ الْمَجْنُوبِ وَالشِّمَالِ أَحْضَرُوا أَحْضَرُوا بِحَقِّ  
 سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَقَشَ مَذْكَورَ ابْنِ

۲	۹	۴
۷		۳
۶	۱	۸

نوع دیگر حاضران سلیمان شاه اول  
 جای پاک از کل پاک سه چهار کزیت  
 کند بعدا یک چادر سفید پاک بران  
 فرش نماید دختر نابالغ یا طفل بران

نشاند و مجوزات خوشبو بخور کند و از کل خوشبوی در گلوی آن  
 دختر یا طفل اندازد بعدا در هفت مرتبه و تا تکفیل و یا  
 اسرافیل هفت بار خوانده این آیت کریمه را بر پنج ساهم بوزن  
 یک مثقال چهل و یک بار بخواند و این آیت کریمه صد و بیجاه  
 بار برین نقش خوانده دم کرده بدست دختر دهد و در



۲۳۱

## در بیان دفع صرع

سیاهی به نماید و خود بر آن برج چندانه گرفته ایت مذکوره  
را خواند بر سر دخت خیزیده ایت که بر برج بخواند ایت  
يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتِطْفَعْتُمْ أَنْ تَتَّقُوا مِنْ أُنْتَارِ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاتَّقُوا لِاسْتَعْدُوْنَا إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَيَأْتِي  
الْأَيُّ نَبِيكُمَا تَكْذِبَانِ وایت بر نقش بخواند ایت قُلْ أَوْحَى  
إِلَيَّ أَنَّهُ اسْمَعُ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ اللَّعْنَةَ يَا عَالِمَ  
الْغَيْبِ واکر دو صد و بیجاه بار که بخواند بهتر است نقش ایت

۸	۱۱	۱۴	●
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

سابق العمل از ولیکن اینهای  
مذکور خواندن هست این نقش  
را در دست داده این عزیمت  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ الْجَنَّةِ

وَالْإِنْسِ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ  
وَأَصْحَابِ الْأَرْوَاحِ فَتَحُونَ فَتَحُونَ فَتَحُونَ جَبِيكَ جَبِيكَ الْمِيمِ الْمِيمِ  
فَكَاتِفَا السَّالِيبِ سَالِدِ سَوْرٍ وَسَوْرٍ أَكْهَلَا  
كَهَلَا مَهَلَا مَهَلَا سَهَلَا سَهَلَا حَاضِرًا حَاضِرًا سَهْلًا سَهْلًا  
شَدَّ بِأَسَدٍ يَأْمِقُ خَاتِمِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ احْضُرْ  
احْضُرْ يَا أَصْحَابَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ وَاحْضُرُوا مِنْ جَانِبِ

۲۳۲ در بیان دفع صرع

المشاق والمغارب ومن جانب الجنوب والشمال بحق  
لا إله إلا الله محمد رسول الله بدرای شاه اسکندر حاضر  
شو حاضر شو حاضر شو یا عقبا ییل نقش عزیمت شاه اسکندر

آیت

۶۵۲۴	۶۵۴۷	۶۵۲۲	۶۵۱۷
۶۵۲۱	۶۵۱۸	۶۵۲۳	۶۵۲۸
۶۵۱۹	۶۵۳۴	۶۵۲۵	۶۵۲۲
۶۵۲۶	۶۵۲۱	۶۵۴۰	۶۵۳۳

نوع دیگر این نقش  
برای دفع دیو و پری  
و جن روزه هفت  
قلیم نوشته در هفت  
جراع دان بسوزد  
و هر بلای که باشد

سوخته شود و بفرمان خدا تعالی قلینة آیت

۱۵۳۶ س ا ع ا س و ع ف ک ی ک ب و ا ق ب ه ا ه م و الن ع ا ر ن

و ضرور ابلیس اجمعین ازل چون این نقش پر کند اول

هفت بار در بخواند بعد از آن هفت بار یا تنکفیل

یا اسرافیل بخواند بعد این آیت کلام الله بخواند تا که بریان

حاضر آیند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ اُوْحِیْ اِلَیَّ اِنَّهُ سَمِعَ

نَفْسِیْنَ الْحَیِّ عَزَمَتْ عَلَیْكُمْ یٰۤاٰمَنُّوْنَ الْحَیِّ وَاللّٰیْسُ اِنْ

اَسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوْا مِنْ اَنْفَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ فَاَنْفُذُوْا



در بیان دفع صرع

۲۳۳

لَا تَقْدُ وَاِنَّ الْاِبْلَاطَانَ فَبِائِي الْاَلَاءِ رَبِّمَا تَكْنَزُ بَابِ غَانَه

7	۱۱	۱۹	
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۱۹	۶
۱۰	۴	۴	۱۴

اول راسیاه پُرکند و بدست

مریض بد هد که در آن سیاغ

نظر کند و نقش اینست

نوع دیگر دفع دیو پری

چو دُل و بهوت و خبت یا تنکلغیل

یا اسرافیل

یا تنکلغیل

و غیره این فلیتیه بر کاغذ با پر پارچه نوشته در چراغ دان

بسوزد و بر وی اسیب زده نگاه دارد و کر چو کنی با جن هر

چه باشد در چراغ حاضر آید خواهد سوخت بکرم الله تعالی

مریض را صحت یابد فلیتیه اینست یا طبور یا طبور یا دیوسا

یا دیوسا فرعون و هامان و نمرود و شداد الجن در بدح

اسراملی حلوم سو سو ۱۱۶ طوا سا که بحق و اطون

الجن و اهراب یا طیطوا یا طیطوا و سلها یا طبور افتو

نوع دیگر برای دفع دیو پری و غیره این فلیتیه بر جامه بنویسد

و در بینی دود کند اسیب حاضر شود اینست

۷۵۸ ۷۵۹ ۷۶۰ ۷۶۱ ۷۶۲ ۷۶۳ ۷۶۴

## ۲۳۴ در بیان دفع صرع

نوع دیگر برای صرع این فلیته بردستگر از موده مجرب برای  
 سوختن فلیته حضرت میران چون فرعون لعین نمرود لعین شداد  
 لعین هامان لعین نمرود لعین شداد لعین هامان لعین عاج  
 بین علوج لعین حاس لعین اجعین خالد اّمخلد اّمصد عبد  
 و اتم کل شیطان مارد بین فالدار احر قوانا هم میزان فیروز  
 میزان سید دمه که در وجود فلان بن فلان باشد در بین فلیته  
 چراغ آمده بسوزد و حاضر شود و جواب گوید بحق علیقا  
 ملیقا انت تعلم ما فی قلوبهم طایقا هر بلائیکه باشد بسوزد  
 بحق الوحا الوحا الوحا العجل العجل العجل الشاغة الشاغة الشاغة

	۷	۱۱	۸	۱	۴
	۶	۹	۲	۱۳	۱۲
۵	۱۰	۱۵	۱۴	۱۶	۳

نوع دیگر برای حاضر آوردن است بدست اسب  
 زده بدهند و در حاضر آید اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 اِجِبْ یَا عِزْرَائِیلُ یَا مِیْکائِیلُ یَا اسْرَافِیلُ یَا جِبْرَائِیلُ یَا  
 یَا عِزْرَائِیلُ حَاضِرْ شُوْر نَقِشْ اِیْتِ اِرْمَیْلِ نَرِشْمَ شَدَاک



در بیان دفع صرع ۲۴۵

ط	ا	س	ع	۹
ع	۱۲	ا	س	۱۶
ط	۱۶	ا	س	۱۲
ع	۱۲	ا	س	۱۶

ط ا س ع ۹  
ع ۱۲ ا س ۱۶  
ط ۱۶ ا س ۱۲  
ع ۱۲ ا س ۱۶

نوع دیگر اگر کسی را دیوانه گرفته باشد و عاجز کرده باشد  
و نمی داند چه کند این دعا را نوشته در کردن آن مریض به بند  
و شفا نیابد از سوره است

و	۸	۶	۴
۳	۱۲	۵۲	لا
۳	۴	۱۴	۴

نوع دیگر این بسته را بنویسد  
بر کاغذ یا بر جامه و در چراغ

افزود روی بسوی جانب مریض کند آن دیوانه پری و با  
جن و جگر کنی خواهد بود در میان چراغ مذکور بالشکر حاضر  
خواهد شد و خواهد دید چنانچه افزود همچنان مریض را صحت  
خواهد شد بفرمان خدا تعالی پلینه اینست

یا طَبِیْرُ یا طَبِیْرُ یا دِیُوْسَا یا دِیُوْسَا زِعُوْنَ هَامَانَ نَمْرُوْدَ  
سَنَادَ الْاِخْفَى دِرُوْعِ اسْدَامَلِ حَلْقُوْمِ عُوْعُوْا وَا  
طُوْرَا مَلْهَاسَا رِکْدَ بَحْقِ وَا طُوْانِ الْعِیْنِ وَا هَرَبِ  
یا طَبِیْطُو یا طَبِیْطُو رَسَلْبَا یا طَبِیْطُو سَا قَمُوَا تَسَ

تحریر ۲۳ در بیان دفع صرع

نوع دیگر این فلیتہ را بر جامہ نر نوشته در چراغ نو  
بسوزد و مریض را بنماید دیو و پری حاضر شود و سوخته  
دفع شود شکل اینست صع ۷۸۸ ۷۸۷ ۷۸۶ ۷۸۵ ۷۸۴ ۷۸۳ ۷۸۲ ۷۸۱ ۷۸۰ و اوہ

از این روشن کند در روغن کجند

نوع دیگر برای دفع دیو بر کاغذ بنویسد و بنماید دیو  
دفع شود اینست مہا کھ ا کھ م م م م م م م م م م

نوع دیگر برای دفع شدن دیو و پری و غیرہ ہر قسم کہ  
باشد این آیات را نوشته در کردن مریض بندد صحت  
یابد و بلای از او دور شود آیات اینست  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلٰهَ إِلَّا  
هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا

نوع دیگر برای آسیب جن و پری و ہر قسم کہ بودہ  
باشد بیار در روغن تلخ بروبت بکرنید یا چهل و یک مرتبہ  
با دهنوی خوانندہ دم کند و در گوشہای مریض سر مرتبہ  
اندازد ہمون زمان صحت شود و در وجود او سوختہ کردد  
اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَمَّا لَمَّا تَكَلَّمْتُ عَنْهُ صَبْرًا  
وَجَارًا وَبُودًا وَفَهْرًا جَنَّ كَهَيْعَتِهِ جَنَّ جَعَسَقَ



۲۳۷

در بیان صرع زده

بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

نوع دیگر اگر کسی را دو مضرت رسانند این تعویذ را نوشته  
اورا بنماید و بود دفع شود

~~صراع لالا لالا لالا لالا لالا~~

این چهار نام بر دست

خود بنویسد و دیورده

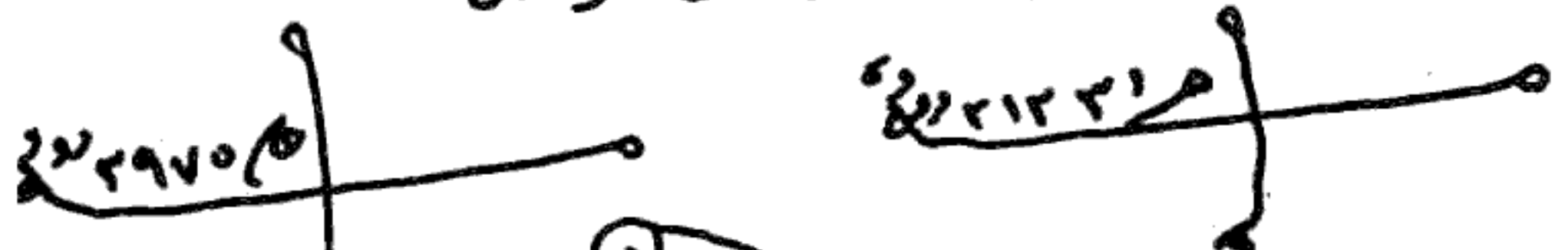
و صاحب سایه را بنماید

دیو و پری بگریزد

یا ابراهیم یا موسی یا محمد یا عیسی



نوع دیگر برای یافتن اسب نوشته صاحب مریض را بنماید  
اگر اسب باشد مجرد نظر کردن بوی کاغذ سر برهنه کند  
و چنان کردن بار شود که سرگشتن نتواند



۴	۱۴	۱۵	۱
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳



۲۳۸ در بیان هلاک دشمن

برای هلاک دشمن اگر کسی خواهد که ظالمی را و دشمن  
 جانی را هلاک کند باید که این اسم اعظم را بر تخم شلغم  
 سه هزار و ده بار بخواند و در خانه ظالم و دشمن افشاند  
 امید که آن ظالم هلاک شود و آن اسم اعظم اینست  
يَا مَاسُوخُ يَا رَاسُوخُ يَا نَاسُوخُ يَا مَاسُوخُ من  
 نوع دیگر اگر خواهی مابین دو کس مجرم مشغولند عداوت  
 افتد بر بارچه بنویسد و در آتش اندازد و بگو که در فلان بنت  
 فلان یا فلان بنت فلان خواه بن گوید جدائی افتد اینست

برای  
هلاک  
دشمن

ع ع ع ع ع ع ه ه ه

نوع دیگر روز شنبه بنویسد و در صوم گیرد و در چاه اندازد  
 بعد نظر کند انشاء الله تعالی جدائی افتد وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ  
الْعَدَاوَاتِ وَالْبَغْضَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ فِي الْحَرِّ وَالْمَيْتَةِ

هلاک  
دشمن

نوع دیگر بنویسد بر کاغذ و در قبرستان کهنه اندازد یا در  
 آب بسته اندازد فی الحال جدائی افتد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مَا أَدْرِيكَ مَا الْمَاقَةُ وَمَا أَدْرِيكَ مَا الْمَاقَةُ الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ  
وَمَا أَدْرِيكَ مَا الْقَارِعَةُ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ  
الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا عَدَاوَاتِ فِي الْفَلَاحِ  
 بن فلان علی بغض فلان بن فلان تم

هلاک  
دشمن



هلاک دشمن

مفادیل و موثر است و هر ابواب مقصود است

ایضاً این شکل را سبع حکماً این اعداد را اعداد نجوم  
 کامل قرار دادند چنانچه هفت آسمان و هفت زمین و هفت  
 کوكب و هفت قرآن و هفت آیه سبع المثانی اگر این شکل را  
 در پوست خز بنویسد در ساعت زحل و مرغج نام طالب و  
 مطلوب در پشت نوید و در کور سیاه کهنه رفتن کند میان  
 ایشان تفرقه افتد و ذلیل گردد و اگر در شرف زحل یا مرغج  
 نوید که صورت مجید کرد جمع اعداد  $100$  طرح است  
 هفت هفت قسمت کردیم یک عدد بانی ماند و عدد آیه پور کردیم  
 معمول و اگر کسی یکی آید در خانه  $33$  بلی زیاد کند و اگر کسی دو آید  
 در خانه  $36$  یک زیاده دهد و اگر کسی سه آید در خانه  $39$  یک  
 زیاده دهد و اگر کسی چهار آید در خانه  $40$  یک زیاده دهد و اگر  
 کسی شش ماند در خانه  $42$  یک زیاده دهد فقط معمول است

۷	۹	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱	✓
		۱۷	۲۰	۲۳	۲۱	۱۹	۱۱	۱۱	✓
۱۴	۲۲	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۱۱	✓
۲۱	۲۴	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۲۰	✓
۲۸	۴	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۰	✓
۲۵	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۰	۲۹	۱۳	✓
۳۲	۳۱	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۳	✓
۳۹	۳۸	۳۸	۳۷	۳۶	۳۵	۳۴	۳۱	۲۲	✓
۴۶	۴۸	۴۷	۴۶	۴۴	۴۳	۴۲	۴۱	۲۲	✓

نوع دیگر جهت هلاک دشمن قدری آرد خیر کند و از آن هزار غلوه کند بر هر غلوه نوید با قوی و به نیت دشمن از ابر زمین پاک بگذرد تا مرغان بخورند آن دشمن

هلاک دشمن

هلاک شود نوع دیگر جهت معزول شدن حاکم ظالم و لقد فتنا سلیمان والقینا علی کرسیه جبراً ثم اناب قال رب اغفر لی وهب لی ملکا ینبئ لاهدی من تعبدی انک

هلاک دشمن

انت الوهاب فسمع ناله الريح بأمره رقاً حيث اصاب والشياطين كل بناء وهوا من وآخرین مقرنین فی الاصفاء هذا عطاء نافع من اواميرك بغير حساب این آیات را بجهت حکام ظالم است قطعه سفاله گفته بگیرد و این آیات را بران

نقش کند بعد از آن بگوید کذاک میخ فلان بن فلان عن حکم و بحق اسمائک هذا و این قطعه سفاله گفته را دفن کند در موضعی که بجهت حکم می نیشیند عزل شود انشاء الله ما

نوع دیگر دفع دشمن اگر سه شب متعاقب پیش از طلوع صبح این آیه را بخواند انا کفیناک المستهزین ما آخر سوره حجر تا وقت طلوع صبح دو هزار بار بخواند در دفع دشمن و بر

هلاک دشمن

انداختن خصم حالتی عجیب دارد نوع دیگر جهت آواره کردن از مقام اعداد سوره المر ترکیف ۶۹۶ عدد دانگی

آواره دشمن

و نشند در آن مقام کور کند آواره شود والله العالم